

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره چهاردهم / اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ / شماره ۱۱۷ پی در پی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

فاطمه رضانی

لیلا سلیقه‌دار

یدالله رهبری‌نژاد

ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: فریبا بندی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

پایگاه اینترنتی:

www.roshdmag.ir

ایمانامه:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۴۷۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: علی خوش جام

یادداشت سردبیر ۲: تا سلامی دوباره، بدرود! / مرتضی مجدفر

تعلیم و تربیت ۴: معلم قرن ۲۱ / دکتر علی اکبر شعاری‌نژاد

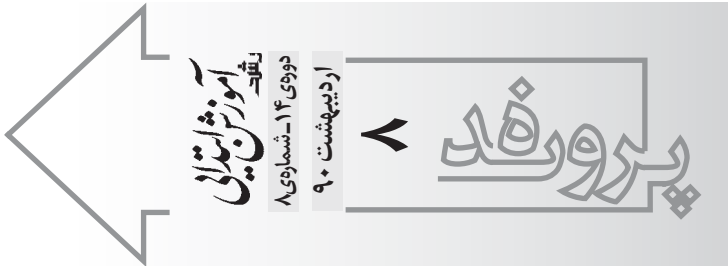
کتاب آموزگار ۷: شکوه بندگی / منیره حبیب‌پور

پژوهش‌های دانش‌آموزی و آموزگاران ۸: مهارت‌های پژوهشی معلمان / دکتر لیلا سلیقه‌دار

زیر سقف آسمان ۱۰: تبدیل تهدید به فرصت / دکتر رخساره فضلی

یک نکته ۱۴: فرشته‌ای به کمک می‌آید... / ترجمه‌ی فرح‌بانو قائمی

ایستگاه ۱۶: تصمیم مادر کبری / شهین صادقی



تعلیم و تربیت ۳۳: ماندگاری خوب است یا بد؟ / یدالله رهبری‌نژاد

۳۶: باسواد کیست؟ / دکتر مرجان لرکیان

۳۸: آب یا سو؟ / رضا کلانتری

یک پیشنهاد ۴۱: رازی به جای جابرن حیان! / هرمز علی‌زاده

میراث ما ۴۲: هفتمین منظر فرهنگی طبیعی جهان / حمید دهقان

با همراهان ۴۴: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی مجله

گزارش ۴۶: این‌ها را بنویسید، آن‌ها را ننویسید / فاطمه قائمی

خبر ۴۸: تارنمایی برای انتظار / ناصر بنی‌علی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

• مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. • محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. • کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. • مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثار وی پیوست شود. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

تاسلامی دوباره بدرود!



سال‌هاست سخن‌رانی‌های بی‌اثر، کم‌اثر و یا معمولی کرده‌ام که از آن‌ها راضی نبودم. ولی باید بگویم از حضورم در جمع فرهنگیان شهرستان **سراوان** بسیار شاد شدم. انسان‌هایی که فهمیم، علاقه‌مند، مهربان و در یک کلام دوست‌داشتنی بودند! به راحتی با انسان هم کلام می‌شدند، به سهولت اطمینان می‌کردند، به خوبی انتقاد می‌کردند و به زیبایی خواسته‌هایشان را مطرح می‌ساختند. در سراوان، معلمان و مدیرانی که در جلسه حاضر بودند، فضایی فراهم کردند تا بتوانم از محضرشان یاد بگیرم و از این بابت بسیار سپاس گزارم. و چه قدر جالب بود که این تفاهم و همراهی را در دیگر حضورها و بازدیدهایمان هم دیدیم. برای مثال در دبستان ۲۰ کلاسه‌ی دخترانه‌ی هیئت‌امانی شهید **نامجو** در ناحیه‌ی ۱ زاهدان، که از جمله‌ی مدرسه‌ی است که همه‌ی مجلات رشد معلمی و دانش‌آموزی، در آن با برنامه‌ای خاص خوانده و استفاده می‌شود، من و مدیر هنری مجلات رشد، به تصادف از دو کلاس اول ابتدایی بازدید کردیم و این‌اثر گری و سخت‌کوشی را که از ویژگی‌های شغل آموزگاری است، به‌عینه دیدیم. در کلاس خانم **طیبه هامون نورد**، یکی از آموزگاران پایه‌ی اول، شعاری به دیوار نصب شده بود که سخت جلب توجه می‌کرد: **لذت بردن از آموزش، حق دانش‌آموزان است.** تجلی عملی این شعار را آن‌گاه که دانش‌آموزان، با خنده و شوخی و مستانه از شوق یادگیری، با آموزگار خود و درس‌ها و گفته‌های وی همراه می‌شدند، دیدیم. کمد دیواری کلاس با انبوهی از کارهای متنوع، خلاقانه و فعالیت‌های گسترده در حوزه‌ی ارزش‌یابی توصیفی که شاید طراحی هر یک از آن‌ها برای ما و دیگر برویچه‌های حوزه‌های ستادی، به ساعت‌ها وقت نیاز داشته باشد، نشان از وقت‌گذاری خانم هامون نورد برای اعطای این حق مسلم به دانش‌آموزانش داشت. کلاس خانم **فاطمه سرگزی**، دیگر آموزگار پایه‌ی اول هم چنین بود. کلاسی که بهره‌برداری از فناوری اطلاعات با ساده‌ترین رایانه و تجهیزات در دسترس، در آن ممکن شده بود و سرزندگی و شادابی دخترچهره‌های مدرسه‌ای که خانم **مریم محراب** مدیر آن بود، به خوبی مشهود بود. در هر دو کلاس، با وجود آن که در زمان بازدید ما، هنوز بچه‌ها خواندن تمامی حروف الفبا را به پایان

از اولین روزهای اردیبهشت که شماره‌ی هشت هر سال مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی توزیع می‌شود تا آغاز مهرماه که بار دیگر با دوره و شماره‌ی دیگر در خدمت خوانندگان مجله هستیم، پنج ماه طول می‌کشد؛ پنج ماهی که حس می‌کنی درست به اندازه‌ی یک عمر وسعت دارد. در این پنج ماه درست است که مجله‌ای منتشر نمی‌کنیم، ولی به هیچ روی ارتباطمان با خوانندگان قطع نمی‌شود و دوست داریم کماکان همراهان مجله با ارسال نامه‌ها، نوشته‌ها و رایانامه‌های خود و نیز با حضور در دفتر مجله‌ی رشد ابتدایی، با ما در تماس باشند. در این پنج‌ماه، ما با تجدید قوا، برنامه‌ریزی و نیز آماده کردن محتوای دوره‌ی جدید مشغول می‌شویم و دلمان می‌خواهد همراهانمان نیز ما را فراموش نکنند. برای خداحافظی موقت تا سلامی دوباره در آغاز دوره‌ی پانزدهم انتشار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، چند نکته‌ی مهم را برایتان بازگو کرده‌ایم.

* * *

لذت یادگیری در سیستان و بلوچستان

سفرهای استانی مدیران، سردبیران و کارشناسان مجلات رشد به استان‌ها، فرصت بی‌بدیلی است که ما، تولیدکنندگان تهران‌نشین مجلات را از تهران پردود و دم جدا می‌کند و رودرروی مخاطبانی قرار می‌دهد که با عشق و علاقه‌ای شگرف در حال کار هستند. در یکی از آخرین سفرهایی که افتخار همراهی دیگر دوستان نصیبم شد، به استان گسترده، پر رمز و راز و پر نعمت سیستان و بلوچستان رفتیم؛ استانی که زهد و تقوا و عشق و علاقه‌ی بی‌حد و حصر مردمان آن به نبی مکرم اسلام، حضرت رسول اکرم (ص)، به وضوح مشهود است. و به‌ویژه فرهنگیان استان، با عشق، سنت مهر ورزیدن پیامبر بزرگوار اسلام را در دل کودکان و نوجوانان به یادگار می‌گذارند. این‌ها را شعارگونه و برای پر کردن سطوری از یادداشت آغازین این شماره از مجله بیان نمی‌کنم، دل‌دیده‌هایی است که در این سفر دیدیم و با تمام وجود لمس کردم. سال‌هاست در جمع فرهنگیان حاضرم و سال‌هاست موهبت و اجازه‌ی صحبت کردن در جمع معلمان و مدیران، نصیبم شده است.

نرسانده بودند، به راحتی با مجله‌ی رشد کودک ارتباط برقرار می‌کردند و مطالب آن را برای یکدیگر می‌خواندند و از محتوای آن استفاده می‌کردند. در یک کلام، در استان سیستان و بلوچستان و در مکان‌هایی که ما حضور یافتیم، یادگیری با لذت تمام در جریان بود.

پرونده‌ای برای ارزش‌یابی توصیفی

از گوشه و کنار کشور و نیز در بازدیدهایی که از دبستان‌های کشور به عمل می‌آوریم، بسیاری از آموزگاران به سبب نبودن مبحث ارزش‌یابی توصیفی و این که در ارتباط با این موضوع، منابع مکتوب کمی در دسترس است، از متولیان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی درخواست می‌کنند که درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی مطالب بیشتری منتشر کنند. بخشی از این درخواست‌ها را در شماره‌ی هفت (فروردین ۹۰) پاسخ دادیم و چند مطلب در این مورد به چاپ رساندیم. شماره‌ی ۱ دوره‌ی پانزدهم (مهرماه ۱۳۹۰) را هم قرار است با صفحاتی افزون‌تر از صفحات معمول مجله، باز هم به ارزش‌یابی توصیفی- کیفی اختصاص دهیم. از این رو از همه‌ی خوانندگان مجله در سراسر کشور و نیز مسئولان اجرایی آموزش و پرورش درخواست می‌کنیم، نوشته‌های علمی و نیز تجربه‌های خودشان در مورد ارزش‌یابی توصیفی را تا شانزدهم خرداد ماه ۹۰ به دفتر مجله ارسال کنند. بدیهی است با توجه به آغاز روند تولید مجلات سال آینده از ابتدای تیرماه ۹۰، مطالبی که پس از تاریخ تعیین شده به دستمان برسند، از گزینش و بررسی و انتشار کنار خواهند افتاد.

تازه‌های دوره‌ی جدید

مثل هر سال که با برنامه‌های جدیدتری خدمت شما می‌رسیم، در دوره‌ی پانزدهم مجله هم سلسله مطالب تازه‌تری را برایتان پیش‌بینی کرده‌ایم. این پیش‌بینی‌ها براساس نظرات دریافتی از شما، جلساتی که با حضور برخی از مخاطبان برگزار کرده‌ایم، انتظارات مسئولان ارشد آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست‌ها و برنامه‌های جاری آموزشی و نیز نظرات شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله مدون و در قالب برنامه‌ی سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مجله ارائه شده است. برای آن که باز هم از نظرات شما استفاده کنیم و اعلام برنامه‌های پیش‌بینی شده از سوی ما، باعث ایجاد محدودیت برای دادن نظرات شما نشود، از ذکر کلیات و جزئیات برنامه خودداری می‌کنیم و خواهشمندیم تا همان تاریخ شانزدهم خرداد ۹۰، پیشنهادهای و درخواست‌های مدنظرتان را برای گنجاندن در برنامه‌های سال آینده

به دفتر مجله ارسال کنید. هم‌چنین بسیار خوش حال خواهیم شد که خودتان هم دست به قلم شوید و در تولید مطالب مجله سهمی داشته باشید. ولی حتماً در نظر بگیرید که دو دسته مطلب از دید شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله اهمیت بیشتری دارد و احتمال چاپ آن‌ها زیاد است: مطالب مبتنی بر تجربه‌های زیسته‌ی معلمان و مطالبی که حجم کمتری دارند.

مطالب مناسبی را به موقع بفرستید

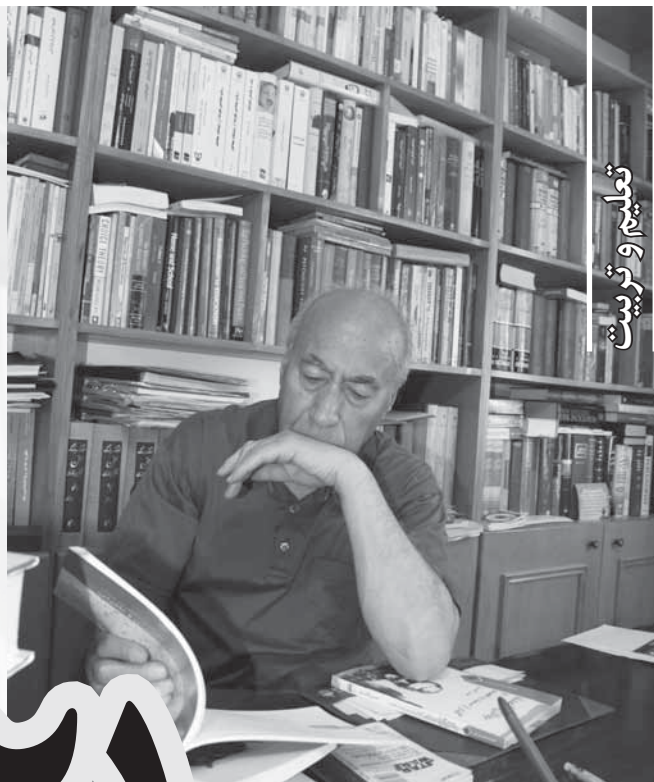
برخی از مخاطبان، دوست دارند در زمینه‌ی تولید مطالب مناسبی با مجله همکاری کنند. برای مثال برخی تمایل دارند تجربه‌های خود در زمینه‌ی برگزاری مراسم آغاز به کار مدارس، جشن‌های اعیاد قربان و غدیر، ایام ماه محرم، عید نوروز، هفته‌ی معلم و... را برای چاپ در اختیار دفتر مجله قرار دهند. این قبیل دوستان باید در نظر داشته باشند به دلیل طی شدن عملیات تولید مجلات رشد در روندی سه تا چهار ماهه، مطالب مناسبی باید حداقل چهار ماه قبل از فرا رسیدن مناسبت، تألیف و به دفتر مجله ارسال شده باشند. برای مثال اگر در نظر دارید تجربه‌های خودتان در زمینه‌ی جذب دانش‌آموزان در مهرماه و مراسم آغاز به کار مدرسه را به دفتر مجله ارسال کنید، باید همین روزها دست‌به‌کار شوید و قبل از به پایان رسیدن اردیبهشت ماه، نوشته‌هایتان را به دفتر مجله ارسال کنید.

تلنگری‌ها تا اول مهر صبر کنند

امسال هم غافلگیرمان کردید. تعداد پاسخ‌های دریافتی از شما به مسابقه‌های تلنگری برای تفکر آن قدر زیاد بود که باز هم نتوانستیم در شماره‌ی پایانی، لااقل برندگان مسابقه‌های ۱ تا ۶ را اعلام کنیم. تابستان را به ما فرصت دهید و در شماره‌ی مهرماه ۹۰، اسامی برندگان هر هشت مسابقه را ملاحظه کنید. به برگزیدگان مسابقه‌های هشت‌گانه، علاوه بر جوایزی ناقابل، تقدیرنامه‌ای با امضای مدیرکل دفتر انتشارات کمک‌آموزشی (مدیر مسئول مجلات رشد) ارسال خواهیم کرد.

عاشقان دوره‌های ضمن خدمت بخوانند

سال قبل در شماره‌ی چهار مجله، شاهد انتشار جزوه‌ی آموزش ضمن خدمت غیرحضوری تحت عنوان روش‌های تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت بودید. شماره‌ی چهار سال قبل مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در دی‌ماه ۱۳۸۹ نایاب شد و بسیاری از متقاضیان پی‌دی‌اف صفحات مجله به‌ویژه ۱۶ صفحه‌ی وسط مجله را از



دکتر علی اکبر شکاری نژاد

پایگاه www.roshmag.ir پرینت گرفتند. این که هم مجله نایاب شد و هم عده‌ای از روی صفحات مجله فتوکپی و از سایت مجلات رشد تصویر تهیه کردند، هم خوش‌حالمان کرد، هم ناراحت. خوش‌حال از این که همکاران فرهنگی، به خواندن علاقه‌مند شده‌اند و چه چیزی بهتر از خواندن و ارتقای دانش‌ها و تجربه‌های یک معلم. و ناراحت از این که این اقبال گسترده را فقط در شماره‌ی چهار دیدیم و در سایر شماره‌ها، ما بودیم و همان ۵۰-۶۰ هزار خواننده‌ی همیشگی مجله. می‌دانیم که انگیزه‌ی شرکت در دوره‌ی ضمن خدمت غیرحضور و دریافت گواهی‌نامه، همکاران را به خواندن شماره‌ی چهار ترغیب کرده است، ولی امیدواریم نیم‌نگاهی هم به سایر شماره‌های مجله بیندازند و مطمئن باشند که ضرر نخواهند کرد و حتماً چیزهایی برای خواندن و یاد گرفتن در صفحات مجله‌ی رشد ابتدایی و سایر مجلات رشد خواهند یافت. ولی برای این که این همراهان یک شماره‌ای را از خودمان دور نکنیم، در دوره‌ی جدید باز هم از طریق مجله، آزمون ضمن خدمت غیرحضور برقرار خواهیم کرد. امیدواریم علاقه‌مندی یک شماره‌ای این مخاطبان به مجله، به چندین شماره برسد و همواره با ما باشند.

سیاس‌گذاری

بار دیگر دوره‌ای به پایان رسید و مجله، به لطف خدا از دوره‌ی چهاردهم خود نیز به سلامت گذر کرد. در پایان این دوره، وظیفه‌ی خود می‌دانم علاوه بر مدیران و مسئولان دفتر انتشارات کمک‌آموزشی که در کلیه‌ی مراحل آماده‌سازی، انتشار و توزیع مجله با دست‌اندرکاران تولید محتوای رشد آموزش ابتدایی همراهی کردند، از مدیر داخلی، اعضای شورای کارشناسی و برنامه‌ریزی، ویراستار و گرافیکست مجله نیز سیاس‌گذاری کنم. هم‌چنین شایسته است از تلاش بی‌سروصدای بخش‌های گوناگون واحد فنی و هنری مجلات رشد اعم از مدیر این بخش و کارکنان قسمت‌های حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، عکس و آرشیو عکس و اسناد، چاپ و نظارت چاپ و سایر قسمت‌ها تشکر شود. از این گروه بی‌سروصداتر، باید از کارکنان معاونت انتشارات مجلات رشد یاد کنیم که نقش پشتیبانی‌کننده را برعهده دارند و عملاً هیچ کاری بدون حمایت کارکنان این معاونت، به سرانجام نمی‌رسد و عملیاتی نمی‌شود؛ از قرار دادن چایی قندپهلو کنار دست نویسندگان مجلات، تا مهیا کردن زمینه‌های سفرهای استانی و دیدار با مخاطبان و نیز توزیع گسترده‌ی مجلات در تمامی استان‌ها. امیدواریم تلاش‌های همکارانمان در این معاونت، مورد قبول حضرت حق واقع شود.

خداحافظی

تا مهرماه ۹۰ شما را به خدا می‌سپاریم. باز هم با ما باشید و مجله‌ی خودتان را بخوانید. مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، امیدوار است در تحقق شعار خود یعنی فراهم کردن تربیونی برای ایجاد ارتباط بین آموزگاران سراسر کشور از طریق مجله موفق باشد. به امید دیدار! یا حق.

معلم قرن ۲۱

اشاره

هشتمین شماره‌ی هر سال مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در اردیبهشت‌ماه و هم‌زمان با ایام بزرگداشت مقام معلم منتشر می‌شود. در این شماره از مجله، بی‌مناسبت ندیدیم مقاله‌ای دیگر از دکتر شکاری نژاد را که ویژگی‌های معلم قرن بیست‌ویکم را هر چند پس از گذشتن یازده سال از آغاز این سده - برمی‌شمرد، منتشر کنیم. امیدواریم ما معلمان این گونه باشیم و در جهت تربیت دانش‌آموزان فردا بکوشیم.

از جمله ویژگی‌های معلم شایسته، پویا، بیدار، خلاق، شناگر، سالم بدنی و روان‌شناختی این است که همیشه در زمان زندگی می‌کند، یعنی فرزند زمان است، بدون این که برده‌ی زمان باشد. چون او می‌داند و باور دارد که یکی از خصایص طبیعی رشد و تکامل انسان این است که در دوران خردسالی یا کودکی و نوجوانی، عمدتاً در زمان حال زندگی می‌کند، و هنوز گذشته و آینده برایش معنادار تلقی نمی‌شوند. هم‌چنین، این معلم می‌داند که در قرن ارتباطات، قرن اطلاعات، قرن خلاقیت‌ها، قرن مهارت‌های متعدد و متنوع و پیچیده، و قرن سرعت زندگی می‌کند. طبعاً محصلان او هم در همین زمان زندگی می‌کنند. او و دانش‌آموزان و دانشجویانش در قرنی زندگی می‌کنند که از مرزهای جغرافیایی،

خبری در نقشه‌ها، خبری نیست. قرنی که پیوسته در حال تغییر و تحول است، به طوری که غالباً نمی‌توان آن را کنترل کرد و حتی پیش‌بینی آن هم غیرممکن است!

بنابراین، معلم شایسته یا خوب تربیت شده برای این روزگار، طبعاً ویژگی‌های زیر را داراست یا می‌کوشد دارا باشد:

۱. آشنایی با فناوری آموزشی جدید: می‌داند که از یافته‌های فناوری آموزش جدید چگونه استفاده کند تا یادگیری دانش‌آموزان یا دانشجویان را سرعت بخشد.

چگونه یادگیری مطالب و مسائل پیچیده‌ی علمی را برای ایشان آسان گرداند، اندیشیدن انتقادی و خلاق را در ایشان برانگیزد و گسترش دهد، و عادت‌های مطالعه و یادگیری مادام‌العمری را در ایشان تقویت کند. چون می‌داند و باور دارد که فرآیند «شدن» ویژگی ذاتی همه‌ی افراد بشر، خصوصاً در دوران خردسالی است و معلم می‌تواند در همین فرآیند، نقش بسیار مؤثری داشته باشد.

۲. افزایش اطلاعات در همه‌ی زمینه‌ها: معلم قرن معاصر به این واقعیت پی برده است که تنها با معلومات رسمی دانشگاهی در مدارس امروز نمی‌توان مؤثر واقع شد. بلکه ناگزیر است پیوسته

فناوری برای رفاه و آسایش بشر است، نه ابزاری برای سرکوبی او. از فناوری می‌توان استفاده‌های انسانی فراوان کرد و این به چگونگی تربیت افراد بشر بستگی دارد

اطلاعات خود را در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، دیانت، اخلاقیات و به طور کلی مسائل فرهنگی-اجتماعی، افزایش و گسترش دهد و آموخته‌های خویش را پیوسته بازبینی کند.

۳. کاربرد روش‌های تدریس فعال و همگام با روز:

روش تدریس فعال و مؤثر به روش یا روش‌هایی گفته می‌شود که یادگیری فعال محصلان را برمی‌انگیزند؛ مثل روش‌های همیاری، بارش مغزی، نمایش و ایفای نقش، بحث‌های گروهی، حل مسئله، اکتشاف و استقرایی. به طور کلی، روشی که همه‌ی دانش‌آموزان یا دانشجویان را درگیر مسئله و یادگیری می‌کند. در تدریس فعال، طبعاً کلاس به شکل کارگاه آموزشی اداره می‌شود و معلم عمدتاً نقش راهنمای بیدار و پویا را دارد.

۴. آشنایی جامع با روان‌شناسی یادگیری یا تربیتی:

این شاخه از روان‌شناسی به معلم کمک می‌کند که دریابد، افراد بشر در مراحل گوناگون رشد و تکامل، چه مواردی را و چگونه یاد می‌گیرند؛ چون تدریس تابع یادگیری است. همین علم است که معلم را در انتخاب و کاربرد روش‌ها و راهبردهای تدریس مؤثر راهنمایی می‌کند. مثلاً شرایط و عوامل مورد توجه در انتخاب روش تدریس یا کلاً روش‌های فعالیت‌های آموزشی در حوزه‌ی مدرسه و کلاس را برای معلمان روشن می‌کند. همچنین تصمیم‌گیران در حوزه‌ی آموزش-پرورش، برنامه‌ریزان درسی، نویسندگان کتاب‌های درسی و اولیای محصلان را در امور آموزشی راهنمایی می‌کند. مثلاً به نکاتی در این گونه اشاره می‌کند:

دانش‌آموزان، متغیرند و روش‌های کار با ایشان یا برنامه‌ها و مواد درسی و کمک‌درسی، همگی تابع ایشان هستند یا باید باشند.

به عبارت دیگر، دانش‌آموزان یا دانشجویان می‌گویند که:

- چه مواردی را نیاز دارند یاد بگیرند؟

- چه قدر می‌خواهند یا می‌توانند یاد بگیرند؟

- چرا باید یاد بگیرند؟

- چگونه یا با چه روشی یاد می‌گیرند؟

- به چگونه کتاب درسی نیاز دارند؟

- با چه نوع ابزارها یا وسایل آموزشی، بهتر و آسان‌تر یاد

می‌گیرند؟

- اکنون در چه شرایط اجتماعی و جهانی زندگی می‌کنند؟

- چه نوع آینده‌ای را انتظار دارند؟

- چگونه برای این آینده آماده شوند؟ آمادگی از نظر: علمی،

فرهنگی، اخلاقی به طول کلی چگونه شهروندی باشند تا خود را عضو

مؤثری برای جامعه و جهان گردانند؟

هم‌چنین، دانش‌آموزان یا دانشجویان به کمک همین علم،

این واقعیت طبیعی را عملاً یاد می‌گیرند: **زندگی انسان، نوعی**

شبکه است مرکب از مولفه‌های رنگارنگ و خوشایند و

ناخوشایند، هم‌چون یک دسته ارکستر مرکب از سازهای

و نواهای گوناگون و به احتمال زیاد، همه‌ی سازها و نواهای

آن‌ها، برای همه‌ی شنوندگان یا تماشاگران، خوشایند یا

ناخوشایند نخواهند بود ولکن، چون ارکستر است، باید

همه را تحمل کرد. در دنیای امروز، همه‌ی شهروندان جامعه‌ی

سالم به آگاهی‌های مشترک نیاز دارند؛ نیازهای واقعی زندگی امروز

در جامعه و جهان.

۵. تهیه‌ی طرح درس و اشاره به:

- هدف‌های عام و خاص درس مورد نظر

- مقدار و مدت تدریس هر موضوع

- روش تدریس فعال

- ابزارهای مورد نیاز برای تسهیل و تسریع یادگیری این موضوع

- ارزش‌یابی وضع یادگیری: درست آموختن مفاهیم درس، آگاهی

و اندیشه‌ی تازه، راه و روش کاربرد آموخته‌ها.

فلسفه‌ی عمده‌ی ضرورت تهیه‌ی طرح درس پیشگیری از

فراموشی‌های احتمالی و دور افتادن از هدف‌های مطلوب درس یا

موضوع انتخابی برای آموزش است.

ابتکار: حرفه‌ی معلمی، خصوصاً تدریس یا آموزش، فرآیندی

تقلیدی نیست، بلکه مستلزم خلاقیت است، خلاقیت در:

- تحلیل و تبیین موضوع درسی

- آوردن مثال‌های عینی مربوط و مفهوم

- کلاس را به شکل کارگاه آموزشی اداره کردن با طرح پرسش‌های

جالب مربوط به اوضاع درس به وسیله‌ی معلم یا دانش‌آموزان

- تحریک فرآیند تخیل‌های ابداعی در کلاس

- شناخت و جدی تلقی کردن تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

- خطرپذیری

هرگز فراموش نکنیم که سه فرآیند: حساسیت، فعالیت و خلاقیت،

از ویژگی‌های بنیادی معلمان شایسته، پویا، بیدار و شناگر است؛ معلمانی

که از ویژگی‌های صراحت، صداقت و رفاقت برخوردارند.

مهارت و سرعت: معلم قرن ۲۱ که طبعاً به سرعت روز افزون

تغییر و تحول اوضاع و احوال جهان آشناست و آن را باور کرده است،

طبعاً لاک‌پشت مآب حرکت نخواهد کرد؛ چون انسان امروز است و این

واقعیت را پذیرفته که دوچرخه‌سواری، مستلزم مرتباً پا زدن است و گرنه

توقف همان و ایستادن و حتی افتادن همان.

مهارت‌های مورد نیاز این معلم عمدتاً عبارت‌اند از:

- مهارت طراحی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی خود

- مهارت تحلیل و تبیین

- مهارت تصمیم‌گیری فوری

- مهارت‌های ارتباطی خصوصاً ارتباط‌های کلامی مؤثر

- مهارت‌های آموزشی

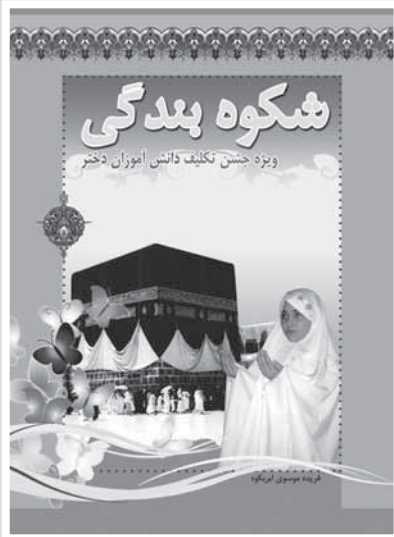
- مهارت استفاده از وسایل کمک‌آموزشی

- مهارت تفکر انتزاعی

- مهارت تجزیه و تحلیل مسائل

- مهارت موقعیت‌شناسی و موقعیت‌یابی

- مهارت استدلال کلامی



شکوه بندگی

نویسنده و شاعر: فریده موسوی ابریکوه

ناشر: سنجاکک، قم (۰۹۱۲۷۴۸۷۲۸۶)

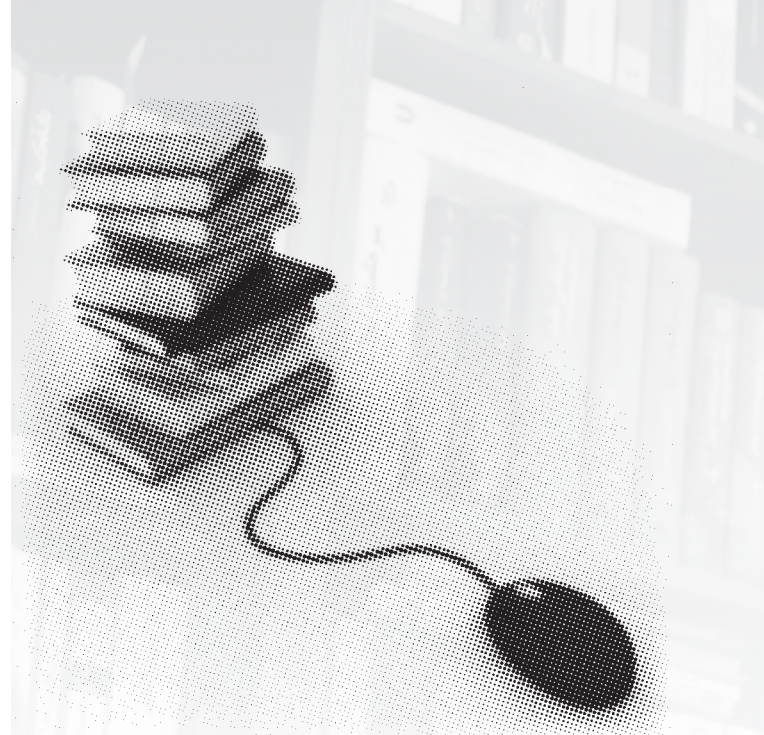
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۸، مصور

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

دختران در پایه‌ی سوم ابتدایی با رسیدن به سن بلوغ، به دوران تکلیف پا می‌گذارند. این رشد جسمی، آمادگی شناخت مسائل دینی و انجام آن‌ها را نیز می‌طلبد. اما این احکام و مسائل برای جذاب و کارا بودن، باید در قالبی مناسب و مشتاق‌کننده معرفی شوند.

کتاب شکوه بندگی در ۳۲ صفحه‌ی رنگی برای گروه سنی «ب»، به تعدادی از این ویژگی‌ها توجه و در شکل شعر، خاطره، نقاشی، قصه و سرگرمی، سن تکلیف و وظایف مکلف مانند آموزش وضو و نماز، روزه، الگوی برتر حجاب و اخلاق را معرفی کرده است. صفحه‌ی عهدنامه‌ای در کتاب است تا دانش‌آموزان ضمن مطالعه و هم‌چنین نوشتن نام خود و درج تاریخ روز، با خداوند عهد ببندند که نماز اول وقت را فراموش نکنند، غیبت نکنند، دروغ نگویند و پس از نوشتن سایر عهدها در پایان، آن‌ها را امضا کنند. حتماً به این صورت قول و قرارها نیز فراموش نخواهند شد!

منیره حبیب‌پور



– مهارت برقراری انضباط شخصی

– ...

ویژگی‌های خُلقی یا اخلاق مثبت: معلم قرن ۲۱ می‌داند

و می‌پذیرد که در آموزش – پرورش سالم و شایسته‌ی روز جامعه و جهان، سه عضو مهم دانش‌آموزان، یعنی مغز و دست و دلشان باید با هم و هم‌زمان تربیت شوند. به این معنا که به علوم و معارف روز متناسب با سَنشان آشنا شوند، بتوانند آموخته‌های خود را برای برخورداری از زندگی سالم، مورد استفاده قرار دهند، فرآیند انسانیت یا انسانی رفتار کردن را در خوب‌شدن تقویت کنند و تقوایشه بارآیند. به عبارت دیگر، معلم قرن ۲۱ شخصاً از این ویژگی‌های خُلقی برخوردار است:

۱. تقوایشه است.
 ۲. شاداب است و راحت می‌خندد.
 ۳. به خود و دیگران احترام می‌گذارد و عزت‌نفس خود و دیگران برایش محترم است.
 ۴. ظاهری آراسته دارد.
 ۵. متعهدانه کار می‌کند.
 ۶. وظیفه‌شناس است.
 ۷. نگرش و بینش درست دارد.
 ۸. از خودپنداری مثبت برخوردار است.
- در واقع، گفتارها و کردارهایش می‌توانند الگو یا سرمشق عینی برای دانش‌آموزان باشند.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعات بیشتر در این مورد می‌توان به کتاب «فلسفه‌ی جدید تربیت» از نگارنده‌ی این مقاله، از انتشارات مؤسسه‌ی اطلاعات، تهران، ۱۳۸۸ مراجعه کرد.



پژوهش در کلاس درس - بخشی پایانی



دکتر لیلا سلیقه‌دار

مهارت‌های پژوهشی معلمان

اشاره

نگرش نوین به آموزش پژوهش به دانش‌آموزان، هنگامی عملی و تأثیرگذار خواهد بود که معلم ضمن این که این شیوه را باور دارد، تلاش کند تا مهارت‌های پژوهشی خود را نیز بارور سازد. تعلیم‌دهنده‌ای که توانایی‌های پژوهشی خود را گسترش می‌دهد و تقویت می‌کند، زیرکانه‌تر از سایرین فرصت‌ها را برای تقویت مهارت پژوهشی دانش‌آموزان شناسایی می‌کند و از آن‌ها بهره می‌گیرد. چه راه‌هایی برای تقویت توانایی‌های پژوهشی معلمان وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال، مقصود آخرین بخش از سلسله مطالب پژوهش در کلاس درس است که از شماره‌ی اول (مهر ۸۹) منتشر کرده‌ایم.

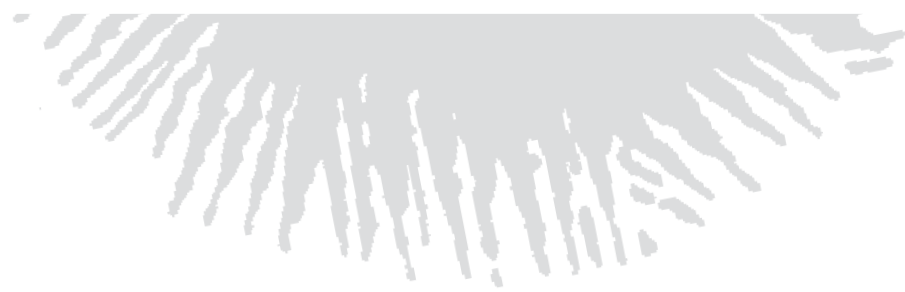
پژوهش برای همه

دانش‌آموزان است، همان نگرش نوین پژوهش دانش‌آموزی است که می‌تواند دگرگونی ارزشمندی را در فرایند یاددهی - یادگیری موردنظر در آموزش و پرورش ایجاد کند. بر این اساس، همه‌ی دانش‌آموزان درگیر فعالیت‌های پژوهشی می‌شوند و از این راه، توانمندی‌هایی را رشد می‌دهند که در طول زندگی آن‌ها تأثیرگذار و مفید است. به عبارت دیگر، اصطلاح تفکر پژوهشی از این طریق در دانش‌آموزان ریشه می‌گیرد و ممکن می‌شود.

اما در این میان، بعضی دانش‌آموزان زودتر از سایرین به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توانند پژوهش کاملی شامل فرضیه‌سازی تا آزمون فرضیه، تجزیه و تحلیل اطلاعات، نتیجه‌گیری و... را انجام دهند. در

تا پیش از این، مهارت‌های پژوهشی را معرفی و اشاره کردیم که تقویت این توانایی‌ها در دانش‌آموزان، می‌تواند از آن‌ها پژوهشگرانی ماهر بسازد؛ به شکلی که پژوهش آن‌ها از اصول درست و اعتبار بالاتری برخوردار است و نتایج حاصل از این پژوهش‌ها، کاربردی‌تر هستند. از سوی دیگر، توجه به مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان، یادگیری آن‌ها را نیز نشانه‌گیری می‌کند و موجب می‌شود آن‌ها بتوانند براساس توانایی و علاقه‌های خود، فعالیت‌هایی را انجام دهند، از آن‌ها لذت ببرند، بیشتر و عمیق‌تر یاد بگیرند و نیز انگیزه‌ی بیشتری برای تکرار انجام فعالیت‌ها داشته باشند.

این نتایج و آثار ارزشمند که حاصل توجه به مهارت‌های پژوهشی



این صورت، برای این دسته از دانش‌آموزان نیز لازم است علاوه بر فعالیت‌های یاد شده در زمینه‌ی مهارت‌های پژوهشی، آموزش‌های خاصی صورت گیرد تا آن‌ها بتوانند ایده‌ها و فرضیه‌های خود را مورد آزمون و بررسی قرار دهند. بر این اساس، کل دانش‌آموزان از محدوده‌ی توجه و تقویت مهارت‌های پژوهشی خارج نمی‌شوند و البته همه‌ی آن‌ها نیز به انجام پژوهشی که در حد توانایی‌شان نیست، مجبور نخواهند شد.

معلم پژوهشگر

بدون شک برای تحقق اهداف ذکر شده، وجود معلمی که تفکر پژوهشی داشته باشد، لازم و ضروری است. فردی که خود به محیط اطراف و اتفاقات آن حساس است، موضوعات لازم برای بررسی را می‌شناسد، فرضیه‌سازی می‌کند، اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کند، فرضیه‌هایش را می‌آزماید، می‌تواند اطلاعات را به درستی تجزیه و تحلیل کند، نتیجه‌گیری درستی از یافته‌هایشان دارد و... او کسی است که توانایی بالاتری برای شناسایی و تقویت این مهارت‌ها در دانش‌آموزان خواهد داشت.

با اندکی تأمل در ویژگی‌های معلم پژوهشگر می‌توان نتیجه گرفت، معلمی که تجارب پژوهشگری دارد و کوشیده است تا چند پژوهش کامل انجام دهد، با مهارت‌های پژوهشگری آشنایی بیشتری دارد. انجام پژوهش به شیوه‌های گوناگونی ممکن است و انواع متنوعی دارد. دسته‌بندی زیر که براساس نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفته است، انواع پژوهش را نشان می‌دهد:

- ✓ تاریخی
- ✓ آزمایشی
- ✓ توصیفی:
- پیمایشی
- هم‌بستگی
- علی - مقایسه‌ای
- موردی
- عملی یا اقدام‌پژوهی

بین پژوهش‌های بالا، اقدام‌پژوهی از نوعی است که تناسب و کارایی بسیاری با کار معلمان دارد. این پژوهش، به لحاظ سادگی در اجرا و نیز به خاطر عملی بودن آن، که موجب حل مسئله‌ای خاص می‌شود و یا به بهبود وضعیت کمک می‌کند، از مؤثرترین پژوهش‌ها برای معلمان به حساب می‌آید.

در اقدام‌پژوهی، معلم به مسائلی توجه می‌کند که مانع حرکت هستند. بر این اساس، مشکلات را شناسایی می‌کند. او با انتخاب روش

روش‌ها به کمک می‌آیند

از دیگر راه‌های مؤثر برای پرورش مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان که می‌تواند در تقویت این مهارت‌ها در معلمان نیز تأثیر گذار باشد، استفاده از روش‌های تدریس پژوهش‌محور است. در این روش‌ها، معلم باید در مرحله‌ی طراحی آموزشی خود، با توجه به محتوای درسی موردنظر، مهارت پژوهشی مناسب و اثرگذار، دانش‌آموزان و سطح توانایی‌های آنان، روش تدریس پژوهش‌محور را انتخاب و گام‌های پژوهشی را در آن تعیین کند. این کار نوعی تمرین برای معلم است تا با مهارت‌های پژوهشی و شیوه‌های تقویت آن‌ها بیشتر آشنا شود. همچنین، در اجرای روش نیز، او ناگزیر از ایجاد ارتباط با هر یک از مهارت‌های پژوهشی است و لذا نتیجه‌ی تقویت این مهارت‌ها، هم‌زمان در معلم و دانش‌آموزان به دست می‌آید.

روش تدریس دریافت مفهوم می‌تواند نمونه‌ای از روش‌های تدریس پژوهش‌محور باشد. این روش ویژگی‌هایی دارد که به واسطه‌ی آن، مهارت پیش‌بینی و فرضیه‌سازی نشانه گرفته و تقویت می‌شود. از این‌رو می‌توان از آن در مواقعی که فرضیه‌سازی موردنظر است، استفاده کرد. این نکته به معنای آن نیست که از دیگر آثار و خصوصیات این روش غافل شویم. برای مثال، این روش تنها در شرایطی قابل اجراست که در آن بخواهیم مفهومی را آموزش دهیم. انواع مخلوط را در درس علوم در نظر بگیریم. معلم در این روش تعدادی مخلوط را در دست‌های جداگانه، در اختیار هر گروه قرار می‌دهد. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد ضمن مشورت در گروه، به این سوالات پاسخ دهند:

- « شباهت‌های مخلوط‌هایی که در یک دسته قرار گرفته‌اند، چیست؟
- « تفاوت‌های هر گروه از مخلوط‌ها با یکدیگر چیست؟ به عبارت دیگر، چرا هر یک از اعضای مخلوط، نمی‌توانند در هر گروه وارد گروه

دکتر رخساره فضلی

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، جورچین، باهم‌آموزی، پژوهش گروهی.

تاکنون در شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۵، چهار بخش از سلسله‌مطالب راهبردهای نو برای تدریس در کلاس‌های چندپایه را خوانده‌اید. با انتشار این بخش، پنجمین و آخرین قسمت این مطالب را مطالعه می‌کنید. امیدواریم این مجموعه توجه شما خوانندگان گرامی، بویژه آموزگاران کلاس‌های چندپایه را جلب کرده باشد. از دوره‌ی آتی هم مطالبی را درباره‌ی کلاس‌های چندپایه منتشر خواهیم کرد. بسیار سپاس‌گزار می‌شویم که شما هم نیازها و پرسش‌های خودتان را برای طرح در این سلسله‌مطالب تا پایان خرداد ماه ۱۳۹۰ به دفتر مجله ارسال کنید.

تبدیل تهدید به فرصت

راهبردهایی برای تدریس در کلاس‌های چندپایه - بخش پنجم و پایانی

با نگاهی به روش‌های مشارکتی در فرایند یاددهی - یادگیری کلاس‌های چندپایه

دیگر شوند؟

« پس از شناسایی درست هر گروه و ذکر تفاوت‌ها و شباهت‌ها، برای هر دسته از مخلوط‌ها اسمی بگذارید. دانش‌آموزان برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، ناگزیر از فرضیه‌سازی و نیز جمع‌آوری اطلاعات هستند. معلم با استفاده از این روش، می‌کوشد که دانش‌آموزان بتوانند ابتدا ویژگی‌های انواع مخلوط را شناسایی کنند و سپس با نام آن‌ها آشنا شوند. علاوه بر این، این روش فعال و اثرگذار به خوبی از عهده‌ی تقویت مهارت فرضیه‌سازی برمی‌آید و دانش‌آموزان به صورت غیرمستقیم به انجام فعالیت پژوهشی وادار می‌شوند.

شیوه‌های دیگر

کلاس درس و موقعیت‌های آموزشی، مملو از فرصت‌هایی است که هر کدام می‌تواند برای حصول یک نتیجه‌ی آموزشی و پژوهشی مناسب باشد و مورد استفاده قرار گیرد. معلم پژوهشگر و علاقه‌مند به تقویت مهارت‌های پژوهشی، از موقعیت‌های ایجاد شده کمک می‌گیرد تا مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان را تقویت کند. او می‌داند که تمام رفتارها و تصمیم‌هایش در این زمینه تأثیر گذارند. بنابراین، به هر یک از گام‌های زیر توجه می‌کند:

- چگونه در ایجاد انگیزه و رفتار ورودی خود به تقویت مهارت پژوهشی دانش‌آموزان توجه کنم؟
- چگونه به شکلی ارزش‌یابی تشخیصی را انجام دهم که مهارت پژوهشی خاصی مورد توجه قرار گیرد؟
- چگونه می‌توانم به شیوه‌ای تکالیف بچه‌ها را بررسی کنم که مهارت پژوهشی خاصی در دانش‌آموزان نشانه‌گیری شود؟

- آیا می‌توانم برای دانش‌آموزانم در هر درس، تکالیف پژوهش محور تعیین کنم؟

- چگونه ارزش‌یابی‌های کلاسی را براساس تقویت مهارت‌های پژوهشی آنان طراحی و اجرا کنم؟

- چگونه می‌توانم برای خانواده و والدین دانش‌آموزانم، اهمیت توجه به مهارت‌های پژوهشی را روشن کنم؟

پاسخ به هر یک از سؤالات بالا، ذهن معلم را بیش از پیش به مهارت‌های پژوهشی و تقویت آن‌ها معطوف می‌کند. بدیهی است که چنین فعالیت‌هایی، توانایی‌های پژوهشی معلم را نیز پوشش می‌دهد و موجب تقویت آن‌ها نیز می‌شود.

«خردمند شاگردانش را هنگام تعلیم هدایت می کند، به دنبال نمی کشاند. آن ها را به پیشبرد می خواند، متوقف نمی سازد. راهی در پیش رویشان می گشاید، به جایی نمی برد. اگر شاگردان او بر آن نشوند که خود مشتاقانه ببیندیشند، می توان او را معلمی خوب خواند.»

(کنفوسیوس، ۵۰۰ ق.م)

کلاس های چند پایه فرصت مناسبی برای استفاده از روش های مشارکتی هستند. یادگیری مشارکتی پدیده جدیدی نیست و از گذشته های دور استفاده می شده است، اما شرایط موجود و ویژگی های دورانی که ما در آن زندگی می کنیم، ضرورت آن را بیش از پیش نمایان ساخته است. امروزه دسترسی به آموزش با کیفیت و فرصت های برابر آموزشی، حقی طبیعی قلمداد می شود.

یادگیری مشارکتی

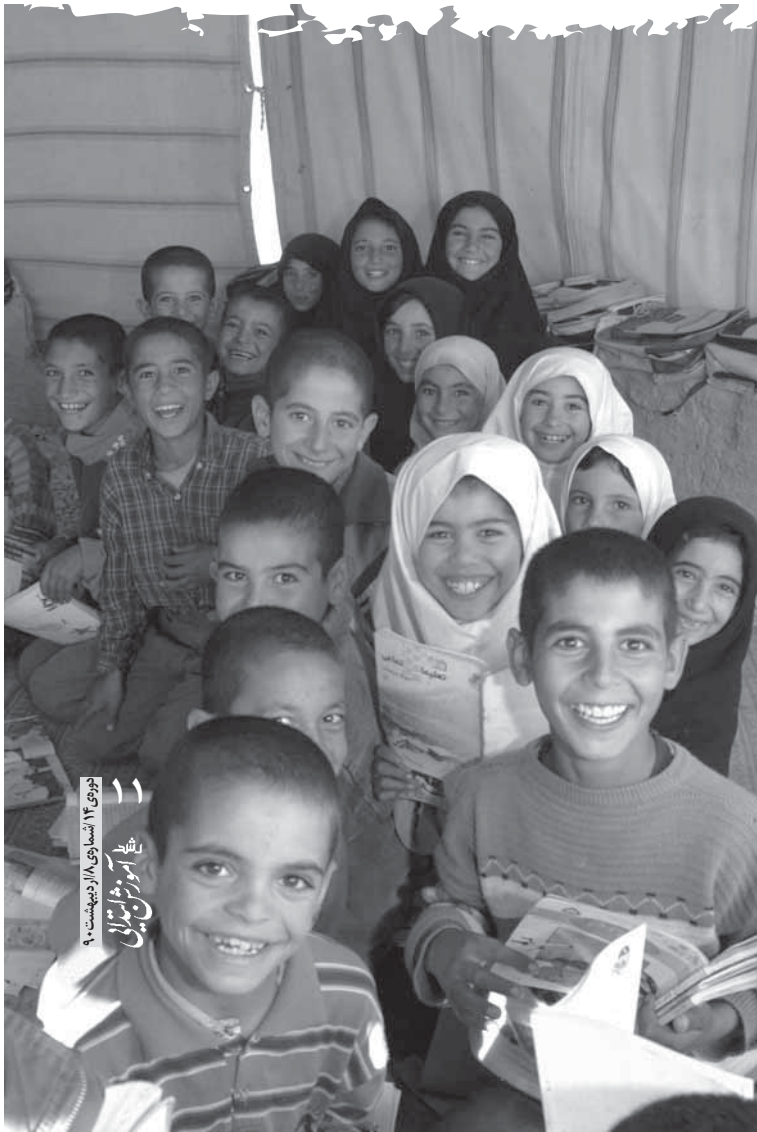
زیربنای نظری یادگیری مشارکتی به سال های آغازین قرن بیست و یکم برمی گردد که دیویی معلم را به تشکیل گروه هایی برای «بررسی و حل مسئله» ترغیب می کرد. در دهه ۱۹۸۰ مشارکت در یادگیری با این رویکرد که یادگیری فرآیندی اجتماعی است و فعالیت های یادگیری برای رسیدن به مرحله تولید اندیشه و اطلاعات حیاتی است، از نو ظهور یافت. یادگیری مشارکتی به شکل های یادگیری گروهی دانش آموزان، روش جورچین یا تقسیم موضوع به بخش های متنوع، با هم آموزی، پژوهش گروهی، یادگیری انفرادی مبتنی بر کمک گروه، گروه بازی- مسابقه و نوشتن مشارکتی اجرا می شود. برای به وجود آوردن اجتماع یادگیری موفق، باید مشارکت و وابستگی متقابل مثبت در سطوح گوناگون یعنی در گروه های یادگیری دانش آموزان یک پایه، بین کلاس ها، مدرسه، خانواده و مدرسه و جامعه محلی رخ بدهد. یادگیری مشارکتی دانش آموزان را برمی انگیزد به صورت همیار با هم کار کنند تا به هدفی مشترک دست یابند. کلاس درس مشارکتی «کلاس من» را به «کلاس ما» تبدیل می کند. در کلاس مشارکتی، برقراری ارتباط چهره به چهره در گروه های ناهمگن (که در کلاس های چندپایه بیش از کلاس های عادی است)، به رشد مهارت های اجتماعی یاری می رساند و از آن جا که دانش آموزان برای تحقق هدفی مشترک کار می کنند، خود را در موفقیت گروه سهیم می دانند. گرچه آن ها در گروه های یادگیری فعالیت می کنند، اما مسئول یادگیری خود هم هستند. آن ها در فعالیت های گروهی فرصت می یابند به صورت مشترک درباره ای آن چه یاد گرفته اند و نحوه یادگیری، ببیندیشند و مهارت هایی را که برای رسیدن به هدف به کار برده اند، ارزش یابی کنند. در این فرایند، دانش آموزان فعال هستند و دانش خود را می سازند و نقش معلم از «دانا کل صحنه کلاس»، به «راهنمای عمل» تغییر می یابد. به همین دلیل درک و فهم دانش آموزان از مطالب درسی افزایش می یابد و آن ها می توانند نظرات خود را بیان و نیز ایده سازی و

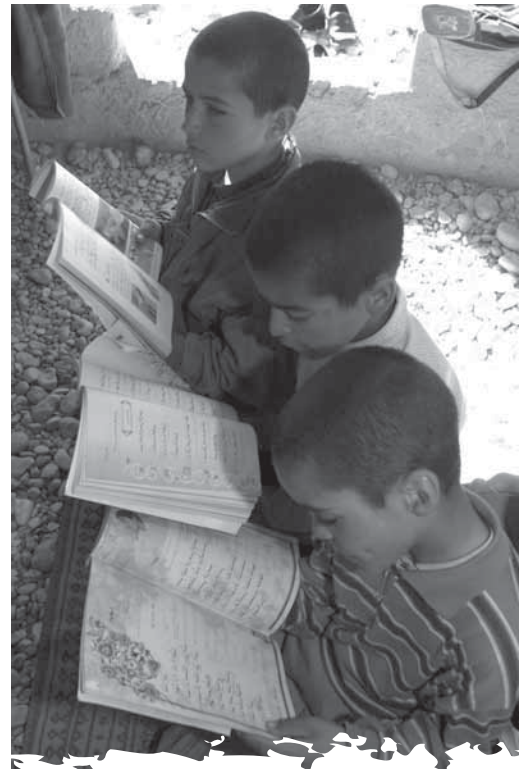
احساس خودکارآمدی کنند.

روش های تدریس مبتنی بر یادگیری گروهی متعدّدند. به برخی از آن ها که در کلاس های چند پایه کاربرد بیشتری دارند، می پردازیم:

۱. یادگیری گروهی دانش آموزان

در این روش، یادگیری براساس کار و مسئولیت گروهی در گروه های کوچکی است که سطح توانایی اعضای آن ها یکی نیست. به تیم هایی پاداش داده می شود که اعضای گروه نسبت به عملکرد گذشته خود پیشرفت کنند. در این یادگیری، دانش آموزان در گروه های کوچک قرار می گیرند. معلم مطالب درسی را ارائه می دهد و هنگام تدریس به سایر پایه ها می تواند کاربرگ هایی را براساس مطالب ارائه شده، در اختیار گروه قرار دهد تا مطالعه کنند. دانش آموزان با نظارت بر عملکرد اعضای گروه اطمینان حاصل می کنند که همه ی اعضا به محتوا مسلط شده اند. تیم ها مسائل را با هم حل می کنند و درس را با هم می خوانند، ولی آزمون به صورت فردی گرفته می شود. نمرات هر یک از افراد در نمره ی کل گروه اثر دارد. نمره ی فردی هر عضو که روی نمره ی تیم اثر می گذارد، به پیشرفت آن عضو مربوط می شود، نه نمره ی مطلق.





بنابراین، دانش‌آموزان می‌کوشند سخت کار کنند، زیرا پیشرفت آنان برای گروه ارزش دارد و با توجه به شرایط کلاسی و تعداد پایه‌های خود آموخت، می‌تواند تیم‌هایی از چند پایه و یا تیم‌هایی از یک پایه با حضور دانش‌آموزی از پایه‌های دیگر تشکیل دهد.

۲. روش جورچین

جورچین رویکردی در

یادگیری مشارکتی است که در آن اعضای گروه روی مطالبی کار می‌کنند که به چند بخش تقسیم شده است. هر عضو گروه، مسئول یک قسمت است که پس از مطالعه، به نوبت قسمت خود را به اعضای دیگر آموزش می‌دهد. در این روش هم‌چنین اعضای گروه می‌توانند همگی به جای یک قسمت، کل درس را مطالعه و سپس درباره‌ی آن بحث و تبادل نظر می‌کنند. از این روش می‌توان برای بهره‌وری آموزش‌های خودآموخت استفاده کرد.

۳. باهم‌آموزی

در این روش، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با همکاری در گروه، دست به تولید محصول، یا انجام پروژه‌های مشترک بزنند. این روش چهار مؤلفه دارد: ۱. تعامل چهره به چهره؛ ۲. وابستگی متقابل مثبت؛ ۳. مسئولیت فردی؛ ۴. رشد مهارت‌های گروهی بین فردی.

این روش، علاوه بر توجه به پیشرفت تحصیلی، بر رشد اجتماعی-عاطفی و تعامل گروهی نیز تمرکز دارد. در یادگیری باهم، دانش‌آموزان در گروه‌های همگن با تأکید بر کار و بحث گروهی و مهارت‌های کار تیمی، محصولی را تولید می‌کنند و سپس آن را به داور می‌گذارند. داور یا ارزش‌یابی‌کننده‌ی محصول، معلم و اعضای سایر گروه‌ها هستند که محصولات تولید شده مثل پوستر، روزنامه دیواری، ماکت و... را از نظر کیفیت ارزش‌یابی می‌کنند.

۴. پژوهش گروهی

این روش ترکیبی از یادگیری مستقل و کار گروهی در گروه‌های دو تا شش نفره است که در آن، گروه به خاطر پیشرفت هر یک از اعضا پاداش می‌گیرد. معلم مسئله‌ای را برای کلاس انتخاب می‌کند، ولی دانش‌آموزان خود تصمیم می‌گیرند برای بررسی این مسئله چه چیزی را مطالعه کنند. کار بین اعضای گروه تقسیم می‌شود و هر فرد به‌طور

جداگانه بخش مربوط به خود را انجام می‌دهد. بعد گروه جمع می‌شود و یافته‌های اعضایش را به صورت پروژه‌های گروهی، ادغام، خلاصه و ارائه می‌کند. نقش معلم تسهیل این پژوهش و حفظ همکاری گروهی است. دانش‌آموزان برای ارزیابی کارهایشان با معلم همکاری می‌کنند.

۵. یادگیری انفرادی مبتنی بر کمک گروه

در این روش، گروه‌ها از دانش‌آموزانی تشکیل می‌شود که توانایی‌های متفاوت دارند. معمولاً تعداد اعضای هر گروه چهار نفر است. گروهی که پس از پایان کار یا مطالعه، عملکرد مطلوبی داشته باشد، پاداش می‌گیرد. در این روش، برخلاف سایر روش‌ها، یادگیری از طریق همیاری با یادگیری انفرادی تلفیق می‌شود و دانش‌آموزان براساس نتیجه‌ی آزمونی که از آنان به عمل می‌آید، گروه‌بندی می‌شوند. پس از جابه‌جایی، هر یادگیرنده با توجه به سرعتهای یادگیری، به فراگیری محتوای درس می‌پردازد. به دیگر سخن، اعضای گروه هریک به مطالعه و یادگیری موضوع‌های گوناگونی می‌پردازند. کنترل یادگیری اعضا، با استفاده از برگه‌ی پاسخ‌نامه انجام می‌گیرد و در صورت وجود مشکل، برای حل آن اقدام می‌شود. آزمونی که از یادگیری هر مبحث به عمل می‌آید، انفرادی است و سرگروه (که می‌تواند از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و یا از کسانی باشد که به حمایت عاطفی نیاز دارند) پاسخ‌نامه‌ی اعضای هر گروه را تصحیح می‌کند. معلم هر هفته، براساس تعداد مباحثی که دانش‌آموزان هر پایه مطالعه کرده‌اند، نمره‌هایی که در آزمون‌ها گرفته‌اند و امتیازاتی که از انجام تکالیف منزل کسب کرده‌اند، به گروه‌های دارای کارایی بیشتر، پاداش می‌دهد. چون دانش‌آموزان مسئولیت کنترل فعالیت‌های یکدیگر و هدایت فرایند پیشرفت یادگیری را برعهده دارند، معلم می‌تواند وقت کلاس را به ارائه‌ی درس به سایر پایه‌ها تخصیص دهد.

۶. نوشتن مشارکتی

دانش‌آموزان به زوج‌هایی تقسیم می‌شوند و به نوبت، یکی از اعضای تیم دو نفره مطلب را ارائه می‌دهد. عضو دیگر گوش می‌کند و به او بازخورد می‌دهد. سپس نفر دوم معلم می‌شود و مطالب بعدی را درس می‌دهد و اولی گوش می‌دهد و ارزیابی می‌کند. این روش، علاوه بر مهارت‌های کلامی، توانایی گوش کردن، تحلیل و خودارزیابی را افزایش می‌دهد.

۷. کارآیی گروه

در این روش، هریک از اعضای گروه، دانش خود را قبل از بحث تیمی ارزیابی می‌کند. بعد از یک مرور اولیه، هر عضو به تعدادی سؤال صحیح و غلط و یا چندگزینه‌ای از موضوعی که قرار است آموخته شود، پاسخ می‌دهد. سپس اعضا در مورد هریک از پاسخ‌ها با یکدیگر بحث می‌کنند تا به توافق برسند. بدین منظور، آن‌ها فرصت می‌یابند

تا اطلاعات خود را ردوبدل کنند و دلایلشان را توضیح دهند. سپس نمرات فردی، پاسخ توافقی و معدل گروهی محاسبه و ثبت می‌شود.

تدریس می‌کند، از تدریس خصوصی سود می‌برد. تدریس به دیگری، یکی از بهترین راه‌های یادگیری است.

کارآموزی شناختی

کارآموزی شناختی یکی از روش‌های سنتی یاددهی-یادگیری است. مشارکت راهنمایی شده‌ی شاگرد در تکالیف واقعی، باعث دست‌یابی او به دانش و مهارت و ارزش‌های عینی موضوع آموزش می‌شود. در این تعامل، نه تنها شاگرد به یادگیری‌های تازه‌ای می‌رسد، بلکه معلم نیز در کار خود پیشرفت می‌کند و نوعی یادگیری متقابل صورت می‌گیرد. فرد ماهرتر هم درک و استفاده‌ی یادگیرنده از مهارت‌های فردی را گسترش می‌دهد و پشتیبانی می‌کند. واژه‌ی کارآموز بر اهمیت فعالیت در یادگیری تأکید دارد. با استفاده از کارآموزی شناختی در کلاس‌های چندپایه، معلم و دانش‌آموزان سایر پایه‌ها، می‌توانند سرمشق‌های مناسبی برای دانش‌آموزان در اتخاذ راهبردها باشند. معلم و همکاران او در کلاس چند پایه، از کوشش‌های دانش‌آموزان در انجام تکلیفشان حمایت می‌کنند و سرانجام آن‌ها را تشویق می‌کنند که به‌طور مستقل کارشان را ادامه دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، وقتی معلم یا دانش‌آموزان دیگر از داربست زدن و مشارکت هدایت شده برای کمک به دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، یادگیری آن‌ها بهتر می‌شود.

در این روش لازم است معلم راهبردهای شناختی متعددی را گسترش دهد تا دانش‌آموزان بتوانند به جست‌وجو، اکتشاف و سازمان‌دهی مطلب بپردازند و خود به تنهایی یاد بگیرند. این مدل با به کارگیری روش‌هایی از جمله موارد زیر، قابل اجراست: سرمشق‌دهی (نشان دادن نحوه‌ی انجام کار به دانش‌آموزان)، آماده‌سازی (هدایت جنبه‌های خاصی از کنش دانش‌آموزان)، داربست زدن (حمایت کردن و کمک کردن به دانش‌آموز در انجام تکالیفی که بدون ارائه‌ی کمک، برای آن‌ها مشکل خواهد بود)، حذف کردن یا از میان برداشتن حمایت تا دانش‌آموزان تا حد امکان خود مسئولیت حل مسئله و یادگیری را به‌عهده بگیرند و اندیشیدن و بیان کردن را تجربه کنند.

تدریس خصوصی

تدریس خصوصی به‌صورتی که یک دانش‌آموز (گاهی در سن بالاتر) به دانش‌آموز دیگر تدریس می‌کند، به جبران نواقص یادگیری کمک می‌کند و ماهیت کلاس‌های چندپایه، بستر لازم برای این مهم را فراهم می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تدریس خصوصی بین سنی، از تدریس خصوصی هم‌کلاس مؤثرتر است. دانش‌آموز بزرگ‌تر، احتمالاً نسبت به هم‌کلاس دانش‌آموز نیازمند کمک، مهارت بیشتری دارد و برعکس، کمک گرفتن از هم‌کلاسی، احتمالاً موجب شرمندگی دانش‌آموز ضعیف‌تر می‌شود و به مقایسه‌ی اجتماعی منفی می‌انجامد. پژوهشگران دریافته‌اند، تدریس خصوصی دانش‌آموز به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کند. گاهی دانش‌آموزی هم که

داربست زدن

داربست زدن روشی برای تغییر دادن میزان پشتیبانی طی دوره‌ی تدریس است. شخص ماهرتر (معلم یا هم‌کلاسی پیشرفته‌تر یا دانش‌آموزان بزرگ‌تر)، میزان راهنمایی خود را طوری تنظیم می‌کند که مناسب سطح عملکرد جاری دانش‌آموز باشد و به تدریج کاهش یابد. درواقع، رساندن دانش‌آموز از وضعیتی که دارد، به وضعیتی که می‌تواند داشته باشد، مستلزم تکیه داشتن او بر کمک و همراهی دیگران است. برای همین توجه به میزان کمک مورد نیاز برای انجام تکالیف در سطح پیشرفته‌تر توسط بزرگسالان آگاه یا هم‌سالان و همچنین فراهم کردن فرصت مناسب برای این که دانش‌آموز بتواند دیگران را راهنمای خود قرار دهد و از جریان یادگیری و حل مسئله با خود سخن بگوید، برای رشد همه‌جانبه‌ی فرد و گسترش مفاهیم ذهنی و کشف ارتباط آن‌ها با یکدیگر ضروری است.



فرشته‌ای به کمک می‌آید...



دکتر دونالد کورتیس، روان‌شناس

ترجمه‌ی فرح بانو قائمی

که نوار سخن‌رانی‌های روزهای یکشنبه‌ی مرا پیاده کند. آن روزها خیلی از دستگاه‌های امروزی اختراع نشده بودند و برای پیاده کردن هر نوار، به کسی احتیاج داشتیم که حوصله داشته باشد و کل نوار را بارها گوش بدهد، جملات آن را تنظیم و سپس تایپ کند. این فرایند، به صبر، سواد و دقت فراوانی نیاز داشت. با دیدن کوهی از نوارهایم که پیاده نشده بودند، به شدت عصبی می‌شدم و هیچ دست‌نوشته‌ای هم نداشتم که برای چاپ به ناشر بسپارم.

و اینک، معلوم نبود که از کجا و چگونه، یک مری لوئیزی نامه نوشته و از من خواسته بود اجازه بدهم کمک کند. بلافاصله شماره تلفنی را که داده بود، گرفتم و خواستم با او صحبت کنم. صدای زنانه‌ی ظریفی گفت: «خوش حال می‌شوم که پیغام شما را به او برسانم.» پرسیدم: «آیا می‌توانم شخصاً با ایشان صحبت کنم؟» صدا پاسخ داد: «او در حال حاضر نمی‌تواند پای تلفن بیاید. لطفاً پیغام خودتان را بفرمایید.»

گفتم: «ممنونم. فقط به ایشان بفرمایید که دونالد کورتیس زنگ زد تا از نامه‌ی بسیار زیبای ایشان تشکر کند.» آن خانم پاسخ داد: «بسیار خوش حال خواهد شد اگر بداند شما تلفن زده‌اید. می‌توانید بفرمایید چه موقع می‌توانیم نوار درس‌های روزهای یکشنبه‌ی شما را تحویل بگیریم؟» اصرار کردم و گفتم: «خوش حال می‌شوم که خودم شخصاً آن‌ها را تحویل بدهم.»

دل‌م می‌خواست شخصاً با این فرشته‌ای که خداوند برایم فرستاده بود، صحبت کنم. همان صدای ظریف گفت: «واقعاً به این کار نیازی نیست. لطفاً فردا ظهر نوارها را در دفترتان آماده بگذارید. یک نفر می‌آید و آن‌ها را می‌گیرد. دوشیزه زول لارس خودشان ضبط‌صوت و دستگاه تایپ دارند. مطالب را همراه با نوارها تا پایان هفته حضورتان تقدیم خواهیم کرد.»

گفتم: «یک دنیا ممنونم. همان طوری که فرمودید، نوارها فردا را رأس ظهر در دفتر من آماده خواهند بود.» از این مکالمه‌ی اندکی اسرارآمیز تعجب کردم، ولی قصد نداشتم بختی را که به من روی کرده بود، از در خانه‌ام برانم.

دو روز بعد، اولین نوار، همراه با متن تایپ شده‌ی آن، به دفترم برگردانده شد. همان خط پاکیزه و عجیب و کامل، بدون حتی یک غلط!

خداوند را برای این که مرا معلول آفرید، شکر می‌کنم. زیرا از راه معلولیتیم بود که خود راه کارم را و خدایم را شناختم.

هلن کلر

پاکت نامه‌ای که با خط فوق‌العاده زیبایی تایپ شده بود، توجهم را به خود جلب کرد. از میان کوهی از نامه‌ها که هر روز توسط پست به دستم می‌رسید و روی میز من تلنبار می‌شد، آن را برداشتم و خواندم. انگار چیزی در این نامه بود که به من نهیب می‌زد اول آن را بخوانم. نامه‌ی داخل پاکت هم به همان پاکیزگی و زیبایی، روی کاغذ لیمویی رنگ دل‌چسبی تایپ شده بود. در زبان و نحوه‌ی تایپ نامه، کمترین نقصی وجود نداشت و سرتاپای آن، نشان از کمال، زیبایی نثر و مهارت نویسنده داشت و مرا مشتاق می‌کرد که آن را بخوانم:

دکتر کورتیس محترم

من به شدت تحت‌تأثیر سخن‌رانی‌های روزهای یکشنبه‌ی شما در برنامه‌ی علم‌ذهن که در طول ماه گذشته در «تئاتر فاکس ویل شایر» ایرا کرده‌اید، قرار گرفته‌ام. این سخن‌رانی‌ها، نکات بی‌شماری را به من آموختند. امیدوارم سلسله دروس شما چاپ شوند تا دیگران هم مثل من از آن‌ها بهره‌مند شوند.

من پیشنهادی دارم. اگر نوار این درس‌ها را برایم بفرستید، آن‌ها را برایتان پیاده و تایپ می‌کنم و همراه نوارها پس می‌فرستم. دعا می‌کنم که امکان ارائه‌ی این خدمت را به من بدهید. دلم می‌خواهد دیگران هم مثل من از خوبی و نیک‌خواهی دروس شما بهره‌مند شوند. فقط کافی است به منشی خود بفرمایید تلفن بزند تا فردی را بفرستم که هر دوشنبه صبح، نوارها را از شما بگیرد.

خداوند شما را در کار بزرگی که برعهده دارید، خیر بدهد و کمک کند.

ارادتمند؛

مری لوئیز زول لارس

امضای نامه هم مثل متن آن با همان خط زیبا و عجیب تایپ شده بود. در هیچ جای نامه، دست‌خط نویسنده دیده نمی‌شد.

هنگامی که نامه تمام شد، همان احساس زیبایی را که از دعای دیگران نصیبم می‌شد، احساس کردم. ماه‌ها بود دنبال کسی می‌گشتم



تصویرگر: فریابندی

حاشیه‌ها منظم، صفحه‌بندی‌ها عالی! هنگامی که متن را خواندم، از روانی متن و سلیس بودن جملات، در پوست خود نمی‌گنجیدم. این درست همان چیزی بود که برای چاپ کتابم به آن نیاز داشتیم. با عجله به دوشیزه زول لارس تلفن زدم تا از او تشکر کنم. همان صدای دوستانه دوباره پاسخ مرا داد. گفتم: «سلام، دونالد کورتیس هستم. می‌توانم با دوشیزه زول لارس صحبت کنم؟ می‌خواهم از ایشان به‌خاطر متن بسیار زیبایی که برایم فرستاده‌اند، تشکر کنم.»

همان صدا پاسخ داد: «اوه، سلام دکتر کورتیس. من پیغام شما را به دوشیزه زول لارس خواهم داد. از این که تلفن زدید خوش‌حال خواهد شد. مراقبت بفرمایید که نوارهای سخن‌رانی‌هایتان همیشه در ظهرهای دوشنبه در دفترتان آماده باشند. ما آن‌ها را مثل

قبل، از شما خواهیم گرفت.»

این ماجرا برای یک سال به همین

شکل ادامه پیدا کرد. همان متن‌های دقیق و پاکیزه،

همان نظم همیشگی و همان صدای صمیمی که به جای دوشیزه زول لارس پاسخ مرا می‌داد. دیگر از صرافت صحبت با فرشته‌ای که به کمک آمده بود، افتاده بودم. با کمک او بود که نخستین کتابم چاپ شد. او تلفن‌های مرا جواب نمی‌داد، ولی نامه‌هایم را با نهایت ظرافت و با همان خط تایپی، در اسرع وقت پاسخ می‌گفت.

سرانجام پس از گذشت یک سال، روزی آن صدای صمیمی را پشت تلفن شنیدم که گفت: «دکتر کورتیس! من از طرف دوشیزه زول لارس تلفن می‌زنم. ایشان مایل هستند امروز بعدازظهر، رأس ساعت پنج، با شما عصرانه صرف کنند. آیا می‌پذیرید؟»

با نهایت اشتیاق قبول کردم و رأس ساعت پنج، خود را به آدرسی که داده بودند، رساندم. بانوی متشخصی که صاحب همان صدا بود، از من استقبال کرد و گفت: «عصر بخیر دکتر کورتیس! لطف کردید که تشریف آوردید. دوشیزه زول لارس در اتاق پذیرایی منتظر شما هستند»

مرا به اتاقی مطبوع، صمیمی و گرم راهنمایی کردند که خانم جوانی در آن‌جا روی یک صندلی چرخ‌دار نشسته و سرش به‌طرز رقت‌انگیزی به یک‌سو آویزان بود. دست‌هایش، بی‌حس و حرکت روی زانوهایش قرار داشتند. هنگامی که وارد اتاق شدم، چشم‌هایش برق زدند و لبخند زد. می‌خواست حرف بزند، اما نمی‌توانست و هنگامی که به زحمت سلام کرد، تازه متوجه شدم چرا این همه وقت پای تلفن نیامده است.

کنار صندلی چرخ‌دار او، سکویی در ارتفاعی هم‌تراز پاهای او قرار داشت و روی آن ماشین تایپ بزرگی دیده می‌شد که به ماشین تایپ‌های قدیمی شبیه بود. پس از سلام و احوال‌پرسی، ماری لوئیز،

با انگشت شست پای راستش شروع به تایپ کرد و با انگشت پای چپش، دسته‌ی غلتک ماشین را حرکت داد تا سطر بعدی را بزند. غرور از همه‌ی حرکات و حالاتش می‌بارید و دقت و هوشش بی‌نظیر بود. برای این که از روی صندلی نیفتد، دست‌های بی‌حالتش را محکم به زانوهایش گرفته بود.

مری لوئیز از لحظه‌ی تولد دچار تشنج شده و همه‌ی بدنش، جز انگشتان پا، از کار افتاده بودند. شنوایی او بسیار خوب بود، اما نمی‌توانست درست حرف بزند. با همه‌ی این معلولیت‌ها، اسطوره‌ی صبر، دقت، خوش‌خلقی و شادمانی واقعی بود. همراه و مصاحب و دوستش که درواقع پرستار او هم بود، همان بانوی خوش‌صدایی بود که من طی این مدت با او صحبت کرده بودم. آن دو مثل یک روح در دو کالبد بودند و زندگی‌شان غنی و معنی‌دار بود.

مری لوئیز سال‌های سال به پیاده کردن نوارها و تایپ کردن آن‌ها ادامه داد و هرگز جز لذت ناشی از انجام یک کار ارزشمند، از من پاداشی نخواست. کتاب‌های من، یکی پس از دیگری، با همت والایی او تنظیم و چاپ شدند و هرگز کسی نتوانست حتی یک غلط هم در آن‌ها پیدا کند. این بانوی بی‌نظیر، یکی از نزدیک‌ترین دوستان من و صاحب زیباترین روحی است که در عمرم شناختم. همه‌ی زندگی او صرف خدمت به دیگران می‌شود؛ دیگرانی که ظاهراً از همه‌ی نعمات الهی، مخصوصاً سلامتی برخوردارند، اما ذره‌ای ایمان و عشق مری لوئیز را نسبت به خداوند و اراده‌ی آدمی در غلبه بر سختی‌ها، در دل ندارند.

زندگی من با حضور این فرشته‌ی بی‌نظیر غنی شد. هرچه خداوند را برای حضور او شکر کنم، ذره‌ای از حسی را که نسبت به این بانوی خدمت‌گزار و خیرخواه دارم، بیان نخواهد کرد.

تصمیم مادر کبری

قبل التحریر: این مطلب به شیوه‌ی بیدبا در کلاس درس و برای توسعه‌ی سواد خواندن نوشته شده است!

شهین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نوبت، آبادان

روزی مادر کبری در حالی که ناخن‌هایش را سوهان می‌کرد، به او گفت: «کبری جان! برو کتاب آشپزی‌ام را بیاور تا از روی آن برایت غذای خوش مزه‌ای تهیه کنم. این قدر کتاب نخواندی تا تو را از کتاب‌های درسی حذف کردند و سوژه‌ی خاص و عام شدی!»

کبری خوش حال شد و به سراغ کتاب رفت، اما هرچه گشت، نتوانست آن را پیدا کند. بین مانتوهای رنگارنگ و مُد روز، لباس‌های مجلسی، زیر میز آرایش و لوازم آرایش‌ها را هم گشت. قفسه‌ی کیف و کفش‌های مارک‌دار* را هم به هم ریخت، ولی چیزی پیدا نکرد. کبری با تعجب نزد مادرش برگشت و گفت: «مادر جان! کتاب نیست! حالا امروز ناهار چی بخوریم؟! فکر کن ببین آن را کجا گذاشته‌ای؟»

مادر به فکر فرو رفت. ناگهان یادش آمد که دیروز با کوکب‌خانم در آشپزخانه، درباره‌ی طرز درست کردن نیمرو، ماست و پنیر حرف زده بودند. خوش حال شد. به طرف آشپزخانه دوید، ولی وقتی چشمش به کتاب افتاد، ناراحت شد. چون کتاب چرب و چیلی و کثیف شده بود و جلد زیبای آن دیگر برق نمی‌زد. مادر نگاهی به کتاب و کبری کرد و تصمیمی گرفت. آیا می‌دانید تصمیم مادر کبری چه بود؟

۱. صحیح و غلط بودن گزینه‌های زیر را مشخص کن.

درست	غلط
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

خواستی پاسخ بده، خواستی نده. ولی فکر کن.

الف) دوستی خود را با کوکب‌خانم به هم بزندی.

ب) مادر کبری دیگر از روی کتاب آشپزی نکند، چون کار درستی نیست.

پ) یک جلد زیبا و برق‌برق برای کتاب خود تهیه کند.

ت) آشپزخانه که جای مطالعه نیست. در حیاط کتاب بخواند.

۲. آشپزی را از یاد بگیریم. چون بهترین را درست کرده است.

الف) کوکب خانم - نیمرو

ب) رُزا منتظمی - فست‌فودها

پ) هر دو

۳. با توجه به آشپزی مادر کبری، چه کسی باید رژیم لاغری بگیرد؟

الف: عباس، پسر کوکب خانم

ب: کبری، دختر مادر کبری

پ: مریم، دختر عمو حسین

ت: حسنک و حیواناتش

۴. برای بهترین زمان و مکان مطالعه، کدام گزینه صحیح است؟

الف) موقع خواب در رخت‌خواب

ب) هنگام آشپزی در آشپزخانه

پ) مطالعه، زمان و مکان ندارد

ت) در هوای بارانی و زیر درخت حیاط

پی‌نوشت
* کیف و کفش مارک‌دار: کیف و کفش ساخت کشور چین.



تصویرگر: لیدامعتمد



همیشه جای کار هست

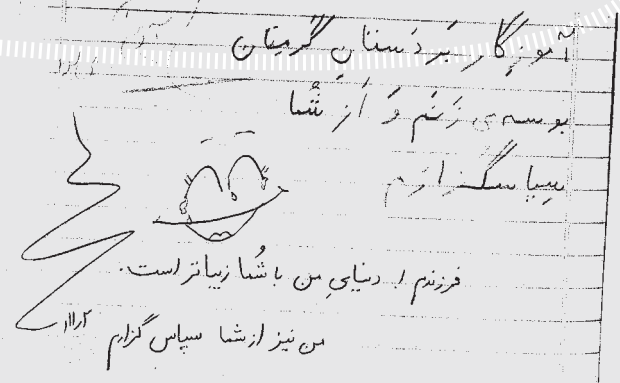
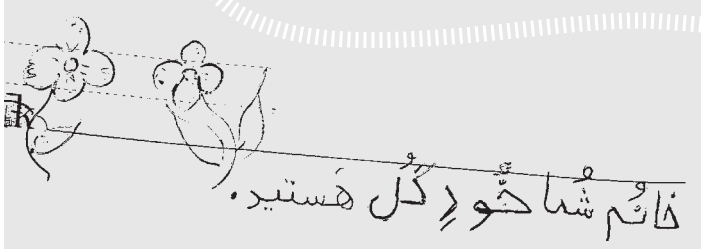
اصغر ندیری

عکس: طیبه رحیمی

اشاره

با تواضع بسیار از همکاری می‌گفت که تجربیات خود را در اختیار او گذاشته بودند. از استاد نیرزاده هم یاد کرد و گفت: «یادم نمی‌رود در روزهای کودکی وقتی برنامه‌ی تلویزیونی او را می‌دیدم، همیشه در ابتدا می‌گفت: خدایا به امید تو، نه به امید خلق روزگار.»

آموزگار منطقه‌ی دوازده تهران از دبستان دخترانه‌ی امام سجاده (ع) است. هاله سمواتی با وجود ۱۸ سال سابقه و چندین نوآوری آموزشی، چنان به کار خود علاقه نشان می‌دهد که گویی به تازگی مشغول تدریس شده است. می‌گوید همیشه جای کار هست. می‌خواهم به واسطه‌ی کار خیری که انجام می‌دهم، در آن دنیا سربلند باشم. برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌های این آموزگار خلاق، به گفت‌وگوی رشد آموزش ابتدایی با وی توجه فرمایید.



■ خانم سمواتی! دفتر کاری از بچه‌ها آورده‌اید که امضای شما در آن جلب نظر می‌کند. درباره‌ی دفتر و امضاها توضیح دهید.

□ دانش‌آموزان در مدرسه و خانه، دفتر کار دارند. قرار گذاشته‌ایم بچه‌ها نسبت به موضوع هر درس و هر کاری که انجام می‌دهند، آرزوها و احساسات خود و یا نظر و حتی سپاس‌گزاری خود را آن‌طور که می‌خواهند، بنویسند. البته در پایه‌ی اول و اوایل سال تحصیلی که نمی‌توانستند بنویسند، خواستم احساسات خود را با نقاشی نشان دهند. به این صورت، من هم نظرم را با نقاشی نشان دادم. شکل‌های خندان و شاد برای کارهای خوب، رضایت مرا نشان می‌داد و امضا به شکل معمولی هم برای کارهایی که مشکل داشت.

در ماه‌های بعد که بچه‌ها نوشتن را آموختند، نقاشی‌ها به جمله تبدیل شد. روزی یکی از بچه‌ها بنا به موضوع نوشته بود: «من پیتزا را دوست دارم.»

من هم او را تشویق کردم و نوشتم: «پیتزا خوش مزه است، مخصوصاً اگر در خانه و توسط مامان درست شود.» این جمله علاوه بر تشویق، به دانش‌آموز مسیری در سلامت را هم نشان می‌داد.

■ آیا بچه‌ها این نظرات رد و بدل شده را به هم نشان می‌دهند؟ چه نتیجه‌ای گرفته‌اید؟

□ چون برای اولین بار با آن مواجه می‌شوند، برایشان تازگی دارد. خودم هم در جایی ندیده‌ام. از آثار آن هم آشنایی با روحیات دانش‌آموز و کمک به آن‌هایی است که رفتاری‌هایی دارند. مثلاً دانش‌آموزی نوشته بود: «دعا می‌کنم مادرم زودتر خوب بشود.» این‌طور شد که من علت گوشه‌گیری و



ضعف درسی او را فهمیدم. دانش آموز دیگری نوشته بود: «شما خوب هستید. شما واقعاً خوب هستید؟» در این سن واقعاً نمی‌دانم منظور او چیست، اما در حقیقت به این صورت، او اعتمادبه‌نفس می‌یابد و می‌نویسد: «من خوش‌حالم که می‌نویسم.» این شیوه در کنار بازی، خارج از کلیشه‌های رایج، به یادگیری می‌انجامد.

■ در میان تولیداتی که آورده‌اید، شکل دو ماهی به چشم می‌خورد. چه استفاده‌ای از آن‌ها می‌شود؟



□ نام این وسیله کار ماهی یا آکواریوم است که برای آموزگاران آشناست، اما به این شیوه که من درست کرده‌ام، تازه است. پیش از پرداختن به کار با آن، بچه‌ها آن‌ها را می‌بینند و درباره‌اش سؤال می‌کنند. یکی از ماهی‌ها دهانی باز دارد که به شکل علامت کمتر یا بیشتر است. یکی از ماهی‌ها نیز علامت مساوی را روی بدن خود دارد. در این آکواریوم ستاره‌ی دریایی و ماهی‌های بازیگوش نیز وجود دارند. دانش‌آموزان پایه اول در گروه‌های دو نفری یا بیشتر، برای درک مفهوم بیشتر و کمتر در درس ریاضی، این بازی را شروع می‌کنند. هر گروه تعدادی ستاره‌ی دریایی را دو طرف صفحه حاضر می‌کنند و گروه دیگر با قرار دادن یکی از ماهی‌ها در میانه‌ی صفحه، به تعداد مساوی یا کمتر و بیشتر عددها اشاره می‌کند. پنج سال است که از این وسیله برای آموزش این مفهوم استفاده می‌کنم و بچه‌ها در سطوح گوناگون هوشی و همراه بازی، مفاهیم را به درستی و به سرعت یاد می‌گیرند.

■ از جوجو بگوئید.

□ جوجو شخصیتی است که در درس علوم و ریاضی به بچه‌ها توضیحاتی می‌دهد. البته تولید این به خواست ناشری بوده که قرار



است کارم را منتشر کند. شخصیت جوجو از بچه‌ها در توضیح مسائل کمک می‌گیرد و به نحوی دیگر درس را برای آن‌ها بازگو می‌کند. این بازی آموزشی در خانه انجام می‌شود و با تصویر، قصه و تمرین‌های تکمیلی همراه است.

■ این جا جعبه‌ای می‌بینیم به نام اعداد گم‌شده، آیا چنین اعدادی داریم؟

□ در واقع این نام یک بازی است. دو زمین بازی دارد و کارت‌هایی حاوی سؤالاتی با موضوعات تربیتی، آموزشی در سطح دانسته‌های دانش‌آموزان که هر کدام در جواب، ما را به عددی می‌رساند. این بازی در پایه‌ی اول، در آخر سال تحصیلی و پس از یادگیری اعداد استفاده می‌شود.

■ جذابیت هر کدام از این بازی‌ها در چه حدی است؟

□ جذابیت آن‌ها با علاقه‌ی زیادی که بچه‌ها نسبت به آن‌ها نشان می‌دهند، ارزیابی شده است. بازی اعداد گم‌شده حتی امکان شرکت برای ۵۰ دانش‌آموز را دارد. در سایر فعالیت‌ها هم بچه‌ها با اشتیاق شرکت می‌کنند.

■ از دیگر فعالیت‌های خود بگویید.

□ در گفتن املا هم به دو جنبه بیشتر توجه می‌کنم. یکی از لحاظ زبانی و دیگری از نظر درست‌نویسی و دقت در نگارش. در ابتدای سال بچه‌ها املا می‌تربینند تا با املا آشنا شوند. سپس برای گفتن املا یا دیکته، روش‌های گوناگونی را به کار می‌برم. گاهی املا می‌تخته‌ای، گاهی حافظه‌ای، کاردستی و یا تصویری می‌گوییم. در املا تصویری، بچه‌ها باید اسم تصویرهایی را که در کارت‌ها می‌بینند، بنویسند. در املا کاردستی، تعدادی کارت وجود دارد که روی آن‌ها اسم‌هایی نوشته شده است. ابتدا کارت‌ها را به بچه‌ها نشان می‌دهم و سپس با پنهان کردن کارت‌ها، از آن‌ها می‌خواهم کلماتی را که حفظ کرده‌اند، روی برگه یا تخته بنویسند.

در تصحیح دیکته‌ها، هر دانش‌آموزی را احضار و با نظارت خودش املا را تصحیح می‌کنم. اگر غلط‌نویسی در (ا) ربط یا (ا) استثنا داشته باشند، با رنگ سبزی یا فلش نشان می‌دهم. این‌جا هم برای ابراز نظر درباره‌ی فعالیت دانش‌آموز، از تصویر چهره‌های شاد یا ناراحت استفاده می‌کنم.

■ در دو قسمت به چهره‌های آدمک‌هایی اشاره کردید که در دفتر بچه‌ها می‌کشید و حکم ارزش‌یابی دارند. به نظر می‌آید شما با ارزش‌یابی توصیفی به کارهای دانش‌آموزان نمره می‌دهید؟

□ بله. فکر می‌کنم نمره یا کارنامه‌ی پایان سال ملاک تصمیم‌گیری درباره‌ی تلاش بچه‌ها نیست، بلکه این ارزش‌یابی مستمر و ایجاد ارتباط در طول سال و توصیف چگونگی فعالیت‌ها و پیشرفت‌های آن‌هاست که تعیین‌کننده است. البته بعضی‌ها فکر می‌کنند ما در این وضعیت هر کاری را از دانش‌آموزان می‌پذیریم، اما این‌طور نیست. ما به نمره نگاه نمی‌کنیم، بلکه در کیفیت کار دانش‌آموزان دقیق می‌شویم. این ارزش‌یابی با روش تدریس در ارتباط تنگاتنگ است و کار آموزگار را هم ارزیابی می‌کند. وقتی از این دریچه به فعالیت‌های دانش‌آموزان نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم یکی نویسنده‌ای خوب و مثلاً دیگری تصویرگر خوبی می‌شود. ارزش‌یابی توصیفی به معنی بی‌سواد بچه‌ها نیست. کسانی که آن را نفی می‌کنند، به آن اشراف ندارند. این را هم اضافه کنم که در ارزش‌یابی نمره‌ای، به دنبال آموخته‌ها نبودیم، بلکه می‌گشتیم تا ایرادها و ضعف‌ها را بیابیم.

■ وقتی کارهای شما را نگاه می‌کردیم به دفترچه‌ای کم حجم برخوردیم که جای عکس در آن بود. چه استفاده‌ای از این دفترچه می‌شود؟

□ این دفترچه حاوی شجره‌نامه و فعالیتی دیگر به نام فایده‌ی گیاهان، دربردارنده‌ی کارهای تحقیقی است که به دانش‌آموزان می‌دهم. شجره‌نامه حاوی اطلاعاتی از نام و نام خانوادگی دانش‌آموز و سؤال از معنای نام اوست؟

دانش‌آموز ضمن پرکردن این قسمت‌ها به کمک دیگران، باید تاریخ آن روز را هم بنویسد. در صفحه‌ای دیگر نام پدر و مادر بزرگ‌ها و عکس آن‌ها را تا آن‌جا که امکان دارد، می‌نویسد و می‌چسباند. راست یا چپ دست بودن خود را هم مشخص می‌کند و عکسش در صفحه‌ی اول می‌چسباند. بعدها می‌تواند به آن مراجعه کند و متوجه تغییرات شود. از نظر من، این فعالیت به خودشناسی و سپس خدانشناسی می‌انجامد.

در تحقیق فایده‌ی گیاهان، بچه‌ها باید بتوانند، طی پژوهش از گیاهانی که اطراف خود می‌بینند یا استفاده می‌کنند، معرفی کوتاهی ارائه کنند. این کار هم با توجه به درس‌های کتاب انجام می‌شود. برای مثال، یکی از بچه‌ها درباره‌ی اکالیپتوس نوشته بود: «برگ آن داروست.» و دیگری نوشته بود: «از برگ سدر شامپو درست می‌شود.»



خاطره را ببینیم

فعالیتی هنری - ادبی در تلفیق درس های گوناگون برای یادگیری پایدار

هاله سمواتی حتی با بچه‌ها فعالیت‌هایی برای آموزش شعر و داستان دارد. او پس از تعطیلات سال نو به دانش‌آموزان شعرهای کودکانه می‌گوید و آن‌ها می‌نویسند. سپس به تدریج از آن‌ها می‌خواهد احساسات خود را به صورت دل‌نوشته‌هایی منعکس کنند. او می‌گوید: «با همین مقدمه‌چینی کوتاه، آن‌ها احساس خود را به نحوی می‌گویند که به شعر نزدیک است و حتی قافیه هم دارد. طبیعت بچه‌ها با شعر آشناست.»

سمواتی به این ترتیب به یک فعالیت هنری - ادبی دیگر می‌رسد که تلفیق درس‌های گوناگون برای یادگیری پایدار است. او می‌گوید:

دانش‌آموزان را در گروه‌های کوچک تقسیم‌بندی و سازمان‌دهی می‌کنیم. سپس از آن‌ها می‌خواهیم خاطرات جالب خود را برای افراد گروه تعریف کنند. این خاطره‌ها می‌توانند از خاطرات کلاس، مسافرت‌ها، اردوها و یا هر خاطره‌ی شنیدنی باشند که گروه یکی را انتخاب می‌کند. این کار باید در مدت ۱۰ دقیقه انجام شود. پس از آن، اعضای گروه با کمک هم و راهنمایی آموزگار، نقش‌ها را تقسیم می‌کنند و هر کس مسئول اجرای نقش یکی از شخصیت‌های خاطره می‌شود.

خوب است همگی اعضای گروه درگیر فعالیت شوند و نقشی داشته باشند. می‌توانیم از داستان‌هایی که هدفی خاص را دنبال می‌کنند نیز استفاده کنیم و متن داستان را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم و یا از داستان‌هایی که قبلاً در کلاس گفته شده است، استفاده کنیم. هر گروه با توجه به موضوعات تاریخی یا اجتماعی و بهداشتی یکی از داستان‌ها را انتخاب و اجرا می‌کند.

بنابراین، بازی «خاطره را ببینیم»، بیش از همه با هوش برون فردی و حرکتی در تلفیق با سایر درس‌ها در ارتباط است.



هرمز علی زاده

آموزگار پایه‌ی پنجم، ابدانان ایلام

تادیرنشده دست به کار شویم!

می‌گویند ژرژ کوئینزرو ابتدا معلمی ساده و گمنام بود. او به شاگردان و پیشرفت آنان علاقه‌ی بسیار داشت و پیوسته در جست‌وجوی راهی بود که بتواند حساب را به سهولت و سرعت، بدون این که سبب خستگی آنان شود، تعلیم دهد. بدین منظور وسایلی تهیه کرد. یکی از وسایل اختراعی آن اوایل که کتاب ریاضی پنجم را صفحه به صفحه و باروش سخن‌رانی تدریس می‌کردم، از تلاش خود و دانش آموزانم نتیجه‌ی رضایت‌بخشی نمی‌گرفتم. ولی این اواخر که از وسایل کمک‌آموزشی درس ریاضی و وسایل اختراعی کوئینزرو استفاده می‌کنم، بدون زحمت و اتلاف وقت زیاد، می‌توانم درس را تفهیم کنم. مثلاً در موضوعی مانند اعداد اعشاری و سه عمل اصلی آن، بعد از معرفی کاربرد مکعب پایه ده $(\frac{1}{10} - \frac{1}{100} - \frac{1}{1000})$ ، میله‌ی ده‌تایی $(\frac{1}{10} - \frac{1}{100} - \frac{1}{1000})$ و صفحه‌ی صدتایی $(\frac{1}{100} - \frac{1}{1000})$ ، به راحتی هشت صفحه مطلب کتاب را در جلسه‌ای ۵۰ دقیقه‌ای و با شرکت‌دادن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، به نحو مطلوب و رضایت‌بخشی آموزش دادم. اگر تعداد مکعب‌های پایه ده، میله‌های ده‌تایی

آخه دست به کمریم!

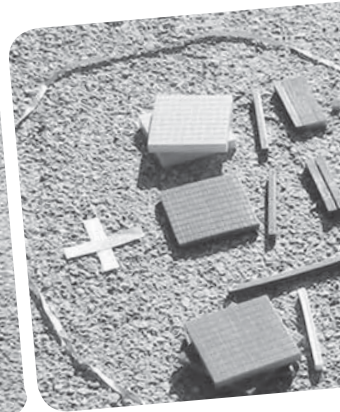
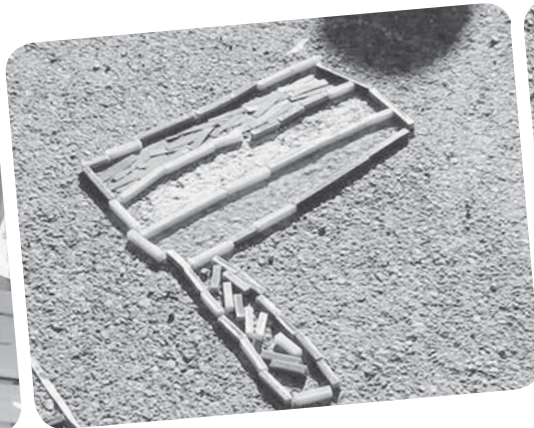
اکبر احمدیان باغبادرانی

مدیر دبستان عدل دانشگاه، اصفهان

در حیاط، نظاره‌گر کودکان کلاس اولی بودم که به همراه مربی ورزش خود، در صفی منظم از محل بازی به طرف کلاس‌های درس می‌آمدند. همگی مرتب بودند و دست‌هایشان را پشت کمر گذاشته بودند. این شیوه‌ای است که بچه‌های مدرسه‌ی ما، همواره در حال حرکت در صف‌های منظم رعایت می‌کنند و از قرار، این‌بار این دستور را مربی ورزش داده بود. به در ورودی سالن که رسیدند، مربی به نفر اول گفت: «در را باز کن!» ولی دانش‌آموز کلاس اولی امتناع کرد. او وقتی اصرار مربی را دید، گفت: «آقا چطور باز کنم؟ شما گفتید دستمان پشت کمرمان باشد. اول باید بگویید دستت را از پشت کمرت بردار، بعد بگویید در را باز کن...» البته بعدها فکر کردم کاری کنم که اصلاً چنین چیزهایی در مدرسه‌ی ما به فرهنگ تبدیل نشود.



تصویرگر: ابدا معتمد



و صفحه‌های صحتایی معمولی و صحتایی کوئیزنر در مدارس بیشتر شوند، آموزش به کمک آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر می‌شود! زیرا همه‌ی دانش‌آموزان فرصت دستکاری و لمس و درک آن‌ها را خواهند یافت. علاوه بر این، کاربرد این وسایل را در تدریس مفهوم حجم و محاسبه‌ی حجم اجسام فضایی نباید نادیده گرفت.

هم‌چنین، موضوع پنج صفحه‌ای اعداد مرکب را با بُردن یک ساعت دیواری به کلاس می‌توان در یک تک‌زنگ ۴۵ دقیقه‌ای به آسانی تدریس کرد. شاید از این رهگذر، از تمرین و تکرار به عنوان وسیله‌ای برای فهماندن مطالب ریاضی کم‌تر استفاده شود. و این بهانه‌ای باشد برای یاد کردن از زرّ کوئیزنر که نه تنها خستگی را از دوش شاگردان برداشت، بلکه زحمت و تکرار مضاعف را از گردن ما معلمان نیز کم کرد. به پاس احترام او، کاربرد وسایل کمک‌آموزشی را در کلاس درس نادیده نگیریم.

معصومه نظری

آموزگار دبستان یادگار امام (ره)، ناحیه‌ی ۳ کرج

بگیر و بگو...

یک بازی ساده برای تقویت مهارت خواندن

توپ‌ی را به کلاس می‌آورم. از قبل نیز به دانش‌آموزان کتاب داستانی برای خواندن پیشنهاد کرده‌ام. هر دانش‌آموز باید حدود ۱۰ سؤال در ارتباط با خلاصه‌ی داستان نوشته و یا خود به کلاس بیاورد. توپ به یکی از دانش‌آموزان داده می‌شود. با اشاره‌ی آموزگار او توپ را به طرف هر کسی که بخواهد، پرتاب می‌کند. به همین ترتیب توپ دست به دست پرتاب می‌شود تا از دست یکی بیفتد. به این صورت کسی که پرتاب‌کننده‌ی توپ بوده از دانش‌آموزی که نتوانسته توپ را بگیرد، سؤال‌ی درباره‌ی داستان خواهد پرسید.

می‌توان برای تنوع سؤالات را بین دانش‌آموزان تقسیم کرد تا دانش‌آموزان مجبور شوند نوشته‌ی دوست خود را بخوانند. گاهی هم می‌توان به جای توپ از دانش‌آموزان خواست از جای خود بلند شده و یاری را برای پرسش‌ها و پاسخ‌های خود پیدا کنند.

از نتایج این بازی تقویت مهارت خواندن همراه با تمرین بدنی و بازی و ایجاد نشاط است.

توصیه‌ی کارشناسی مجله:

بهتر است این بازی در محیط‌های خارج از کلاس درس، سالن یا حیاط مدرسه انجام شود.

این یک دیدگاه است، قبول ندارید به صورت مکتوب پاسخ بدهید:

تقدیر یا تحقیر؟!!



یادداشتی در مورد روز معلم، با طرح برخی کاستی‌ها در این زمینه

ژانت نورالهی

آموزگار دبستان مهندس منصور نقر، منطقه ۴ تهران

معلمشان ابراز کنند، مدام تکرار می‌کنند که: «خانم ما پول دادیم تا برای شما سکه خریده شود.» و یا این که: «خانم شما امروز پول‌دار می‌شوید.»

البته بچه‌ها از روی صفا و محبت قلبی این کلمات را تکرار می‌کنند، ولی گاهی جلساتی که اولیا قبل از این ایام در پشت در مدارس تشکیل می‌دهند، دیدنی و شنیدنی است. اعتراض اغلب آنان بر سر نرخ تعیین شده است. نمایندگان کلاس‌ها نیز با هم وارد رقابت می‌شوند که فلان کلاس این مبلغ را تعیین کرده‌اند و ما نباید از آن‌ها عقب بیفتیم. یکی از همکاران تعریف می‌کرد که وسیله‌ی برقی استفاده شده‌ای که از وسایل خانه‌ی نماینده‌ی کلاس بوده است، به جای کادوی روز معلم جا زده شده است که هم اعتراض معلم و هم شکایت اولیا را در پی داشته است. در مواردی نیز دیده شده است که پدر و مادرها با

نمی‌دانم روز معلم و بزرگداشت مقام معلم از چه زمانی آغاز شده است، ولی از زمانی که معلم شدم، شاهد این مراسم بوده‌ام. اولیا براساس میل شخصی یا براساس فشار فرزند و یا بدون تعارف، براساس یادآوری غیرمستقیم برخی از همکاران، هدایایی را به مناسبت روز معلم به معلم اهدا می‌کردند. این هدایا با توجه به شرایط مالی و منطقه‌ی زندگی دانش‌آموزان، متنوع بود؛ از جوراب و روسری و مجسمه‌های گچی و گاه ظروف استفاده شده‌ی منازل تا اهدای طلا و سکه. البته چند سالی هم می‌شود که اولیا، مبالغی را در نظر می‌گیرند و با جمع‌آوری پول، سکه‌ای تهیه می‌کنند و البته طوماری هم از اسامی دانش‌آموزانی که پول داده‌اند، تهیه می‌کنند تا چند نفری که مشارکت نکرده‌اند شناسایی شوند. خیلی مواقع دانش‌آموزان ابتدایی برای این که ارادات خود را به

نامه‌ای برای معلم

تهمینه مهربانی

خانم موالم عزیز!
امروز مامانم گریه کرد. اون از من پرسید می‌دونم چرا می‌رم مدرسه؟ من گفتم: نه. از کجا بدونم؟ اون گفت واسه اینکه که قراره مامانم و شما برای من یک «عاینده» خوب بسازین. پرسیدم، «مامان! عاینده چیه؟» اون گفت تا بزرگ نشم، نمی‌دونم. گفت که هر کسی «عاینده» شو خودش





عکس: اعظم لاریجانی

جمع‌آوری مبالغی، جشن باشکوهی ترتیب می‌دهند و با کیک و آبمیوه، میوه و ساندویچ از دانش‌آموزان پذیرایی می‌کنند. البته برگزاری جشن برای دانش‌آموزان کار پسندیده‌ای است، ولی جمع‌آوری پول به نام معلم و برای برگزاری جشن، درست به نظر نمی‌رسد.

اگر معلمی شغل انبیاست، چرا با چنین مراسم‌هایی، مقام و شخصیت معلم تا این حد پایین آورده می‌شود. البته خیلی از ما معلم‌ها هم، قدر و منزلت خود را نمی‌دانیم و متأسفانه این جو نامناسب را دامن می‌زنیم. بنابه مناسبت‌های گوناگون در تقویم، روزهایی مانند روز پزشک، روز پرستار و روز کارگر وجود دارد. اما برای این اقشار در ایام بزرگداشتشان مبالغی جمع‌آوری نمی‌شود.

البته اولیایی هم هستند که با علاقه و قدرشناسی می‌خواهند از معلم‌ها تقدیر کنند، ولی نتیجه‌ی این کار ارزش نهادن به این قشر زحمت‌کش نیست.

مسئولان می‌توانند برای رفع این مشکل با صدور بخشنامه اقدام کنند. و یا مثلاً مبالغی از طرف دولت برای تجلیل از مقام معلم در برگی حقوقی معلم‌ها واریز گردد. اگر این امر هم میسر نبود، معلم بی‌هیچ چشم‌داشتی، کار خود را بزرگ بدارد و ارزش شغل خود را به هدیه‌ای اندک نفروشد و سربلند و بی‌منت به آموزش بپردازد تا به مصداق این شعر از زبان دانش‌آموزان به او گفته شود:

تو را چون بی‌مثالی دوست دارم
تو را از بس زلالی دوست دارم
اگر چه شاخه‌ی گل هم ندارم
تو را با دست خالی دوست دارم

معلم عزیزم

می‌سازه و بقیه فقط می‌تونن کمکش کنن.

خانم موالم عزیز!

می‌شه ذهمت بکشین با کمک مادرم

«عاینده»ی منو بسازین؟

من، شما و مادرم رو خیلی خیلی دوست دارم.

سارا

خاطره‌ی تولد نور

ملیحه گرایلی

آموزگار دبستان ندای آزادی، قائم‌شهر

گاهی اوقات بعضی از خاطرات کلاسی چنان می‌شود که از ذهن و دل معلم یا آموزگار پاک نمی‌شود؛ و معلمی اما همه‌اش خاطره است. اصولاً با بچه‌ها بودن عشق می‌خواهد و زمانی که عشق باشد، خاطره هم هست. خاطراتی که همیشه کنار معلم هستند و هرگز فراموش نمی‌شوند.

من برای هر درس برنامه‌ای دارم. پیش از شروع درس، شیوه‌ی کار و انتظاراتم را به دانش‌آموزان می‌گویم و البته اجازه می‌دهم آن‌ها در ارتباط با درک بهتر و بیشتر مطلب، هر چه را که دوست دارند و می‌توانند، به کلاس بیاورند.

سال گذشته یک روز مانده به میلاد پیامبر اعظم(ص)، درسی از کتاب «هدیه‌های آسمان» به بچه‌ها دادم و گفتم روز بعد، این درس یا هر موضوعی را که می‌توان در کلاس و در قالب داستان یا نمایش اجرا کرد، تهیه کنند و به کلاس بیاورند.

صبح روز بعد، وقتی وارد کلاس شدم، حیرت‌زده شدم. اشک در چشم‌هایم حلقه زد. فضایی پر نور و معنوی در گوشه‌ی کلاس ایجاد شده بود که زبان از گفتن آن عاجز است. بچه‌ها به کمک اولیای خود، با پارچه‌های خوش‌رنگ که روی آن شمع‌های روشن و کیک و شیرینی گذاشته بودند، میز را آراسته بودند. اما از همه زیباتر، قنداقه‌ی نوزادی بود که زمان تولد پیامبر(ص) را تداعی می‌کرد. به‌قدری از دیدن این صحنه متأثر شدم که فکر کردم در خانه‌ی خدا هستم.

در دلم خدا را سپاس گفتم از این که نور پاکی و دوستی اهل‌بیت را در دل آن‌ها روشن کرده است. سپس به این فکر کردم که دخیل کردن بچه‌ها در آموزش، چه قدر می‌تواند انگیزاننده، مؤثر و لذت‌بخش باشد.

آن روز با این انگیزه‌ی قوی درس را شروع کردم و با اتمام آن، به بچه‌ها گفتم: «خدایوند پیامبران را برای هدایت ما انسان‌ها فرستاده است. آخرین آنان پیامبر اسلام(ص) بود که دین اسلام به‌وسیله‌ی او به ما رسید. پس وظیفه‌ی ما این است که سخنان پیامبران را در زندگی خود به کار ببریم.»

و این چنین بود که اثر و خاطره‌ی آن کلاس، هیچ‌گاه از ذهن من بیرون نرفت.



زبان مشترک

بهناز پورمحمد

آموزگار و دستیار سابق رشد آموزش ابتدایی

پشت در کلاس نفس بلندی کشیدم و در را باز کردم. بچه‌ها با صدای برپایی محکم، ایستادند و بعد با اشاره‌ی سر و دست من روی نیمکت‌هایشان نشستند. کیفم را روی میز گذاشتم و روبه‌رویشان، ایستادم. با اشاره‌ی دست و لبخندی بر لب، حالشان را پرسیدم. حمید ایستاد و با دست بچه‌های کلاس را نشان داد و شمرده‌شمرده گفت: «هـ مه خوبی‌م».

خندیدم و بی‌هیچ شتابی، به تک‌تک صورت‌های آرام و مشتاقشان نگاه کردم. به هفته‌ی پیش اندیشیدم و این‌که نمی‌توانستم از پس شیطنتهایشان برآیم و حالا آرامش‌شان متعجبم کرد.

کتابم را درآوردم و با اشاره، به چشم‌های منتظرشان فهماندم چه درسی داریم. دوباره بازی شروع شد؛ بازی تصویر و اشاره درگوشی حرف زدن.

این بازی را چند روز پیش شروع کرده بودم. چند تصویر روی تخته کشیدم و با اشاره، از بچه‌ها خواستم به درس توجه کنند. برق چشمانشان به ذوقم می‌آورد. باز هم با اشاره، توضیحاتی دادم و به چهره‌ها نگاه کردم. به سمتشان رفتم و در گوش اولی به نجوا چیزی گفتم. نفر اول به کنار دستی‌اش، نفر دوم به بعدی و نجوای من دهان به دهان به انتهای کلاس رسید.

بچه‌ها به شوق آمده بودند. دست‌ها بالا می‌رفت. با اشاره‌ی من دانش‌آموزی انتخاب می‌شد و با اشاره‌ی سر و شمرده پاسخ می‌گفت. به پای تخته می‌آمدند و کلمه‌ی موردنظر را صداکشی می‌کردند و سپس روی تخته‌ی کلاس می‌نوشتند.

بچه‌ها دست می‌زدند و به هم کلاس‌هایشان کمک می‌کردند، می‌خندیدند و گاهی با محبت و احساس برایم دست تکان می‌دادند.

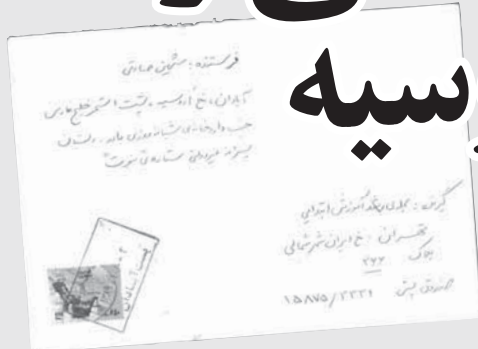
هفته‌ی پیش از فریادهایی که سر کلاس برای ساکت کردن بچه‌ها می‌کشیدم، صدایم به شدت گرفت. با دستور پزشک، باید دو هفته را به سکوت می‌گذراندم. این بود که بازی شروع شد. با آغاز بازی کم‌کم آرامش به کلاس برگشت و شیطنت جایش را به بامزگی داد. به این ترتیب، فهمیدم زبان اشاره و نجوا، برای آن‌ها زبان قابل فهمی است.

به سهیل که پای تخته ایستاده بود، اشاره کردم که بنشیند و از بچه‌ها خواستم برایش کف بزنند. دوباره دست‌ها بالا رفت. قبل از این‌که نفر بعدی را انتخاب کنم، زنگ تفریح به صدا درآمد و صدای کشیده‌ی «ته، چه زود!» در کلاس پیچید. آن روز با نشاط و سرزندگی و افسوس ناشی از پایان یک بازی دیگر، از کلاس بیرون رفتیم.



تصویرگر: ندا اعظمی

مهمانی از اروسیه



یک روز سرد زمستان بود که پرس پرسان به دفتر مجله آمد و خودش را معرفی کرد. سردبیر و مدیر داخلی مجله که انتظار دیدن او را نداشتند، با تعجب و هم‌زمان گفتند: «از آبادان، اروسیه، دبستان ستاره‌ی نبوت؟!» و او هم با شگفتی و البته اظهار لطف گفت: «فکر نمی‌کردم نشانی یا اسم مرا به یاد بیاورید!»

آن‌ها نیز که کمی تا قسمتی ذوق زده بودند، گفتند: «مگر می‌شود مقاله‌ها و نامه‌های خوش‌خط و خوانای شما با آن نشانی

و کلمه‌ی خاص **اروسیه** را فراموش کرد؟»

شهین صادقی، آموزگار آبادانی، با همان خون‌گرمی و ویژه‌ی جنوبی‌ها شروع به صحبت کرد و گفت: «برای کاری خاص به تهران آمده‌ام. چند سالی می‌شود که بازنشسته شده‌ام، اما گاهی برای همکاری در تدوین بیک نوروزی و یا شرکت در دوره‌های بازآموزی و ارائه‌ی تجربیاتم، به وزارت‌خانه دعوت می‌شوم... در افکار خود غوطه‌ور بودم که با دیدن نام خیابان ایرانشهرشمالی، حسی غریب مرا به دفتر مجله کشاند.

نامه‌های بسیاری برای شما نوشته و فرستاده‌ام و آمده‌ام از این که همواره به آن‌ها پاسخ می‌دهید، تشکر کنم.»

طی دقایقی که او در دفتر مجله بود، از

هر دری صحبت شد و ضمن بیان تجربه‌ها و دیدگاه‌ها، ناگهان به کلمه‌ی اروسیه رسیدیم

و او گفت: «از لحاظ تاریخی، ریشه‌هایی برای این کلمه ساخته و پرداخته‌اند که البته اتفاق نظری روی آن‌ها نیست. از جمله این که به خاطر حضور روس‌ها در آن قسمت از آبادان، نام محله را اروسیه یا اروسیه گذاشته‌اند. نقل قول دیگری نیز هست که وجه اشتقاق کلمه را از اُرسی و اُرسی‌دوزها گرفته است. من هم به خاطر این که در خواندن این نام مشکلی پیش نیاید، با خط‌خوش و درشت آن را می‌نویسم. آخر گاهی به دلیل اشتباه خوانده‌شدن این کلمه، نامه‌هایم به **ارومیه** می‌رود!»



چاپ کتاب‌های درسی بادست‌اندرکاران یک‌روز

آموزگار پایه‌ی سوم، دبستان زمزم، منطقه‌ی ۱۵ تهران

صغری دماندار

تعداد دانش‌آموزانی که دست‌اندرکاران تولید و چاپ کتاب‌های کودک و نوجوان، به‌ویژه کتاب‌های درسی را نمی‌شناسند، زیاد است. این موضوع در دوره‌ی ابتدایی مشهودتر است. بنابراین لازم است آموزگاران مدارس آن‌ها را با واژه‌هایی مانند مؤلف، ناشر، صفحه‌آرا، گرافیسیت، ویراستار، سال انتشار و از این دست اصطلاحات آشنا کنند. به همین منظور تصمیم گرفتم برای آشنایی عملی دانش‌آموزان با برخی از این مشاغل و نیز بعضی از اصطلاحات صنعت چاپ و نشر، آنان را برای بازدید به اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ببرم تا از نزدیک با فضای کار دست‌اندرکاران تولید کتاب‌های درسی آشنا شوند.

با گرفتن وقت قبلی، بچه‌ها را به آن‌جا بردم. وقتی وارد اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی شدیم، ابتدا آقای **حسینی** مدیرکل این اداره که سال‌ها در این سمت خدمت می‌کند و مرد بسیار خوش‌برخوردی است، برای بچه‌ها اندکی صحبت کرد. وی گفت: «از چهارده میلیون نفر دانش‌آموز کشور، پنج میلیون و هفتصد هزار نفر در دوره‌ی ابتدایی درس می‌خوانند و ما برای این تعداد، سالانه چهل و دو میلیون جلد کتاب چاپ می‌کنیم.»

آقای حسینی افزود: «بعد از این که مؤلف یا مؤلفان، کتاب درسی را نوشتند، ابتدا مطالب ویرایش و بعد حروف‌چینی یا تایپ می‌شوند. سپس در قسمت هنری، کتاب با استفاده از تصویرهایی که تصویرسازان و نقاشان کشیده‌اند و نیز عکس‌های عکاسان،

صفحه‌آرایی می‌شود تا برای چاپ آماده شود. البته قبل از فرستادن کتاب به چاپ‌خانه، چند بار دیگر افراد گوناگون کتاب را بررسی می‌کنند تا ایرادی نداشته باشد.»

بعد از صحبت‌های آقای مدیرکل، به قسمت‌های دیگر این دفتر رفتیم و هر کدام از دست‌اندرکاران تولید کتاب، خودشان و شغلشان را معرفی کردند. در این بخش، بچه‌ها صحبت‌های خانم **نصرتی** (از کارکنان واحد صفحه‌آرایی)، **امیر نساجی** (تصویرگر) و **عباس سرشور خراسانی** (مؤلف کتاب‌های درسی قرآن) را شنیدند و **ندا عظیمی**، گرافیسیت کتاب‌های درسی برای بچه‌ها صحبت کرد. وی گفت: «گرافیک، از رشته‌های هنر نقاشی است. گرافیک، یعنی چگونگی قراردادن تصویر در کنار متن تا متن زیباتر و خواناتر شود.»

او گفت: «کتاب‌های درسی باید هم خواندنی باشد، هم دیدنی!» در پایان هم آقای **فریدون اکبری شلدره‌ای**، که از مؤلفان کتاب‌های درسی ادبیات فارسی است، با اعلام این که ۲۵ سال است کار می‌کند، خودش را به دانش‌آموزان معرفی کرد و گفت: «اهل مازندرانم. از دوران مدرسه به نوشتن علاقه داشته‌ام. دفترهای انشایی خود را نگه داشته‌ام و گاهی اوقات آن‌ها را می‌خوانم. به شما بچه‌ها سفارش می‌کنم که خوب ببینید و خوب بشنوید تا بتوانید خوب بنویسید. همچنین نوشته‌های خودتان را برای ما بفرستید. اگر خوب بودند، ما آن‌ها را در کتاب‌های درسی و مجلات رشد چاپ می‌کنیم.»

آقای اکبری در پایان گفت: «اگر خوب به نوشتن ادامه دهید، می‌توانید نویسنده‌ی خوبی بشوید.»

در همه‌ی قسمت‌ها، بچه‌ها سؤالات خود را مطرح کردند. در پایان هم اداره‌ی چاپ و توزیع، هدیه‌های به رسم یادبود به بچه‌ها داد که باعث خوش‌حالی دو چندان آن‌ها شد.

این کار نشان می‌دهد که همراه کردن آموزش با گردش علمی، یادگیری را عمیق‌تر می‌کند. امیدوارم همه‌ی آموزگاران، بچه‌ها را با دست‌اندرکاران تولید و انتشار کتاب، به‌ویژه کتاب‌های درسی آشنا کنند و این کار را یکی از دغدغه‌های اصلی و درجه یک خود در کلاس‌های درس بدانند.



تدریس با شناخت فراگیرندگان

معصومه بهرامی نجات

آموزگار دبستان امام جعفر صادق(ع)، منطقه ۵ تهران

تابستان سال ۱۳۶۹ قرار شد دوره‌های آموزشی کلاس‌های پیمانی بدو استخدام، به مدت ۳۶۰ ساعت را بگذرانیم. پنج سال سابقه‌ی خدمت داشتیم. تابستانی گرم، اما سرشار از تجربه‌های شغلی و آموزشی را گذراندم. کلاس‌های روان‌شناسی، ریاضی، فارسی، علوم و کلاس‌های تربیتی برایم اندوخته‌ای شدند تا با توکل به خداوند بتوانم در مسیر صحیح تعلیم و تربیت گام بردارم. در یکی از این دوره‌ها، با استادی عزیز به نام آقای **لنگرودی** درس فارسی داشتیم.

ایشان در لابه‌لای مراحل تدریس گاهی هم در زمینه‌ی چگونگی نحوه‌ی کلاس‌داری نکته‌هایی می‌گفت. مثلاً یکی از این نکته‌ها که ملکه‌ی ذهن من شده است، این بود که: «تدریس در مدرسه‌ی پسرانه با دخترانه بسیار متفاوت است و آموزگار، اول باید در دل دانش‌آموز خودش بنشیند تا دانش‌آموز قلباً او را بپذیرد. وقتی این اتفاق افتاد، آن‌گاه می‌توان گفت:

درس معلم ار بود زمزمه‌ی محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

کلاس‌ها تمام شد و مهرماه سال تحصیلی ۶۹-۷۰، حکم ابلاغ



آیا ۳۰ با ۳ مساوی است؟

علی ناصری

آموزگار دبستان شهید باقری، بادان محله سیاهکل

آن‌گاه آینه را جلوی کاغذ گذاشتم و دوباره از آن‌ها خواستم عدد را بخوانند. برخی آن را سه و برخی دیگر ۳۰ خواندند. با توجه به این که بچه‌ها زبان یکدیگر را بهتر می‌فهمند، از یکی از دانش‌آموزان که عدد را سه می‌خواند، خواستم پای تخته بیاید و برای دوستانش دلیل خود را بگوید.

تجربه‌ای در آموزش اعداد اعشاری متفاوت

همان‌طور که می‌دانیم دو عدد اعشاری 0.3 و 0.30 با هم مساوی‌اند. اما دانش‌آموزان می‌گویند آن‌ها سسی است و این یکی سه؛ پس چرا سی با سه مساوی است. برای رفع این مشکل، روی یک کاغذ مربع شکل، نوشتیم 0.3 . آن‌گاه آینه‌ای را آوردیم و از چند دانش‌آموز خواستیم این عدد را بخوانند. هر بار آن را سه خواندند.

مرا به یکی از مدارس ابتدایی منطقه‌ی ۵ تهران، واقع در کن زدند. اول مهر همراه ابلاغ به مدرسه رفتیم؛ مدرسه‌ی پسرانه. با وجودی که ابلاغم برای کلاس دوم بود، اما با پر شدن این پایه، ناخواسته پایه‌ی چهارم را برای تدریس پذیرفتم.

سر کلاس چهارم رفتیم. پسرهایی را دیدم که بعضی از آن‌ها حتی سبیل و ته‌ریش هم داشتند. جا خوردم، اما آرامش خودم را حفظ کردم و از پشت میز معلم نگاهی به کلاس انداختم و به همه‌ی دانش‌آموزان گوش دادم. کلاس را در اختیار خود نمی‌دیدم. در کلاس شکسته بود. دانش‌آموزان به سر و صورت یکدیگر می‌زدند و من میان آن‌ها می‌شیدم بعضی‌ها با حالت خنده می‌گفتند: «بعید است که این خانم، معلم باشد، او بسیار جوان است.» خلاصه بعد از مدتی برانداز کردن کلاس، به آرامش دعوتشان کردم و خواستم خودشان را معرفی کنند. خدا می‌داند تا آن‌ها آرام شوند، چه غذایی کشیدم. خلاصه بعد از معارفه، متوجه شدم اکثر خانواده‌هاشان پر جمعیت هستند. پدران‌شان همه کارگر و باغ‌دار بودند و بی‌سواد. فقط یکی دو نفر دیپلم و یا سیکل داشتند.

با وضعیت جغرافیایی محله و سطح سواد والدین، وضعیت خودم را حدس زدم. بعضی از بچه‌ها می‌گفتند بعد از تعطیلی مدرسه مجبورند با پدرها کار کنند. فهمیدم که در این مدرسه باید خودم باشم و هیچ انتظاری از اولیا نداشته باشم. از روز دوم برنامه دادن و تدریس اولین صفحه‌ی کتاب‌های ریاضی و فارسی تا روز سوم و پرسیدن جدول ضرب، فهمیدم که متأسفانه از کلاس ۳۷ نفره، ۲ نفر بیشتر جدول ضرب را نمی‌دانند.

مستأصل درس می‌دادم، اما نتیجه نمی‌گرفتم. گویا در آن‌ها انگیزه‌ای برای درس خواندن نبود. دهمین روز مهر درس علوم داشتیم. در حین درس دادن، سؤالاتی هم مطرح کردم. می‌خواستم ببینم سطح معلوماتشان چه قدر است؟ با این سؤال و جواب‌ها باز طبق معمول،

بچه‌هایی که پاسخ می‌دادند، از طرف بچه‌های دیگر مسخره می‌شدند. به این ترتیب، جو کلاس از دستم خارج می‌شد. آن روز واقعاً از این برخورد‌ها احساس ناامیدی و ضعف کردم. شاید هم برای چند لحظه درون خودم از موفق نبودن در امر آموزش گریستم.

پس از چند روز، ناگهان جرقه‌ای از صحبت‌های استاد بزرگوارم در ذهنم روشن شد و شعله کشید. به یکباره یادم افتاد که می‌گفت، «تدریس برای پسران با دختران تفاوت دارد.» سر کلاس علوم، به بچه‌ها گفتم، کتاب‌های علوم بسته! همه تعجب کردند. یکی می‌گفت: «بچه‌ها درس تمام شد، جمع کنید برویم خانه.» یکی می‌گفت: «خانم هنوز درس تمام نشده.» و...

به هر حال، شروع کردم به سؤال و جواب از فوتبال. وقتی حرف از فوتبال به میان آمد، جو کلاس بسیار آرام شد. همه سر تا پا گوش بودند که من در زمینه‌ی فوتبال چه می‌خواهم بگویم. من هم که سر رشته‌ای از فوتبال نداشتم، سعی کردم از میان سؤالاتی که می‌پرسم، اطلاعاتی کسب کنم و به خودشان تحویل دهم. آن‌ها هم فکر کردند که من یک فوتبالیست ماهر هستم و چیزی نگذشت که فهمیدم بازی فوتبال ۲۲ نفره است. **حسین** دروازه‌بان بسیار خوبی است. **اصغر** در منطقه‌ی دفاع خوب بازی می‌کند و **قاسم** گل‌زن بسیار قهاری است.

بعد از این سؤال و جواب‌ها رفتیم حیاط تا فوتبال بازی کنیم. همه در جای خود مستقر شدند. بقیه هم به‌عنوان تماشاچی دور زمین نشستند و من هم داور شدم. البته همان‌طور که گفتم، باز هم به کمک خودشان داوری می‌کردم. آن روز در حالی تمام شد که فهمیدم آن‌ها بسیار فوتبال دوست هستند.

با تجربه‌ای که به‌دست آوردم، توانستم بر آن‌ها غلبه کنم. از آن روز چنان مجذوب درس و کلاس شدند که گویا این کلاس، همان کلاس چند روز پیش نبود.

او گفت: «شما کاغذ را عوض نکردید، فقط جلوی آینه گرفتید؛ مثل علوم کلاس چهارم که آمبولانس را در آینه همان آمبولانس می‌خواندیم.»

دوباره تمرین خواندن را با تغییر اعداد ادامه دادیم تا همه خوب یاد بگیرند. آن وقت گفتم: «پسرها و دخترهای خوب! آینه همان علامت اعشار است. همان‌طور که در آینه، عدد ما تغییر نکرد، در

سمت راست علامت اعشاری هم عدد تغییر نمی‌کند. آیا سه دهم می‌تواند با سی صدم برابر باشد؟»

همه جواب دادند: «بله.» و بعد به تمرین مقایسه‌ی اعداد اعشاری با هم پرداختیم. آن‌ها حالا بسیار روان‌تر از قبل اعداد اعشاری را می‌خوانند و خودشان صفرهای بعد از اعشار را (بدون تذکر) در نظر نمی‌گیرند و من از این یادگیری بسیار خوش‌حال هستم.

متنی برای خدا حافظی

فخرنسا نری میسا

آموزگار دبستان البرز، اصفهان

اشاره

تا چند روز دیگر، سال تحصیلی به پایان می‌رسد و زحمات پدران و مادران، آموزگاران، کادر مدیریتی و اجرایی مدرسه‌ها و مسئولان آموزش و پرورش در این دوره نیز به بار می‌نشیند. خانم نری میسا، از آموزگاران پایه‌ی اول، متنی را تدارک دیده است که به گفته‌ی خود با ارائه‌ی آن به پدران و مادران دانش‌آموزانش، از آن‌ها خداحافظی می‌کند. متن را در پی می‌آوریم.

به نام آن که گل را رنگ و بو داد
به ژاله لاله‌ها را آبرو داد

پدر گرامی، مادر عزیز

یک سال تحصیلی به پایان رسید؛ یابانی بس دل‌انگیز و شیرین. یابانی با دل‌تنگی‌های لطیف و کودکانه. هر چند که این دل‌تنگی را برای آنان بایرداری نیست، زیرا پس از چندی، در لابه‌لای بازی‌های کودکانه، به دست فراموشی سپرده می‌شود.

مهرماه را در چهار دیواری به نام کلاس **ا** آغاز کردم. با آدم‌هایی با روح بزرگ و جته‌ای نحیف، **ب** را با بردباری همیشه، **پ** را با پرواز به سوی رویاهای، **ت** را با تک‌تک چهره‌های معصوم و نگاه‌های کنجکاو، **ث** را با ثبات در هدف، **ج** را با جدیت، **چ** را با چراها، **ح** را با حمایت، **خ** را با خدای خویش، **دال** را با دل‌های کوچک و بی‌تاب آنان، **ذال** را با ذکر خدا و رسول او، **ر** را با رأفت و مهربانی، **ز** را با صدای زنگ تفریح، **سین** را با سلام، **شین** را با شیرینی گفتارشان، **صاد** را با صلاحیت، **ضاد** را با ضمانت، **طا** را با طهارت روح، **ظا** را در روشنی و گرمی ظهور، **عین** را با عدل، **غین** را در غریبی، **ف** را با فردای امید و آرزو، **قاف** را در قالب دل کوچکشان، **کاف** را با کیوتر آزادی، **گاف** را در گردباد زندگی، **لام** را در لاله‌های سرخ و عطرآگین، **میم** را در مشق‌های شب، **نون** را در نرگس شرمگین چشمانشان، **واو** را در وارستگی، **هـ** را در همدمی و همدلی، و **یا** را در یاری تجربه کردم و اینک زمان جدایی است. عزیزانم را به خدا می‌سپارم و آرزوی موفقیت و سلامتی برایشان دارم.



ماندگاری خوب است یا بد؟

یدالله رهبری نژاد

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

اشاره

در شماره‌ی شش، بخش نخست مقاله‌ی آقای رهبری نژاد را با عنوان «این اصطلاحات چه معنایی دارند؟» منتشر کردیم. در این مقاله، مؤلف به طور ساده سعی داشت مخاطبان مجله را با معانی برخی از اصطلاحات از جمله افت تحصیلی، ترک تحصیلی، درصد قبولی و بازده آموزشی آشنا سازد. ما در محاورات روزمره‌ی خود، این اصطلاحات را بارها به کار می‌بریم، بدون این که از درستی یا نادرستی آن‌ها از لحاظ علمی مطمئن باشیم. هدف از انتشار این مقاله، یاری رساندن به اصلاح این روند است. امیدواریم این دسته مقالات در بالا بردن اطلاعات علمی آموزگاران مؤثر باشند.

نرخ ماندگاری

نرخ ماندگاری همان گونه که از اسمش پیداست، بیان‌گر چگونگی بقا و ماندگاری دانش آموزان در پایه‌های یک دوره‌ی تحصیلی است. به عبارت دیگر، نشان‌دهنده‌ی آن است که دانش‌آموزان ورودی به یک دوره‌ی تحصیلی، تا چه میزان در پایه‌های تحصیلی باقی مانده و تحصیل خود را ادامه داده‌اند. قبل از مراجعه به جدول، برای فهم بهتر، دوباره به نماد زیر مراجعه می‌کنیم که در شماره‌ی قبل هم برای آشنایی با اعداد جدول، استفاده شد:

	D
E	
R	P

D - معرف افراد تعداد افرادی است که ترک تحصیل کرده‌اند.^۴

E - معرف تعداد افرادی است که ثبت‌نام کرده‌اند.^۵

R - معرف تعداد افرادی است که مردود شده‌اند.^۶

P - معرف تعداد افرادی است که قبول شده‌اند.^۷

در شماره‌ی قبل با مفهوم، ضرورت، خاستگاه و شاخص‌های کارایی درونی نظام آموزشی آشنا شدید. همان گونه که پیش‌تر شرح داده شد، کارایی درونی نظام آموزشی با سه شاخص بررسی می‌شود:

الف) نرخ اتلاف^۱

ب) نرخ ماندگاری^۲

پ) متوسط طول تحصیل^۳

مفهوم و چگونگی محاسبه‌ی نرخ اتلاف را با مثال به تفصیل توضیح دادیم. در آن مثال، عدد به‌دست آمده بزرگ‌تر از واحد و نشان‌دهنده‌ی برخورداری نظام آموزشی مورد نظر از اتلاف بود. گفتیم که: در محاسبه‌ی نرخ اتلاف، چنان چه عدد به‌دست آمده کمتر از یک باشد، نشان‌دهنده‌ی وقوع اشتباه در محاسبات است و اگر برابر با یک باشد، مطلوبیت نظام آموزشی مورد نظر از منظر گذاشت به برداشت را نشان می‌دهد و به عبارت دیگر، عدم ابتلای آن نظام به اتلاف است و اگر بیشتر از یک باشد، بیان‌گر وجود اتلاف در آن است.

اینک در این شماره دو شاخص دیگر را بررسی می‌کنیم:

گذر دانش‌آموزان از پایه‌های دوره‌ی ابتدایی

پایه‌ی تحصیلی سال تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فارغ‌التحصیلان
۱۳۶۵	۱۰۰۰					
۱۳۶۶	۲۶۴	۶۹۴				
۱۳۶۷	۷۰	۳۳۸	۵۲۷			
۱۳۶۸		۱۲۵	۳۹۴	۳۷۲		
۱۳۶۹			۱۹۷	۳۹۰	۲۴۷	۱۱۲
۱۳۷۰				۲۵۶	۳۸۵	۱۷۶
۱۳۷۱					۲۶۶	۳۵۳
						۶۴۱

در محاسبه‌ی نرخ ماندگاری، هدف آن است که از مجموع دانش‌آموزان ورودی به یک پایه‌ی تحصیلی، چه تعداد و یا چه درصدی از آن‌ها تا پایان سال تحصیلی در آن پایه باقی مانده و تحصیلات خود را به اتمام رسانده‌اند، که فرمول محاسبه‌ی آن به شرح زیر است:

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، تعداد ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ در کلاس اول ابتدایی ثبت‌نام کرده‌اند و تا پایان سال ۴۲ نفر ترک تحصیل، ۶۹۴ نفر قبول و ۲۶۴ نفر مردود شده‌اند. این وضعیت تقریباً در تمام پایه‌ها و سال‌های دوره‌ی تحصیلی مذکور وجود دارد.

$$۱۰۰ \times \frac{\text{مجموع ترک‌تحصیل کرده‌های پایه} - \text{مجموع دانش‌آموزان ورودی به پایه}}{\text{مجموع دانش‌آموزان ورودی به دوره‌ی تحصیلی}} = \text{نرخ ماندگاری یک پایه‌ی تحصیلی}$$

$$\text{نرخ ماندگاری پایه‌ی اول} = \frac{۱۰۰ - (۲۱ + ۱۱ + ۴۲)}{۱۰۰} \times ۱۰۰ = ۹۲/۶$$

$$\text{نرخ ماندگاری پایه‌ی دوم} = \frac{(49+183+694) - (30+5+12)}{1000} \times 100 = 87/9$$

$$\text{نرخ ماندگاری پایه‌ی سوم} = \frac{(527+257+95) - (18+14+58)}{1000} \times 100 = 78/9$$

$$\text{نرخ ماندگاری پایه‌ی چهارم} = \frac{(372+278+139) - (13+14+86)}{1000} \times 100 = 67/6$$

$$\text{نرخ ماندگاری پایه‌ی پنجم} = \frac{(247+259+170) - (9+13+13)}{1000} \times 100 = 64$$

$$\text{متوسط طول تحصیل} = \frac{(112 \times 5) + (176 \times 6) + (353 \times 7)}{641} = 6/3$$

برای روشن‌تر شدن مطلب، نرخ ماندگاری پایه‌های پنج‌گانه‌ی جدول، به شرح مندرج در کادرهای پایین صفحه‌ی ۳۴ و کادر بالا محاسبه می‌شود.

همان‌گونه که در محاسبات فوق مشاهده

می‌شود، نرخ ماندگاری از پایه‌ی اول تا پنجم، سیر نزولی را نشان می‌دهد. بدین معنی که دانش‌آموزان به تدریج در پایه‌های گوناگون، تحصیل را ترک کرده‌اند، به طوری که حدود نزدیک به نصف تعداد دانش‌آموزان (۶۴ درصد)، تا پایان دوره به تحصیل خود ادامه داده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، کارایی درونی این نظام از منظر نرخ ماندگاری نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

نکته: در محاسبه‌ی کارایی درونی، هر اندازه نرخ ماندگاری دانش‌آموزان از میزان (۱۰۰ درصد) کمتر باشد، نشان‌دهنده‌ی نامناسب بودن کارایی درونی آن است.

عدد ۶/۳ بیان‌گر آن است که هریک از دانش‌آموزان به طور متوسط شش سال و سه ماه در چرخه‌ی نظام آموزشی قرار داشته و تحصیل آن‌ها به طول انجامیده است.

نکته: در محاسبه‌ی کارایی درونی نظام آموزشی، هر اندازه مدت زمان تحصیل دانش‌آموزان از طول دوره‌ی تحصیلی مورد نظر بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی نامناسب بودن کارایی درونی آن است.

متوسط طول تحصیل

ایده‌آل این بود که همه‌ی دانش‌آموزان ورودی به دوره‌ی تحصیلی یاد شده (۱۰۰۰ نفر) بعد از پنج سال، فارغ‌التحصیل شوند، ولی همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، طول دوره‌ی تحصیل، مدت هفت سال را نشان می‌دهد، به طوری که تعداد ۱۱۲ نفر بعد از پنج سال، ۱۷۶ نفر بعد از شش سال، ۳۵۳ نفر بعد از هفت سال (در مجموع ۶۴۱ نفر) فارغ‌التحصیل شده‌اند.

لذا متوسط طول دوره‌ی تحصیلی دانش‌آموزان مورد نظر براساس جدول یاد شده، عبارت است از:

پی‌نوشت

1. wastage rate
2. survival rate
3. average study rate
4. drop-out
5. Enrolment
6. Repetition
7. Promotion

منابع

۱. محسن پور، بهرام (۱۳۷۶). برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. تقی پور ظهیر، علی (۱۳۷۱). مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. انتشارات آگاه. تهران.
۳. گروه مشاوران یونسکو (۱۳۷۹). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه‌ی فریده مشایخ. انتشارات مدرسه. تهران.

باسواد کیست؟

بازاندیشی مفهوم سواد با تأکید بر چهارمین مهارت پایه (4thR) مرجان لریان

دکترای رشته‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی

اشاره

نظام‌های آموزش و پرورش از دیرباز سوادآموزی را یکی از کارکردهای مهم خود دانسته‌اند و در چارچوب مفهوم‌پردازی خاصی از سواد، اولویت نظام آموزشی را تعیین کرده‌اند. امروزه توجه به مهارت‌های سه‌گانه یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن، به تنهایی پاسخ‌گوی نیاز بشریت به آموختن نیست. چرا که از طریق بازشناسی ابعاد سواد و نقد مفهوم سنتی سواد این امکان فراهم می‌شود که سیاست‌گذاران، معلمان و مربیان، جایگاه هنر را به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی یادگیری، از نو درک کنند و ضرورت توجه به آن را درونی سازند. مؤلف این مقاله، در مقام دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی و فردی که پژوهش در این حوزه را دغدغه‌ی خود می‌داند، می‌کوشد آموزه‌هایی از این مفهوم را در حد و اندازه‌ی صفحات مجله مطرح کند.

کلیدواژه‌ها: سواد، شکل‌های بازنمایی دانش، هنر.

این‌رو، باسواد شدن به معنی وسیع کلمه، کیفیت و قابلیت است که به فرد امکان می‌دهد تا به معانی و مفاهیم ابراز شده از طریق نظام‌های معناسازی گوناگون دست‌رسی یابد.

به این ترتیب، مدارس باید به پرورش اشکال متنوع سواد در برنامه‌های درسی خود توجه کنند و از تربیت افرادی که به دلیل برخورد گزینشی و حداقلی نظام آموزشی با مقوله‌ی سواد، صرفاً قابلیت برقراری رابطه‌ی بده و بستان معنایی با شکل‌های محدودی از نظام‌های معناسازی را دارند، بپرهیزند. افرادی که فقط به رابطه‌ی محدود معنایی می‌پردازند، نیمه باسواد^۱ به‌شمار می‌آیند.

در نظام‌های آموزشی، توجه به سواد اهمیت بسیار دارد. اما در این‌جا بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که چه ارزش ویژه‌ای در سواد به این معنا نهفته است که عطف توجه به آن را ضروری و کم‌توجهی به آن را غیرقابل توجیه می‌کند؟ این مسئله را از طریق توجه به سواد به معنای گسترده‌ی آن و قادر ساختن دانش‌آموزان به خواندن و برقراری رابطه‌ی معنایی با شکل‌های غیرکلامی، می‌توان بررسی کرد. دلایل این توجه در سه نکته نهفته است:

الف) عمق بخشیدن به کسب معنا توسط انسان در سراسر زندگی

فرهنگ جوامع بشری نشان داده است که انسان برای شناخت جهان از ابزارهای گوناگون استفاده می‌کند. برای مثال، علم روان‌شناسی برای فهم بهتر چگونگی تحول انسان در ابعاد گوناگون، تصویر و نقاشی

آیا امروزه بر خورداری از مهارت‌های خواندن و نوشتن فرد را باسواد جلوه می‌دهد؟ آیا از طریق زبان مکتوب می‌توان مقصود خود را به دیگران منتقل کرد و از همین راه نیز می‌توان معنای مورد نظر آن‌ها را دریافت؟

در دیدگاهی وسیع‌تر، سواد را می‌توان راه بده و بستان معنی تلقی کرد. گرچه بسیاری از معانی از طریق خواندن و نوشتن حاصل می‌شود، اما بدون تردید می‌توان ادعا کرد که انتقال معنا منحصر به متن نیست و متن نیز تنها ابزار بده و بستان معنایی به‌شمار نمی‌رود. تنها بخش کوچکی از معنا و مفهوم از طریق متن و زبان مکتوب مبادله می‌شود. سواد در مفهوم گسترده‌ی خود عبارت است از: «قابلیت رمزگشایی و رمزگردانی از معنا و مفهوم، صرف‌نظر از قالب یا فرم اجتماعی که معنا با استفاده از آن ابراز شده است.»

برای این که بدانیم چه کسی باسواد است، باید از طریق تعریف گسترده‌ی سواد پیش برویم. در ابتدا باید اشکال و قالب‌های متفاوتی را که معنا و مفهوم از طریق آن‌ها ابراز و مبادله می‌شوند، بیابیم؟ و بفهمیم مدرسه در میان اشکال متکثر سواد یا سواد چندگانه، چه نقش و مسئولیتی برعهده دارد؟

همان‌گونه که در این تعریف اشاره شد، باید به سواد به گونه‌ای فراتر از حد یا قالب زبان نگریست، چرا که نظام‌های مبادله‌ی معنا که توسط بشر ابداع شده‌اند، به‌هیچ‌عنوان محدود به زبان نیستند. معنا علاوه بر قالب‌های زبانی، از طریق قالب‌های دیداری یا هنرهای تجسمی و همچنین قالب‌های نمایشی و هنرهای نمایشی ابراز شده است. از



توان مندی‌ها و استعدادهای گوناگون حمایت کنند و همواره به شکلی خاص در تاریخ حضوری چشم‌گیر داشته باشند. پس می‌توان ادعا کرد باسواد در زندگی امروز فردی است که با اشکال معنایی و سواد رابطه‌ی بده و بستانی برقرار کند و بتواند علاوه بر خواندن، نوشتن و حساب کردن، سایر حوزه‌های سواد را نیز دریابد.

در چنین فضایی، **آی‌نر**^۱ مدعی است که آموزش هنر باید به یک بخش اساسی در برنامه‌ی درسی مدارس تبدیل شود. هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن، باید به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی (4th R)^۲ برنامه‌ی درسی مطرح شود. بر همین منوال، می‌توان با تأکید بر شکل‌های متنوع سواد اذعان داشت که هنر همواره در تاریخ زندگی بشر نقشی اساسی داشته و هرگز

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی، تدارک جایگاهی معقول و مناسب برای هنر در برنامه‌ی درسی مدارس است

جایگاهش در زندگی انسان‌ها از بین نرفته است. هنر با قالب‌های متنوع شکلی از سواد را رقم زده است. پس بی‌مهری نسبت به هنر و غفلت ورزیدن از آن در نظام آموزشی و مدارس، می‌تواند باعث فراموشی سواد شود.

بنابراین اگر به دنبال تربیت افرادی باسواد در نظام آموزشی خود هستیم، باید بتوانیم به شکل‌های سواد که همواره در طول تاریخ بشر ماندگار و پایدار مانده‌اند، توجه کنیم و از انواع متنوع دانش با کارکردهای متنوع آن به‌راحتی چشم‌پوشیم. در این صورت به شایستگی می‌توانیم افرادی باسواد تربیت کنیم و حتی مانع از **پرورش نیمه باسوادان به ظاهر باسواد** شویم.

پی‌نوشت

1. Semi-Literate
2. eisner
3. Reading, Writing, Reasoning, Arts.

منابع

۱. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). چیستی، چرایی، چگونگی آموزش عمومی هنر. انتشارات مدرسه. تهران.
2. Eisner, Elliot (1998). The Kind of School We Need. Educational Leadership.

برای بهتر دیدن ترکیب نور و سایه در خیابان‌های یک شهر، داستان و نمایش برای پی‌بردن به عمق درد و رنج انسان‌ها، و جامعه‌شناسی برای درک و فهم بهتر کارکرد نهادهایی مانند خانه و مدرسه به کار می‌روند. اگر هدف تعلیم و تربیت، به‌عنوان یک فرایند، توسعه‌ی درک و فهم انواع معانی است که افراد می‌توانند در طول حیات با آن‌ها سروکار پیدا کنند و اگر سواد فرایند ساخت و انتقال معنا در نظر گرفته شود، باید نتیجه گرفت که نظام آموزشی از تدارک دیدن فرصت‌هایی برای پرورش سواد در شکل‌های متنوع آن (منطبق با تنوع در میراث فرهنگی مشترک بشر) ناگزیر است. غفلت از این امر به معنای گرفتار آمدن در دام باریک‌اندیشی شناختی است که افراد را از دست‌یابی به طیف تجربه‌های ممکن در زندگی و حیطه‌ی دانایی، محروم می‌سازد. متأسفانه گاه مشاهده می‌شود که بسیاری از شکل‌های بازنمایی دانش در برنامه‌های درسی مدارس به‌کنار گذاشته شده یا حتی به حاشیه رانده شده‌اند.

ب) پرورش قابلیت‌ها و استعدادها و شناختی-ذهنی دانش‌آموزان

پرورش قابلیت‌های شناختی و ذهنی، با فرصت‌های یادگیری که شامل عوامل محیطی و فرهنگی است رابطه‌ی مستقیم دارد. در این میان برنامه‌ی درسی مهم‌ترین عنصری است که در بستر آن، فرصت‌های یادگیری عملیاتی می‌شوند. هنگامی که در برنامه‌ی درسی، شکل‌های بازنمایی دانش گنجانده می‌شود، نظام آموزشی نه‌تنها به تحقق ابعاد سواد عمل کرده است، بلکه در زمینه‌ی پرورش توانایی‌های خاص ذهنی یا ساخت و پرداخت ویژه‌ای از آن نیز، گام برداشته است. به این ترتیب برنامه‌ریزان درسی، با تصمیم‌گیری شایسته‌ی خود عملاً به تعریف دامنه‌ی فرصت‌های یادگیری و تعریف قابلیت‌های ذهنی و فکری دانش‌آموزان می‌پردازند.

پ) دست‌یابی به عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی

از آن‌جا که دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل وراثتی، تمایلات و گرایش‌های ذهنی متفاوتی دارند و مریدان با دست‌کاری شرایط محیطی می‌توانند به ذهن آن‌ها جهت دهند، بنابراین نظام‌های آموزشی باید در جریان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها به تفاوت‌های آشکار و نهان دانش‌آموزان توجه کنند. بدین معنا که باید در طراحی برنامه‌هایی گام بردارند که با استعدادها، توانایی‌ها و نقاط قوت دانش‌آموزان از نظر به‌کارگیری نظام‌های متفاوت معناسازی سازگاری داشته باشند. بنابراین، عدالت آموزشی فقط به ایجاد فرصت تحصیل محدود نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از آن، تدارک فرصت‌های رشد و یادگیری در زمینه‌هایی است که با علاقه‌ها و استعدادها دانش‌آموزان هم‌خوانی داشته است.

در طول تاریخ بشر شاهد آن هستیم که همواره شکل‌های گوناگون سواد ظهور داشته‌اند و هر کدام به نوعی توانسته‌اند افراد را با

آب یاسو؟

رضا کلانتری

پژوهشگر دوزبانگی در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش تبریز

لزوم طراحی برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه با نیم‌نگاهی به سختی‌های آموزش فارسی به ترک‌زبانان

کلیدواژه‌ها: طراحی برنامه‌ی درسی، دوزبانگی، زبان فارسی، مناطق دوزبانه.

اشاره

این مقاله با هدف بررسی لزوم طراحی برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه‌ی ایران صورت پذیرفته است. افزایش اثربخشی برنامه‌ی درسی زبان فارسی و بالابردن کیفیت و کارایی آن، یکی از ضرورت‌های مسلّم زبان‌آموزی در مدارس کشور است. آموزش دوزبانه به عبارتی استفاده از دو زبان برای تدریس و یادگیری به منظور نیل به اهداف تربیتی و اجتماعی است. بنابراین، برای پیشبرد اهداف آموزشی و رسیدن به وضعیت مناسب آموزشی و فرهنگی در مناطق و نواحی غیرفارسی زبان، تعیین مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی کتاب فارسی دوره‌ی ابتدایی، ضروری به نظر می‌رسد. از بین دروس ابتدایی، دیکته و خواندن زبان فارسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. چرا که با فراگیری این دو درس دانش‌آموزان باسواد می‌شوند و در نتیجه برای یادگیری سایر علوم اقدام می‌کنند. دانش‌آموزان مناطق دوزبانه به‌خصوص در دو پایه‌ی اول و دوم ابتدایی، در فراگیری زبان فارسی چه از نظر گفتاری و شنیداری و چه از نظر سوادآموزی و به تبع آن یادگیری سایر دروس، با مشکلاتی مواجه هستند که شامل دانش‌آموزان فارسی‌زبان نمی‌شود. این وضعیت از به کار بردن کتاب‌ها و روش‌های آموزشی یکسان در سراسر کشور، بدون توجه به اختلافات زبانی دانش‌آموزان، ناشی می‌شود. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر گویای این مطلب است که لحاظ نکردن تفاوت‌های زبانی در مناطق و نواحی گوناگون در برنامه‌ی درسی فارسی دوره‌ی ابتدایی و اجرای برنامه‌ی آموزشی متحدالشکل در همه‌ی مناطق و نواحی، به فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی مناسب منجر نمی‌شود. با بررسی اوراق امتحانی درس املا‌ی دانش‌آموزان دوزبانه می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از اشتباهات املا‌یی به علت دشواری‌های زبان‌شناختی خاص در مناطق دوزبانه صورت می‌گیرد. لذا تدوین برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی در مناطق غیرفارسی زبان، با توجه به ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای، یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه‌ی زبان فارسی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور است.

مشکلات آموزش املا در مناطق دوزبانه

با بررسی نتایج درس‌هایی مانند بخوانیم و بنویسیم، املا و انشا در مدارس مناطق دوزبانه، مشاهده می‌کنیم که درصد مردودی دانش‌آموزان در این درس‌ها بویژه در پایه‌های اولیه‌ی دوره‌ی ابتدایی، بسیار بیشتر است. در یافته‌های پژوهشی

(عصاره، ۱۳۸۲)، مشکلات درکی - شنیداری، گفتاری، خوانداری و نوشتاری چشم‌گیری در دوزبانه‌ها دیده می‌شود که بخشی از آن زبانی است، زیرا ساختمان زبانی مندرج در ذهن کودک با ساختار زبانی مدرسه تفاوت زیادی دارد. در گوش دادن به متن دیکته شده، عدم فهم صحیح یک واژه و توقف و تلاش و تمرکز

زبان آموز و سوادآموز به فهم آن، وی را از گوش دادن به ادامه‌ی متن باز می‌دارد و به تبع آن کار نوشتن املا مختل می‌شود [مدرس، ۱۳۸۲]؛ مخصوصاً اگر گوینده‌ی متن املا، فارس‌زبان نباشد. برای مثال، تمایز «گ» و «ق» و «غ» نه تنها برای نوآموزان آذربایجانی، بلکه برای معلمان آنان هم مشکل‌ساز است. خود هنگام بازدید از مدرسه‌ی ابتدایی در ساعت املا و در شهر تبریز شاهد بودم که چه‌طور معلم و دانش‌آموز سوم ابتدایی برای نوشتن کلمه‌ی «قشنگ» دچار چالش بودند؛ به‌طوری که پس از بارها تکرار، باز هم عمل رمزگذاری و رمزگیری به درستی صورت نگرفت. به عبارت دیگر، هرچه معلم با صدای بلند این کلمه را تکرار می‌کرد، دانش‌آموز با تلفظ‌های گوناگون مواجه می‌شد، به‌طوری که باعث گریه‌ی دختر دانش‌آموز گشت.

در تدوین کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی فرض بر این است که همه‌ی دانش‌آموزان با زبان فارسی گفتاری آشنا هستند. در مناطقی که زبان مادری کودکان با زبان رسمی کشور یکسان است، در نوآموزان در بدو ورود به دبستان، قادر به گوش دادن و سخن گفتن هستند و به عبارت دیگر مهارت دو رکن اول زبان‌آموزی را کسب کرده‌اند و دو رکن دیگر آن یعنی خواندن و نوشتن را در مدرسه فرا می‌گیرند. ولی در مناطق دوزبانه که زبان رسمی آموزشگاهی با زبان مادری مغایر است، دانش‌آموزان در یادگیری زبان آموزشگاهی با مشکلاتی مواجه می‌شوند که به افت تحصیلی آنان می‌انجامد.

البته در دهه‌های اخیر سیاست‌گذاران آموزش و پرورش و مؤلفان کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی و بویژه سال اول ابتدایی، در تألیف این کتاب‌ها، دغدغه‌ی دانش‌آموزان دوزبانه را مدنظر داشته‌اند که البته کافی به نظر نمی‌رسد [کلانتری، ۱۳۸۸]. اصولاً تفاوت‌های «سوادآموزی

ویژه‌ی فارسی‌زبانان» و «زبان‌آموزی - سوادآموزی ویژه‌ی کودکان دوزبانه»، متفاوت از هم به نظر می‌رسند. طی گزارش‌های رسیده به اولین و دومین [خدیی، کلانتری و ربوی، ۱۳۸۸] همایش دوزبانگی و آموزش، و همچنین نتایج ضعیف ایران در مطالعه‌ی بین‌المللی تیمز و پرلز [کریمی، ۱۳۸۴ و کریمی و کبیری، ۱۳۸۸] این نتیجه به دست می‌آید که کودکان دوزبانه در ایران نیز دچار مسئله‌ی عقب‌ماندگی درسی، خصوصاً در درس دیکته‌اند.

البته این مشکلات در میان کودکانی که ساختار زبانی آن‌ها با ساختار زبان فارسی از نظر آوایی، واژگانی و نحوی تفاوت بیشتری دارد، بارزتر است. برای مثال، در میان گویش‌های رایج در ایران، زبان ترکی نه تنها تفاوت ساختاری زیادی با زبان فارسی دارد، بلکه با بقیه‌ی گویش‌های رایج در ایران هم ریشه نیست [عصاره، ۱۳۸۸]. حال سؤال این است که افت تحصیلی در درس املا‌ی کودکان دوزبانه، منتج از دوزبانه‌بودن این کودکان است یا عوامل دیگر؟ به عبارت دیگر، آیا عملکرد دانش‌آموزان دوزبانه‌ی ترک و تک‌زبانه‌ی فارس در درس املا‌ی فارسی، با هم فرق دارند؟ بنابراین و با توجه به یافته‌های تحقیقات دوزبانگی، به منظور اجرای تعلیم و تربیت دوزبانه در ایران، نیازمند تولید مباحث نظری هستیم تا از محتوا، مدل‌ها و روش‌های تدریس مناسب پس از هنجاریابی‌های لازم و با توجه به شرایط بومی و منطقه‌ای، سیاست‌های مناسب دوزبانی اتخاذ شود.

نمونه‌ها

براساس نتایج آزمون‌های املا، درصدی از این اشتباهات دانش‌آموزان به دوزبانه‌بودن آنان مربوط است که در صورت طراحی برنامه‌ی

درسی آموزش زبان فارسی ویژه‌ی مناطق دوزبانه این مشکلات می‌تواند به حداقل برسد، بدون این‌که در یادگیری زبان فارسی مشکلی ایجاد کند. البته هرچه قدر تفاوت‌های زبانی بیشتر شود، این مشکل نیز بیشتر به نظر می‌رسد. مانند زبان ترکی آذربایجانی که در مقایسه با زبان‌های کردی، گیلکی و لری از نظر ساختاری با زبان فارسی فرق دارد [زندى، ۱۳۸۱: ۱۷۶]. در این‌جا به بعضی از مشکلات اشاره می‌کنیم:

- در زبان ترکی برخلاف زبان فارسی اغلب هجاها دوصامتی هستند که باعث به‌وجود آمدن اشتباهات املايي در دانش‌آموزان این مناطق می‌شود [مدرس، ۱۳۸۲].

در بررسی نتایج آزمون‌های املا به وفور می‌توان این مشکل را ملاحظه کرد؛ مانند «بد» به جای «بود» و «تیت» به جای «تیست».

- در اثر تداخل آوایی صامت‌های فارسی «ق»، «غ» و «گ» در زبان ترکی، نوآموز آذربایجانی صامت‌های جای‌گزین را به کار می‌برد. مانند «گند» یا حتی «غند» (بر اثر تلفظ ناصحیح معلم) به جای «قند» و «گشنگ» به جای «قشنگ».

- در بعضی از مناطق آذربایجان مانند مراغه، صامت‌های «ی» و «ر» با هم تداخل دارند که می‌توان این اشتباه را به صورت زیر مشاهده کرد:

«دبیا» به جای «دریا» و «بایان» به جای «باران».

- در فارسی تلفظ «ک» پسکامی انفجاری است، ولی در ترکی آذربایجانی تلفظ آن لثوی، انفجاری-سایشی است که باعث جای‌گزینی با «چ» می‌گردد. مانند جای‌گزینی «چه» و «که».

همچنان‌که از مثال‌های فوق مشخص است، بسیاری از این اشتباهات توجه زبان‌شناختی دارند که ممکن است برای نوآموزان دیگر مناطق دوزبانه به شکل‌های متفاوتی اتفاق بیفتد. برای مثال اسماعیلی (۱۳۸۰)، با بررسی خطاهای زبانی در نوشتار فارسی دانش‌آموزان مازندرانی دریافت که تداخل زبان مادری دانش‌آموزان در نوشتن زبان فارسی، در مقوله‌های ساخت واژه، نحوی و واژگانی و معنایی مشهود است. همچنین یافته‌های تحقیق فتاحی (۱۳۷۲)، مهرجو و هادیان (۱۳۷۴)، مدرس (۱۳۸۲) و ادیب (۱۳۸۵) نشان می‌دهند، دانش‌آموزان دوزبانه در دروسی که با زبان مرتبط است، مانند املا و خواندن زبان فارسی، نسبت به دروس غیرزبانی مانند ریاضی و علوم از هم‌نوعان تک‌زبانه‌ی خود عملکرد ضعیف‌تری دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تعمق در نتایج تحقیقات انجام گرفته و پیشینه‌ی نظری و عملی برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی نشان می‌دهد که لحاظ‌نکردن تفاوت‌های زبانی مناطق و نواحی گوناگون در برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی فارسی و اجرای برنامه‌های آموزشی یکسان در همه‌ی مناطق و نواحی، به فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی مناسب منجر نمی‌شود. از این‌رو

برای پیشبرد اهداف آموزشی و رسیدن به وضعیت مناسب آموزشی و فرهنگی در مناطق و نواحی غیرفارسی‌زبان، تعیین مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی کتاب فارسی دوره‌ی ابتدایی برای مناطق و نواحی غیرفارسی زبان ضروری به‌نظر می‌رسد. قابل اشاره است که در اغلب کشورهای پیشرفته، برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی دوزبانه‌ی مناسب، طراحی و به اجرا گذاشته می‌شود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱. برنامه‌های درسی زبان فارسی با توجه به یافته‌های مطالعات رسمی مانند تیمز و پرلز، در ابعاد محتوای کتاب‌ها و روش‌های تدریس ویژه در مناطق دوزبانه، دوباره بررسی شود.
۲. با توجه به تنوع زبان‌های محلی در کشور و دوزبانه بودن حدود نیمی از دانش‌آموزان ابتدایی، باید برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی ویژه‌ای برای تقویت زبان فارسی متناسب با ظرفیت‌ها و توانایی‌های کودکان دوزبانه در سنین ابتدایی ارائه گردد و روش‌های تدریس ویژه‌ای در دوره‌های تربیت معلم پیش‌بینی شود.
۳. تهیه‌ی برنامه‌های ویژه برای دانش‌آموزان مناطق دوزبانه در صداوسیما محلی و ملی با هدف تقویت مهارت‌های شنیداری و گفتاری دانش‌آموزان ارائه شود.

منابع

۱. ادیب، یوسف (۱۳۸۵). مقایسه‌ی تأثیر آموزش‌های پیش‌دستانی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوزبانه و یک‌زبانه‌ی دوره‌ی ابتدایی. مجموعه مقالات همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره‌ی ابتدایی. دانشگاه شیراز.
۲. اسماعیلی، محمود (۱۳۸۰). بررسی خطاهای زبانی در نوشتار فارسی دانش‌آموزان مازندرانی زبان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
۳. خدیوی، اسدالله و کلانتری، رضا (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش دوزبانی و آموزش: چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۴. عصاره، فریده (۱۳۸۲). بررسی مسائل زبان‌آموزی کودکان پایه‌ی اول مناطق دوزبانه. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۵. زندی، بهمن (۱۳۸۱). زبان‌آموزی. انتشارات سمت. تهران.
۶. عصاره، فریده (۱۳۸۸). پیشنهاد الگویی برای برنامه‌ی زبان‌آموزی پایه‌ی اول در مناطق دوزبانه. مجموعه مقالات همایش دوزبانی و آموزش: چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۷. فتاحی، بهرام (۱۳۷۲). بررسی و مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر یک‌زبانه و دوزبانه در دروس فارسی و املا. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
۸. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۴). بررسی نتایج مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن. پرلز. تهران: فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت. سال بیست و یکم. شماره یک. بهار ۱۳۸۴. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۹. کریمی، عبدالعظیم و کریمی، مسعود (۱۳۸۸). مقایسه‌ی دانش‌آموزان دوزبانه و یک‌زبانه در وضعیت سواد خواندن براساس مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (۲۰۰۶-PIRLS).
۱۰. مجموعه مقالات همایش دوزبانی و آموزش: چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۱۱. کلانتری، رضا (۱۳۸۸). بررسی انواع مدل‌های دوزبانه در دنیا و ارائه‌ی راهکار برای آموزش دوزبانه در ایران. پژوهشنامه‌ی آموزشی. ماه‌نامه‌ی پژوهشی، آموزشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. شماره ۱۱۹، اسفندماه.
۱۲. گزارش سمینار بررسی ابعاد دوزبانی در آموزش و پرورش، به همت مرکز تحقیقات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۱-۱۰ تیر ۱۳۷۱.
۱۳. مدرس، سولماز (۱۳۸۲). مشکلات خاص دانش‌آموزان دوزبانه‌ی ایرانی. مجموعه مقالات اولین نشست علمی و پژوهشی آموزش زبان و ادبیات فارسی به کوشش دکتر سعید قره‌آعاجلو. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت کاربردی تبریز.
۱۴. مهرجو، علی و هادیان، مجید (۱۳۷۴). پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوزبانه و یک‌زبانه‌ی پسر سال سوم ابتدایی در شهرستان اهواز. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان.

رازی به جای جابر بن حیان!

هرمز علی زاده

آموزگار دبستان شهید شیروزی، آبدانان ایلام

در طی سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، جشنواره‌ای در دوره‌ی ابتدایی سراسر کشور اجرا شد که به رغم آزمایشی بودن، با استقبال گسترده‌ی معلمان و دانش‌آموزان روبه‌رو شد. این جشنواره، که عنوان **جابر بن حیان** را در پیشانی خود داشت، درصدد بود دانش‌آموزان را به علوم تجربی علاقه‌مند سازد و لذت یاد گرفتن و پژوهش کردن را در آن‌ها زنده نگه دارد. با استقبال گسترده‌ای که از این جشنواره صورت گرفته است، در مقام آموزگاری علاقه‌مند برای اصلاح و توسعه‌ی آن، دو پیشنهاد دارم:

۱. طرح دانش‌پژوهی یا جشنواره‌ی جابر بن حیان، به‌عنوان نوعی فعالیت پژوهشی و در قالب یکی از درس‌ها، به محتوای کتاب‌های درسی، از جمله کتاب علوم تجربی پنجم اضافه شود. در عوض از حجم و محتوای کتاب فعلی کم شود تا این طرح به‌عنوان جزئی از برنامه‌ی درسی پنجم تدریس شود. هم‌چنین، قید آزمایشی بودن این طرح هم باید هرچه زودتر حذف و طرح فوراً در برنامه‌ی درس مدارس ابتدایی گنجانده شود تا به‌سرعت مانند دروس «بخوانیم و بنویسیم» و «هدیه‌های آسمان» جا بیفتد.

۲. جابر بن حیان، از دانشمندان بزرگ عرب است که در عراق به دنیا

آمده و بیشتر عمرش را در کوفه و بغداد گذرانده است. او در علم شیمی

تحقیقات زیادی دارد. کشف اسیدنیتریک و نیز حضور در محضر **امام**

صادق (ع) را به وی نسبت می‌دهند. او عالم بسیار بزرگی است،

ولی ما در ایران، هم‌تراز و حتی بزرگ‌تر از او را هم داریم؛ **ابوبکر**

محمد بن زکریای رازی. او در شهرری متولد شد و در جوانی

به تحقیق در موسیقی، فلسفه، ادبیات، ریاضیات و نجوم پرداخت. بعد

به شیمی و کیمیاگری روی آورد و در سی سالگی به بغداد رفت و

به تحصیل علم پرداخت. کشف الکل، اسید سولفوریک (جوهر گوگرد)

و تألیف چندین جلد کتاب ارزشمند از کارهای اوست. وی بیشتر

کتاب‌هایش را به زبان عربی نوشته است، از این‌رو اروپاییان تا چند

وقت پیش، به غلط او را پزشک عرب می‌خواندند.

با احترام به جابر بن حیان، پیشنهاد می‌کنم نام جشنواره، از

جابر بن حیان، به محمد بن زکریای رازی تغییر یابد. به نظر

می‌رسد، اگر قدری سهل‌انگاری کنیم، برخی کشورها، رازی

را هم با توجه به آثار عربی‌اش، از چنگمان به‌در خواهند

آورد.

تصویر گریمیم موسوی



روستاهای شگفت‌انگیز ایران - بخش هشتم و پایانی

میراث ما

هفتمین منظر فرهنگی طبیعی جهان

حمید دهقان

آشنایی با روستای نمونه میمند و دیگر روستاهای استان کرمان

روستای شگفت‌انگیز میمند در استان کرمان و در ۳۸ کیلومتری شهرستان شهر بابک، در مسیری کوهستانی و زیر آسمانی پرستاره و یادگاری از هزاران سال جریان زندگی سنتی قرار دارد. در سال ۲۰۰۵ به مناسبت حفظ تعامل این روستا با طبیعت و دارا بودن شرایط و ضوابط طبیعی و تاریخی منحصر به فرد، جایزه ملینا مر کوری به روستای میمند اختصاص یافت. این جایزه را دولت یونان، با همکاری سازمان یونسکو و ایکوموس (شورای حفاظت از بناها و محوطه‌های تاریخی) هر دو سال یک‌بار به یک اثر نشان‌دهنده‌ی هنر تعامل انسان و طبیعت اهدا می‌کند. پنج سال پیش این افتخار نصیب روستای میمند شد و ۲۰ هزار دلار به این روستا تعلق یافت.

روستای میمند با پیشینه‌ی ۳۰۰۰ ساله‌ی خود با شماره‌ی ۴۱۳۵ در فهرست آثار ملی ثبت و در سال ۱۳۸۵ به عنوان روستای نمونه‌ی گردش‌گری معرفی شده است. حدود ۴۰۰ خانه (کیچه) با بیش از ۲۵۰۰ اتاق دارد و حدود ۱۵۰ نفر در حال حاضر در این روستا زندگی می‌کنند.

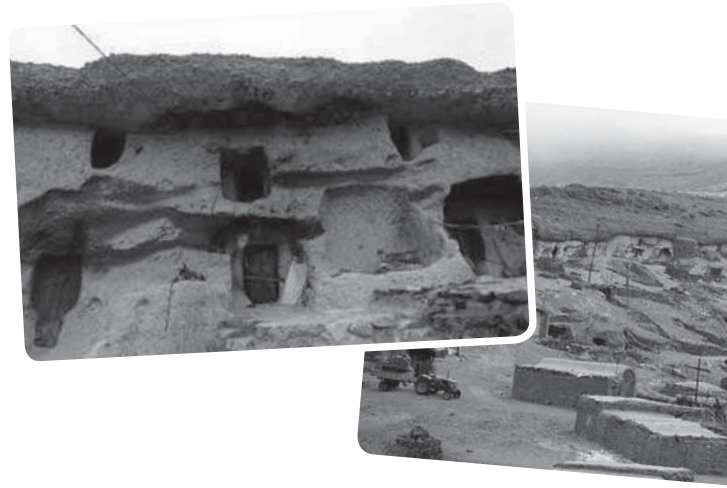
از مدتی پیش مسئولان میراث فرهنگی برای ثبت جهانی روستای میمند تلاش می‌کردند. مدیر این پایگاه می‌گوید: «۸۰ درصد اطلاعات مورد نیاز برای ثبت جهانی این اثر به عنوان یک منظر فرهنگی - تاریخی جمع‌آوری شده است.» به گفته‌ی وی، مردم میمند چهار ماه اول سال را در بخش‌های پایین میمند و چهار ماه دوم را در آبادی‌های اطراف و باغات و چهار ماه سوم سال را در خانه‌های دست‌کنده زندگی می‌کنند.

خانه‌های این روستا مانند مناره‌هایی هستند که با دست بشر در صخره‌های کوهستان کنده شده‌اند. معماری میمند از معدود معماری‌های صخره‌ای جهان است و تنها روستای کنوان در ۵۰ کیلومتری تبریز و کاپاد و کیه در کشور ترکیه از این نوع معماری بهره‌مندند. البته مسکونی‌بودن واحدهای صخره‌ای و جریان زندگی سنتی دیرینه و پیوند میراث فرهنگی، تاریخ و تمدن با زندگی امروزی، امتیاز فوق‌العاده‌ای برای میمند و مردمی است که در آن سکونت دارند.

اشاره

با انتشار این بخش از سلسله مطالب روستاهای شگفت‌انگیز ایران، سفر دوره‌ای رشد آموزش ابتدایی به سرزمین‌های برجای مانده از پیشینیانمان در داخل کشور خاتمه می‌پذیرد. امیدواریم آموزگاران محترم، در ایام تابستان و در هنگام تعطیلات مدارس، فرصت بازدید از این روستاها را پیدا کنند و علاوه بر آشنایی با میراث فرهنگی کشورمان، دست‌مایه‌هایی نیز برای تدریس در کلاس‌های خود فراچنگ آورند.





غارخی و بندری در هفت کیلومتری روستا، جاذبه‌های گردش‌گری زیبایی دارد.

روستای خبر از توابع شهرستان بافت از روستاهای تاریخی بافت است که حدود شش قرن قدمت دارد. این روستا از دیرزمان بیلاق شهرهای بافت و راور بوده است.

پارک ملی بین‌المللی حفاظت شده در ۴۵ کیلومتری بافت، کوه خبر با دامنه‌های سرسبز و دره‌های دره‌شاه و ولایت، دره‌خبر، دهنه‌ی گرد و هم‌چنین دو قله‌ی چاه برف و برج شوم، چشم‌انداز زیبایی به این منطقه بخشیده است.

روستای دلفارد این روستای خوش آب‌وهوا که در گذشته از بیلاق‌های شهرستان جیرفت بود، به مرور زمان به سکونت‌گاه دائمی تبدیل شده است و از زیباترین روستاهای بیلاقی استان کرمان محسوب می‌شود.

روستای ده‌بکری با دو قرن قدمت، به سبب استقرار در میان ارتفاعات، باغ‌های انبوه و پر بار و هوای معتدل کوهستانی، چشم‌انداز چشمه‌سارها و منابع آب زیرزمینی و قنات‌ها، جاذبه‌های گردش‌گری فراوانی دارد.

روستای ده لؤلؤ از زیباترین مناطق بیلاقی شهرستان کرمان است و آبشار سینک در اردوگاه شهید باهنر کوهپایه، آبشار وامق آباد، آسیاب بادی فوسک، رودخانه‌ی دائمی و کناره‌های سرسبز وامق آباد از جاذبه‌های گردش‌گری این روستا به‌شمار می‌آیند. این روستا در ۳۰ کیلومتری شهرستان کرمان واقع شده و نزدیکی آن به شهر از دلایل جذب گردش‌گر است.

روستای لاله‌زار از توابع شهرستان بردسیر است. بیش از دو

گروهی از محققان و پژوهشگران، احداث هسته‌های نخستین روستای میمند را به زمانی که ایرانیان آیین مهرپرستی داشتند، نسبت داده‌اند که در آیین زرتشت نیز ادامه یافته است. دست‌ان هنرمند و سخت‌کوش مردمی فداکار، حدود ۴۰۰ واحد مسکونی به گونه‌ای شگفت‌انگیز در دل کوه پدید آورده است که هر بیننده‌ی را در مقابل قدرت و خلاقیت بانیان آن به حیرت و تحسین وامی‌دارد.

در همین واحدهای کنده شده با دست‌های توانا، مجموعه‌ای شامل حمام و مسجد و مدرسه نیز وجود دارد که مسجد روستا به عنوان تازه‌ترین بنا، در سال ۱۳۴۰ هجری قمری احداث شده است.

آب و هوای میمند از نوع معتدل کوهستانی است که زمستانی سرد و تابستانی معتدل دارد. بهترین فصل سفر به این روستا، بهار و تابستان است.

پایگاه میراث فرهنگی روستای میمند به منظور جذب گردش‌گر و شناساندن این شاه‌کار ارزش‌مند بشری به گردش‌گران داخلی و خارجی از سال ۱۳۸۰ فعالیت چشم‌گیری را آغاز کرده است که احیای صنایع دستی مردم روستا مانند نجاری، نمدمالی و آهنگری و دایر کردن مهمان‌سرا درون‌خانه‌های دست‌کند، مرکز اسناد، موزه‌ی مردم‌شناسی و نمایشگاه عکس از این فعالیت‌ها به شمار می‌آید.

مسئولان میراث فرهنگی به آثار موجود در اطراف میمند نیز توجه دارند و اشکفت **لاشکور گوئییه** و **تیرخورین** با صخره‌های شگفت‌انگیز و آثار دست‌کند در **پیش‌استا** و **قلعه‌ی کمرمرج** آثاری هستند که توجه گردش‌گران را به خود جلب می‌کنند.

با اقداماتی که در چند سال اخیر برای فراهم ساختن رفاه و آسایش ساکنان روستا به عمل آمده است، روند بازگشت افرادی که در گذشته زادگاه خود را ترک کرده‌اند، افزایش یافته است. روزگاری روستای زیبای میمند ۴۰۰۰ سکنه داشت. شاید در آینده هم چنین باشد.

چند روستای دیگر

از چند روستای دیگر استان کرمان نیز به‌طور اختصار نام می‌بریم:
روستای بیدخون که به ده بالا شهرت دارد و در ۳۶ کیلومتری شهرستان بردسیر قرار دارد. مورخان قدمت این روستا را به دوره‌های پیش از اسلام مربوط می‌دانند. درخت گردوی کهن سال ۲۰۰۰ ساله‌ای در آن جا وجود دارد. بیدخون با دره‌ای خوش آب‌وهوا، باغات انبوه،





با همراهان

«با همراهان» صفحه‌ی ارتباط مخاطبان با دفتر مجله است. شما هم می‌توانید پیام‌ها، نوشته‌ها، درخواست‌ها و سخنان خود را از راه‌های شش‌گانه‌ی ارتباطی (صندوق پستی، تلفن، نمابر، رایانامه، تلفن پیام‌گیر و مراجعه‌ی حضوری) با مجله در میان بگذارید.

با همراهان این شماره، آخرین صفحه‌ی ارتباطی در دوره‌ی چهاردهم با مخاطبان مجله است. از شما همراهان عزیز درخواست می‌کنیم در فاصله‌ی اردیبهشت تا مهرماه ۹۰ که مجله منتشر نمی‌شود، ما را فراموش نکنید. منتظر نامه‌ها و نوشته‌های شما هستیم. خدانگهدار.

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت کردیم. به دلیل بالابودن آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ آثار این همکاران در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست:

- فاطمه گلچین** (آموزگار دبستان شهید غلامرضا صغری، ناحیه‌ی ۱ مشهد)، **ارسلان رحمن نژاد** (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، واحد پیرانشهر)، **سعید عبداللہی پیربداغ** (مدیر دبستان شهید پیرنیا، رباط کریم)، **معصومه رنجبر مالکی** (آموزگار دبستان حکمت، نجف‌آباد اصفهان)، **نسرین رایگانی** (آموزگار پایه‌ی دوم دبستان شهیدان جوادنیا، منطقه‌ی ۷ تهران)، **فرشته اخباری** (کارشناس آموزش ابتدایی، ناحیه‌ی ۴ مشهد)، **علی قنبری** (مدرس دانشگاه پیام‌نور و دبیر آموزش و پرورش لردگان، چهارمحال و بختیاری)، **مژگان درخش** (آموزگار دبستان فاطمیه قهنویه، مبارکه‌ی اصفهان)، **ظاهره شبیرخانی** (شاغل در مرکز درمان اختلال یادگیری ستایش، بابلسر)، **مجتبی آوریده** (آمل)، **بهشته صفرپور** (آموزگار مجتمع علی‌پور، روستای باروق اردبیل)، **غلامحسین شجاعی** (از آموزشگاه علامه مجلسی، تبادکان خراسان رضوی)، **مهناز اولیایی** (آموزگار منطقه‌ی لاران، استان چهارمحال و بختیاری)، **سلیمان دویران فرد** (آموزگار دبستان فرهنگ، ناحیه‌ی ۲ زنجان)، **عذرا نژاد محمدی** (آموزگار دبستان موجانی، ناحیه‌ی ۲ شهرری)، **فاطمه ملکی جبلی** (مدرس مرکز تربیت معلم، پیشوای ورامین)، **فرشته مطاعی** (کارشناس آموزش ابتدایی، کرمانشاه)، **کبری علافی** (آموزگار دبستان قاسمیه،

قرن قدمت دارد. در گذشته نام آن کارزار بود که به دلیل لاله‌های فراوان و سرسبزی و خرمی‌اش، لاله‌زار نامیده شد. باغ‌ها و گلزارهای زیبا و دل‌انگیز این روستا در فصل بهار و تابستان گردش‌گران مشتاق فراوانی را به سوی خود جذب می‌کند.

روستای نگار از توابع بردسیر با موقعیت طبیعی و استقرار در میان یک دشت وسیع با کوه‌ها و تپه‌ها، باغ‌های انبوه و رودخانه‌ی پر آب مناظر بسیار زیبایی دارد. درختان و درختچه‌های گز، تاغ، اسکنبیل و توریبه و گیاهان دارویی آلاله، خاکشیر، بومادران، زیره، آویشن و گل ختمی و ده‌ها گیاه دیگر در زمین‌های این روستا، از ویژگی‌های ارزشمند منطقه به‌شمار می‌آیند.

روستای هنزا از توابع بافت است. گذر رودخانه‌ی هنزا از میان روستا، طراوت خاصی به این محل بخشیده است. دره‌ی کوهستانی با

در سال ۲۰۰۵، جایزه‌ی نخست ملینا مرقوری، به سبب حفظ و تعامل با طبیعت به روستای میمند اختصاص یافت

درختان کهن سال گردو از چشم‌اندازهای زیبای این روستاست. امامزاده **میر محمد ابوطالب** که یک بنای قدیمی است، قدمت این روستا را نشان می‌دهد.

روستای طرز از توابع شهرستان راور است که قدمت آن حدود شش قرن گزارش شده است. اطراف این روستا را درختان سرو بلند قامت و باغات انبوه گردو، پسته و دیگر میوه‌ها پوشانده است.

از مهم‌ترین جاذبه‌های تاریخی گردش‌گری این روستا می‌توان از آسیاب آبی سرچشمه، مجموعه‌ی سروستان و مجموعه‌ی وکیلی نام برد.

روستای سیرچ از توابع شهداد کرمان است. نام این روستا از کلمه‌ی سیر به معنای سیرشدن گوسفندان و چ به معنای جا و مکان تشکیل شده است که وجود مراتع سرسبز و گسترده، این نام را معنادار ساخته است.

سرو تاریخی دو هزار ساله‌ی روستای سیرچ، چشمه‌های آب گرم، پیست اسکی و رودخانه‌ی پر آب، از جاذبه‌های آن محسوب می‌شوند.

روستای سه کنج از توابع ماهان است. وجود زیستگاه گونه‌های جانوری و آبزیان، از ویژگی‌های این روستای زیبا و باطراوت است. آرامگاه شیخ علی بابا، زیارتگاه مورد احترام مردم روستا و از اماکن مذهبی محل است.

شبیستر)، **خلیل پیرمردیان سمیرمی** (آموزگار دبستان شهید محمد منتظری، شهر حنا سمیرم)، **سید صدرالدین مؤمنی حسن آبادی** (معاون مجتمع آموزشی و پرورشی ملاحظه، تنکابن)، **نورمحمد سیاهپور** (آموزگار دبستان شهدای گوشه، یاسوج)، **ساره اسفندیار کلون** (آموزگار دبستان کوثرخان بهبین، رامیان گلستان)، **سارا روانخواه** (دبستان حدیث، نجفآباد)، **فاطمه قاسم پور** (آموزگار دبستان سمیه، بردسیر کرمان)، **حسین محمدیان** (آموزگار دبستان شهدای فلسطین، سردشت آذربایجان غربی) و **قاسم کوشک باغی** (آموزگار دویابیهی آموزشگاه شهید علی مهری، روستای مهر منطقه‌ی داورزن سبزوار).

چند نظر درباره کارهای چند نفر از همکاران

□ **مدیر آموزش و پرورش بندر ترکمن، رضا سعیدی:** طرح درس‌های نمونه‌ی بخوانیم و بنویسیم و علوم پایه‌ی اول را که همکاران شاخه‌ی آموزشی اداره‌ی شما به شیوه‌ی استقرایی و کارایی تیم آماده کرده و به مدارس ارسال داشته‌اند، ملاحظه کردیم. دست مریزاد. خسته نباشید. انتشار این طرح درس‌ها با توجه به صفحات فراوانی که دارند، در رشد آموزش ابتدایی مقدور نیست و به نظر می‌رسد شیوه‌ی مناسب برای اطلاع یافتن آموزگاران از چنین طرح درس‌هایی، قرار دادن آن‌ها در وبسایت‌های ادارات آموزش و پرورش و ارسال از طریق بخشنامه به واحدهای آموزشی است. موفق باشید.

□ **بهنوش بحرانی، آموزگار دبستان بوعلی، داراب فارس:** در نامه‌ای که برایمان فرستاده‌اید، نوشته‌اید این چندمین باری است که به پست می‌روم و مطالبم را به دفتر مجله می‌فرستم، ولی نمی‌دانم چرا آثارم چاپ نمی‌شود. ما آخرین بار که از شما نامه دریافت کردیم، مربوط به تابستان سال ۸۴ بود و از آن تاریخ به این طرف، هیچ نامه و مرسوله‌ای از شما به دستمان نرسیده است. احتمالاً یا نشانی‌های مجله را غلط نوشته‌اید و یا مطالب خودتان را به نشانی مجله‌های دیگر رشد فرستاده‌اید. در مورد مطالب پیوست نامه‌ی این بارتان هم باید بگویم که باتمام خواندنی بودن نوشته‌های ارسالی، آن‌ها را مناسب با هدف‌ها و برنامه‌های مجله نیافتیم. منتظر مطالب جدیدترتان هستیم. نوشته‌های چاپ شده در شماره‌های گوناگون رشد ابتدایی، نشانگر مطالبی است که مورد توجه شورای تحریریه مجله قرار می‌گیرد.

□ **مسعود مرادی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، سنندج:** مقاله‌ای را که برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد شما و در مورد درس‌های آزاد کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم است، دریافت کردیم. در نوشته‌ی شما بیشتر روی مواردی تأکید شده است که عیناً در کتاب‌های راهنمای معلم یافت می‌شوند. علاوه بر این، منابع مورد استفاده‌ی شما بیشتر به کتاب‌های فارسی جدیدالتألیف دوره‌ی راهنمایی

اشاره دارند و اهداف درس‌های آزاد را در این کتاب‌ها بررسی می‌کنند. منتظر سایر نوشته‌هایتان هستیم.

■ **ابتکارات شما رسید:** تلاش‌های خلاقانه‌ی شما را می‌ستاییم. متأسفانه از آثار ارسالی شما به دلیل حجم کم صفحات مجله، استفاده نخواهیم کرد:

● **وحیده حسین منی، آموزگار دبستان گرامی، میمه اصفهان:** مجموعه‌ای از جدول‌های پیشنهادی بعضی از بخش‌های دروس علوم و فارسی سوم ابتدایی.

● **شهرزاد مردانی، آموزگار دبستان سما، نجف‌آباد اصفهان:** ساخت آدمک چرخان برای آموزش اعداد.

● **اعظم احمدخواه، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب:** آموزش ریاضی با دروس دیگر به وسیله‌ی بازی.

● **مریم جهانفر، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه:** بیان تجربه‌های عملی در روش تدریس یادگیری تیمی.

● **خاتون گرکانی نژاد، محمدرضا نگارستانی، فرهنگیان شاغل در بردسیر استان کرمان:** تجربه‌ها و ابتکارات گوناگون در زمینه‌ی مسایل آموزشی و تربیتی.

● **فرزانه اسدی عرب، آموزگار دبستان شهید اتحادی، مهولات فیض‌آباد خراسان رضوی:** ساخت وسیله‌ی آموزشی برای آموزش ابتکاری جدول ضرب.

□ مدیران از این مدیر یاد بگیرند

● **آقای اکبر احمدیان باغبادرائی، مدیر دبستان عدل از ناحیه‌ی ۳ اصفهان،** طی نامه‌ای مبسوط از ابتکارات همکار پایه‌ی اول مدرسه به نام خانم **فرزانه شاهرخیان** سخن گفته‌اند و ذکر کرده‌اند که بقیه‌ی همکاران مدرسه هم کم از ایشان نیستند و هر یک شایسته‌ی تقدیرند.

امیدواریم همه‌ی مدیران به همه‌ی معلمان خود با دیده‌ی افتخار بنگرند و کارهای خوب آن‌ها را در طبق تبلیغ و معرفی بگذارند و به همه‌ی معلمان کشور ارائه نمایند. ان شاءالله خانم شاهرخیان، خود دست به قلم ببرند و همکارانشان را در سراسر کشور از تجربه‌هایشان خبردار سازند.

لطفاً با دفتر مجله تماس بگیرید

● **فاطمه شناسگر آزاد** (بوشهر)، **مینا خیری** (کرمان)، **ملوک کریمی** (اصفهان)، **فاطمه ارفعی** (تهران) و **نوشین شرافتی** (تهران).

این‌ها را بنویسید آن‌ها را بنویسید

گزارشی از نشست سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با مخاطبان فعال

فاطمه قائمی

اشاره

همه‌ی مجلات رشد برای انتشار در طول دوره‌های سالانه، از برنامه‌ای تبعیت می‌کنند که اساس آن طرح اهداف و راهبردهای مجلات رشد (۶ هدف، ۳۶ راهبرد) - مصوب شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - است. در واقع، هر سال سردبیران هریک از مجلات رشد، از واپسین روزهای هر سال شمسی با همکاری اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله‌ی خود، بر مبنای طرح اهداف و راهبردها، تأکیدها و برنامه‌های مهم وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و نیز نظراتی که به انجای گوناگون از طریق ارتباط با مخاطبان به دست می‌آورند، برنامه‌ی سال مجله را تدوین می‌کنند و پس از تصویب آن در شورای طرح و برنامه‌ی مجلات رشد، به مدت یک سال محتوای خود را بر اساس سرفصل‌های مصوب آماده و از شماره‌ی مهر تا اردیبهشت به نشر می‌سپارند. شیوه‌ی برنامه‌ریزی در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی نیز بر این منوال است.

دوره‌ی پانزدهم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، از مهر ماه ۹۰ تا اردیبهشت ۱۳۹۱ منتشر خواهد شد. برنامه‌ریزی برای این دوره از بهمن ۸۹ آغاز شده است. برای این دوره، شورای برنامه‌ریزی مجله، علاوه بر روش‌های معمول، دو شیوه‌ی دیگر را نیز مدنظر قرار داده است. ابتدا قرار است خانم تقدیسیان، در مقام یکی از اعضای پیشکسوت مجله، به همراه سردبیر، در جلسات شورای معلمان شش مدرسه‌ی ابتدایی که تمامی معلمان آن خواننده‌ی جدی و دائمی رشد آموزش ابتدایی هستند، حضور پیدا کنند و نظرات آموزگاران درباره‌ی محتوای مجله در طول دوره‌ی چهاردهم را به صورت گزارش به شورای برنامه‌ریزی ارائه دهند. این کار انجام شده است. هم‌چنین قرار بود در جلسه‌ای با حضور سردبیر مجله، مخاطبانی صاحب‌نظر، خوش‌فکر، خلاق و در ضمن منتقد؛ از مناطق ۱۹ گانه تهران انتخاب و در جلسه‌ای با حضور آنان، محتوای یک ساله‌ی مجله در طول دوره‌ی چهاردهم به نقد گذاشته شود و از آنان خواسته شود ضمن تأکید بر نیازهای آموزگاران، موارد کمبود و نقص محتوای رشد آموزش ابتدایی را نیز یادآور شوند. این نشست نیز در واپسین روزهای سال ۸۹ در سالن اجتماعات دفتر انتشارات کمک‌آموزشی برگزار شد. آن‌چه در پی می‌آید گزارشی است خلاصه که از محتوای این نشست تهیه شده است.

ما متهمیم!

نشست با سخنان مرتضی مجدفر، سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شروع شد. وی گفت: «درست است که من و همه‌ی اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله، معلم بوده‌ایم و یا هستیم و در طول سالیان خدمت و در سمت‌هایی که فعالیت کرده‌ایم و یا می‌کنیم، به‌خوبی با زیر و بم آموزش و پرورش کشورمان آشنا هستیم، ولی در هر حال متهمیم! عده‌ای از معلمان و مخاطبان مجله می‌گویند شما که در تهران، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و در دفتر مجلات رشد نشسته‌اید، از

ما آموزگاران سراسر کشور و نیازهای گوناگون ریز و درشتمان به‌درستی خبر ندارید. ما دوست داریم حرف‌های ما را هم بشنوید و آن چیزهایی را در مجله بگنجانید که نیاز واقعی ماست. ما این حرف‌ها را قبول داریم و برای این که از نیازهای همه‌ی مخاطبان مطلع شویم، علاوه بر سفرهای استانی و دیدار با مخاطبان، به تحلیل نامه‌ها و رایانامه‌های دریافتی، صورت‌جلسه‌های شوراهای معلمان در دبستان‌های کشور، نظرات گروه‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی در استان‌ها، پژوهش‌های دانشگاهی و گزارش‌های معلمان پژوهنده

می‌پردازیم و حتی صداهای ضبط شده در پیام‌گیر تلفنی مجلات رشد را گوش می‌دهیم تا از نظرات مخاطبان آگاه شویم.» وی، سپس به هدف‌های نشست اشاره کرد و گفت: «جلسه‌ی امروز هم، یکی از ده‌ها روشی است که بخشی از صدای مخاطبان را به گوش تولیدکنندگان مجلات رشد می‌رساند. ما امیدواریم، معلمان علاوه بر نقد و ارائه‌ی راهکار برای پرداختن به موضوعات گوناگون، خود نیز دست به قلم ببرند تا ما بتوانیم کماکان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی را به‌عنوان مجله‌ای که بیشترین آثار مخاطبان

خود را منتشر می‌کند، در صدر فهرست مجلات رشد مشاهده کنیم.»

مخاطبان فعال چه گفتند؟

بعد از صحبت‌های سردبیر رشد آموزش ابتدایی، مخاطبان فعال که از میان معلمان، مدیران و اعضای فعال و خوش فکر گروه‌های آموزشی برخی از مناطق تهران به جلسه دعوت شده بودند، نظرات خود را درباره‌ی مجله اعلام کردند. البته در بعضی موارد هم از سوی سردبیر، درباره‌ی نظارت اعلام شده از طرف مخاطبان، توضیحاتی به شکل تکمیلی و تشریحی بیان می‌شد. در ادامه سعی شده است چکیده‌ای از برخی نظرات اعلام شده برای آگاهی خوانندگان مجله درج شود. طبق توضیحی که توسط سردبیر در یادداشت آغازین این شماره ارائه شده است، شما مخاطبان عزیز مجله هم می‌توانید تا ۹۰/۳/۱۶ نظرات خودتان را درباره‌ی برنامه‌های سال آینده‌ی مجله اعلام فرمایید.

پروین آقاجانی، مشاور آموزشی ۱۵ دبستان

درباره‌ی مدیریت کلاس درس مطالب بیشتری چاپ شود/ به مباحث روان‌شناسی و رفتاری توجه بیشتری شود/ در مورد هفت سامانه‌ی مدنظر اداره‌ی کل آموزش و پرورش شهر تهران، به‌ویژه سرفصل مبلمان آموزشی و برنامه‌های سالانه مطالبی آورده شود/ معرفی کتاب را از حالت محدود به گسترده تبدیل کنید/ در حجم برخی نوشته‌ها تجدیدنظر کنید و صفحات کمتری را به آن‌ها اختصاص دهید/ شیوه‌ی ارائه‌ی مطالب راجع به توسعه‌ی سواد خواندن را متفاوت کنید.

شهباز اژدهایی، آموزگار دبستان، منطقه‌ی دو

در مورد مشکلات درسی تمام پایه‌ها مطلب چاپ کنید/ اگر ممکن است برای پایه‌ها، صفحات خاص بگذارید/ مطالب خلاقیتی را زیاد کنید/ از درج تجربه‌های

تکراری خودداری کنید.

شهناز محمدی، مدیر دبستان، منطقه‌ی ۱۶ تهران

آموزش مهارت‌های زندگی برای معلمان را ادامه دهید/ نحوه‌ی استفاده از انجام تحقیق از طریق اینترنت را آموزش دهید/ به روش‌های جالب تدریس در دیگر کشورها هم بپردازید/ پاسخ‌های صحیح مسابقه‌های تلنگری برای تفکر را در مجله چاپ کنید.

اعظم‌الملوک صاحب‌قرانی، آموزگار و سرگروه آموزشی، منطقه‌ی چهار تهران

در مورد برنامه‌ریزی سالانه برای آموزگاران مطلب چاپ کنید/ به تدریس با استفاده از زبان شعر و نیز تکالیف خلاقیتی بپردازید/ با معلمانی که دانش‌آموزان مشکل‌دار دارند، گفت‌وگو کنید/ انواع املا و نیز آزمون‌های عملکردی را مدنظر قرار دهید/ در مورد درس بخوانیم، قصه‌های کوتاه و هدفمند منتشر کنید/ از محتوای مطالب جالب مجله، برای نصب در مدارس پوسترهای آموزشی درست کنید.

شهربانو اسماعیلی، معاون آموزشی دبستان فرید

پاسخ به پرسش‌های تربیتی آموزگاران را در دستور کارتان قرار دهید/ مطالب توسعه‌ی سواد خواندن را ادامه دهید/ درس‌ها را به‌صورت پروژه‌های عملی ارائه کنید/ حتماً سایت‌های فارسی مرتبط با ابتدایی را معرفی کنید/ دست‌سازهای دانش‌آموزان را در مجله معرفی کنید.

میترا احمدی، آموزگار منطقه‌ی نه تهران

برای دوره‌ی آمادگی دو هفته‌ای کلاس دومی‌ها حتماً مطلب آماده کنید/ طرح تلفیقی

کردن مهارت‌های زندگی با دروس گوناگون را در برنامه‌ی خود بگذارید/ در تلنگری به تفکر، از بخش‌نامه‌های موجود هم استفاده کنید و از مخاطبان بخواهید آن‌ها را نقد کنند.

اشرف سرلک، کارشناس آموزشی دبستان منان

مکاتب و اندیشه‌های تربیتی را معرفی کنید/ درباره‌ی مراکز یادگیری مطلب بنویسید/ در مورد ویژگی‌های معلمان خوب، سلسله‌مطالب بگذارید/ راجع به چند مهارتی شدن معلمان، مطالبی را آماده کنید.

ژیلا رضانی، معاون آموزشی دبستان فیروزه

شانزده صفحه‌ی وسط مجله، بسیار کاربردی است/ جای مطالبی راجع به



ویژگی‌های رشد بچه‌های دوره‌ی ابتدایی در مجله خالی است/ در مورد آموزش فراگیر (آموزش هم‌زمان بچه‌های عادی و معلول با هم) حتماً مطلبی در مجله بگذارید.

منیژه اسدی، مدیر دبستان شهدای هشت شهریور، منطقه‌ی ۱۶

از تجربه‌های آموزگاران، کماکان استفاده شود/ دانستنی‌های ضروری بهداشتی- علمی برای آموزگاران در مجله درج شود/ باز هم درباره‌ی تکالیف و پژوهش‌های دانش‌آموزی مطالبی را چاپ کنید.

تارنمایی برای انتظار

ناصر بنی علی

آشنایی با پایگاه‌های خبری موعود و مستور

عن قریب است که صاحب‌نظری می‌آید
منتظر باش که ناگه خبری می‌آید
ملا محمد جواد واصل

ترویج و تبلیغ فرهنگ مهدویت و انتظار از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر جامعه‌ی اسلامی و حتی جامعه‌ی انسانی اکنون است. با توجه به دسترسی سریع و الکترونیکی جهانیان به اخبار و پایگاه‌های اطلاعاتی، در زمینه‌ی آشنایی با مهدی موعود و فعالیت‌های مرتبط با این موضوع، پایگاه اینترنتی و اطلاع‌رسانی موعود^۱ جوان و مستور در حال فعالیت‌اند.

صفحه‌ی اصلی پایگاه مستور با نشانی

<http://Mastoor.ir/>

شامل بخش‌هایی با عنوان‌های زیر است:

ذره‌بین، که به مطالب و موضوعات اجتماعی، ادبی و فرهنگی می‌پردازد و کاربر نیز می‌تواند به صورت بر خط نظر خود را منعکس کند.
مقالات، که مقاله‌های مرتبط با ظهور، زمینه‌سازی انقلاب اسلامی، احکام، موعود قرآن و دیگر مطالب مناسب را ارائه می‌کند.
گفت‌وگو، داستان، شعر و ادب، سبزه‌آبی، معرفی کتاب و چند رسانه‌ای نیز از دیگر بخش‌های این پایگاه هستند.

شما در صفحه‌ی اصلی می‌توانید در نظرسنجی سایت شرکت کنید.

از همان روز نخست بالای صفحه‌ی جلد نشریه‌ی موعود این جمله خودنمایی می‌کرد: «موعود، اولین نشریه درباره‌ی امام عصر(عج) و برای امام عصر(عج)». از قسمت‌های متنوع این مجله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. داستان‌های کوتاه و خواندنی

۲. احادیث ناب

۳. داستان‌هایی از دیدار افراد با امام زمان(عج)

۴. مقالات مذهبی درباره‌ی حضرت مهدی(عج)

۵. زندگی علما

۶. مصاحبه با افراد سرشناس، معرفی کتاب و دیگر مطالب خواندنی روز.

لازم به ذکر است، این ماهنامه‌ی فرهنگی و اعتقادی، به سردبیری **اسماعیل شفیعی سروستانی** سال هاست که برای مردم و به‌ویژه جوانان و نوجوانان چاپ می‌شود و علاوه بر نشریات، انواع لوحه‌های فشرده را نیز درباره‌ی حضرت مهدی(عج) و فرهنگ انتظار توزیع می‌کند.

1. <http://mouood.org>

آشرف‌سادات حسینی، آموزگار منطقه‌ی چهار تهران

با توجه به نیازهای آموزگاران، تجربه‌های ناب در مورد ارزش‌یابی توصیفی را به‌طور جدی و مستمر کار کنید/ در زمینه‌ی تلفیق دروس با یکدیگر و نیز ساخت وسایل کمک‌آموزشی با همیاری آموزگاران و بچه‌ها هم مطالبی را کار کنید.

پروین حیدریبور، کارشناس ارشد ادبیات فارسی، مدرس طرح پرلز

سعی کنید در هر شماره دو سه مطلب بالاتر از سطح میانگین مخاطبان مجله کار شود تا به این ترتیب در ارتقای دانش آموزگاران سهیم باشید/ طرح پرلز را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار دهید.

فاطمه حصارکی، کارشناس مسئول ابتدایی منطقه‌ی پنج تهران

نمونه کارهایی را که مدرسه‌ها درباره‌ی توسعه‌ی سواد خواندن کار کرده‌اند، در مجله چاپ کنید/ با توجه به چالش‌های آموزش ریاضیات، تجربه‌هایی را برای علاقه‌مند ساختن دانش‌آموزان به این درس منتشر کنید

پریدخت سادات ماجدی، مدیر دبستان ادب، منطقه‌ی پنج تهران

صفحه‌ای را برای چاپ آثار و نیز طرح دیدگاه‌های معلمان بازنشسته اختصاص دهید/ آموزه‌های قرآنی برای آموزش معلمان و دانش‌آموزان را از نظر دور ندارید/ با توجه به ضعف معلمان در نوشتن، شیوه‌هایی را برای آموزش چگونه نوشتن در مجله ذکر کنید.

البته تعداد دیگری از همکاران حاضر در جلسه نیز صحبت کردند که به دلیل کمبود جا و خاص بودن برخی از نظرات، از ذکر آن‌ها می‌گذریم. امید است از این نظریات به همراه سایر دیدگاه‌هایی که از آموزگاران سراسر کشور دریافت می‌کنیم، مجله‌ای در شأن نام و مقام آموزگاران ابتدایی منتشر کنیم.